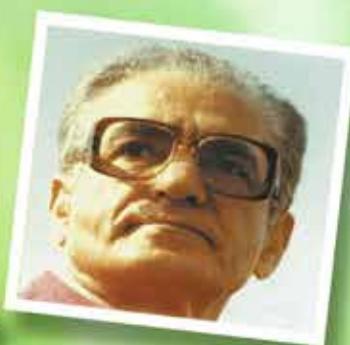


پرونده ای که سناریوی سرنگونی شاه ایران را رقم زد

فوتبال مذهب جدید

فخری نیکزاد بانوی کلام

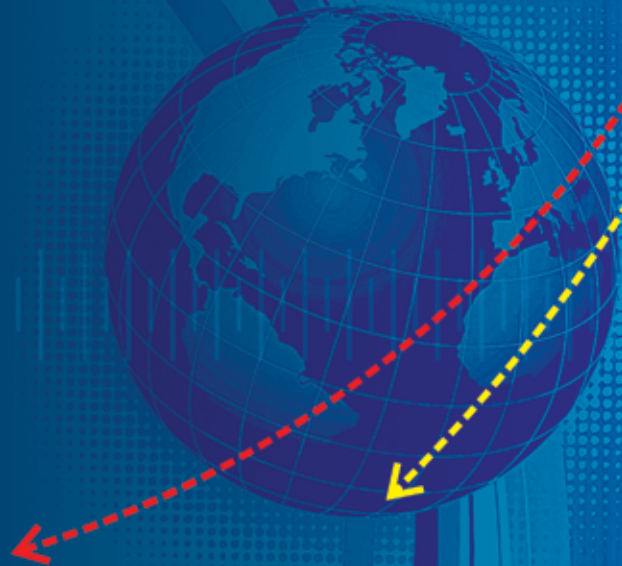
شب با شکوه
بنیاد توس
در لندن



AEROPLAN® Cöln

اژانس بزرگ مسافرتی ایرو پلان کلن

سفر به ایران
و سایر نقاط جهان
با معتبر ترین خطوط هوایی
با مناسب ترین قیمتها
و بهترین سرویس



برای آگاهی بیشتر و رزرو جا با همکاران فارسی زبان ماو تلفنهای زیر تماس حاصل فرمائید.

۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۲	آقای کامران خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۴	خانم خسروی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۵	آقای پرویز خطیبی	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۵۳	خانم بخشی
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۳۲	آقای یوسف همایون	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۶	خانم شیلان
۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۱	آقای منوچهر خزد و زیان	۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۲۸	خانم چالاک
		۰۲۲۱ - ۹۲ ۴۷ ۱۶۷	خانم پور ختایی

دورتموند :

۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۸	خانم عنصری
۰۲۳۱ - ۹۱ ۲۵ ۲۵۹	خانم جنتیان

فرودگاه کلن و بن :

۰۲۲۰۳ - ۴۰ ۵۹ ۴۰	خانم نقاش - خانم دانش
------------------	-----------------------

AEROPLAN's Partner:

مسافرت با شرکتهای معتبر زیر با تخفیف ویژه برای هموطنان ایرانی



Studiosus

seetours

Club Med



airtours



Neumarkt 49 - 50667 Köln

www.aeroplan.de

info@aeroplan.de

بهترین برنج باسماتی جهان برگزیده خانواده‌های ایرانی

SCHEHERAZADE

خوش طعم، خوش عطر، خوش پخت

شهرزاد

پاکیزه و بسته بندی شده تحت نظارت کارشناسان مواد غذایی در آلمان با استانداردهای بین المللی



Basmati Rice GmbH (Europe)

Tel: +49 (0)2151 - 510 560



Anjoman انجمن

The Best For Your Taste



محصولات انجمن انتخابی هدایای برای سلیقه ایرانی

Unit 14 Premier Park, Park Royal,
London NW10 7NZ
Tel: 0208 961 9999
Fax: 0208 961 9339



www.anjomanfoods.com



No: 109.1 Gholstan 2,
Farahizad Blvd,
Shahrak Garb, Tehran, Iran
Tel: 0098 21 22081325
Fax: 0098 21 22072413



مژده



آژانس مسافرتی آندر آلستر



با بیش از ۳۵ سال تجربه

از تاریخ یکم ماه آپریل تا سی ام ماه یونی ۲۰۰۹

پرواز به تهران با هواپیمایی امارات

از طریق دبی



آقای رادسر

040-24 66 16

فقط ۳۲۰ یورو

همه روزه



خانم امامی

040-24 66 17



آقای شمشادیان

040-24 66 18

info@flyto-iran.de

www.flyto-iran.de

An der Alster 81, 20099 Hamburg



Miraflores®

شرکت میرافلورس تجربه گرانبهای سی ساله
خود را در اختیار شما قرار میدهد

"اکنون بهترین زمان سرمایه گذاری است"

شما میتوانید از این فرصت طلایی بهره مند شوید
و در جنوب اسپانیا ، بلغارستان و مراکش از حداکثر
موقعیت ها و وامهای بانکی بهره مند شوید

ما بهترین موقعیت های سرمایه گذاری را
به شما ارائه میدهیم

جهت بازدید و دریافت اطلاعات لازم از
پروژه های فوق با دفتر مرکزی ما در اسپانیا
و آقای شهرام وارسته تماس حاصل نمائید



تلفن مستقیم: ۲۲ ۴۴ ۷۰ ۹۵۱ (+۳۴)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۱ ۰۲ ۹۳ ۹۵۲ (+۳۴)

موبایل: ۴۴۴ ۵۰۳ ۶۰۷ (+۳۴)

فکس: ۴۰۱ ۹۳ ۹۵۲ (+۳۴)

MIRAFLORES DEVELOPERS S.L.

Centro Miraflores, Ctra. Cádiz

KM 199, 29649 Mijas – Costa

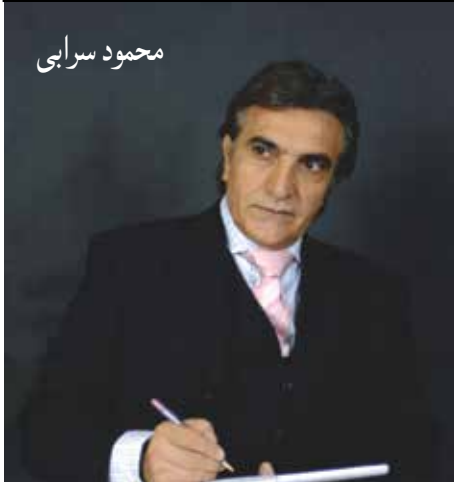
Málaga - España

info@miraflores.com

www.miraflores.com

بجنگ تا بجنگیم

محمود سرابی



که در سویی خودفروشان، شارلاتانها و عوامفربیان با پول و امکانات و رفاه ایستاده‌اند و در این سو مشتی عاشق و مسئول و متعهد به امیدو آرزویی بزرگ و فردایی روشن برای سرزمینمان.

بی‌پروا ۳۰ سال است به دشمنان کشورمان اعلام کرده‌ایم که بجنگ تا بجنگیم.

دو دوتای ما هم صد تا شده؟

خود می‌زنند و هر ماهه جور ما را می‌کشند. از تحویل مجله گرفته تا پخش در سراسر آلمان، از پست گرفته تا ترجمه مطالب به زبان آلمانی، از کارهای بانکی گرفته تا حساب و کتاب و آگهی‌ها، از پذیرایی و مهمان نوازی مهربانانه گرفته تا همدلی و همفکری و همراهی.

به راستی هر کدام از شما از خود پیرسید در این دوره زمنه چند نفر را سراغ دارید بدون هیچگونه چشمداشت، توقع و انتظار چنین دریا دلاشه محبت را سخاوتمندانه پیشکش کنند؟ و ساعتها و روزها کار و زندگی خود را رها کنند و همراه این مسیر باشند؟ اینجاست که باید گفت درود به شرف دوستانی چون بیژن آصفی و همسرش

این سرمایه ماست که دو، دو تایمان صد می‌شود. در فرانسه همینطور، در اسپانیا همینطور، در هلند، سوئد، دانمارک و...

به راستی اگر حساب و کتاب مالی در میان باشد حتی یک سفر هم با چنین مسافتی امکان پذیر نیست. و هر سفر حداقل چندین هزار پوند بودجه می‌طلبد که این دوستان باصفا جور ما را می‌کشند تا ثابت شود سرمایه فقط حساب بانکی نیست. چون اگر در این چند سال چهارصد، پانصد هزار پوند هم در حساب بانکی خود داشتیم تا حالا تمام شده و خرج این سفرها می‌شد. ولی ما که هر ماهه گرفتار چهارصد پانصد پوند هستیم این یاران و دوستان هستند که همه این معادلات را بهم زده‌اند تا همه غیرممکن‌ها را ممکن کنند و تنها باز هم می‌توانم بگویم مقابل همه بزرگی و محبت‌هایشان سر تعظیم فرود می‌آورم.

از قدیم گفته‌اند، دو دوتا، میشه چهارتا. ولی تو حساب و کتاب ما انگار معادلات یک جوری دیگه نشون میده. مثلاً اگه بخوای خیلی ساده و سرانگشتی حساب کنی که یک نفر از لندن با بیش از هفتصد هشتصد کیلو مجله بخواد راه بیفته، دور اروپا و شهر به شهر و کشور به کشور، مغازه به مغازه سر بزنه و هر ماهه هم بخواد این کار را بکنه، هزینه سفر خواب و خوراک هزاران هزار کیلومترانندگی و اجاره ماشین، بنزین و... سرانگشتی چقدر میشه؟ اصلاً قضیه یادم رفت نیروی انسانی و قیمت کارمزد آدم‌ها به خاطر اینهمه وقت چقدر میشه؟

فرانکفورت در آلمان شروع کار است. مسیر فرانکفورت به بن، کلن، دوسلدورف، دورتموند، آخن، هاگن، هامبورگ، هانوفر، ویسبادن، ماینتز، دارمشتات و برلین و... چند روز مسافرت بی‌وقفه اطمینان و دل محکمی از دوستانی که پنج ساله بی‌وقفه هر ماهه از خودم جلوتر ایستاده‌اند و جور همه سختی‌ها و مشکلات و کمبودها را کشیده‌اند!

واسه همینکه که وقتی حساب می‌کنی می‌بینی دو، دوتا میشه صدتا.

این روزا که آدم‌ها با سایه خودشون هم معامله می‌کنن و حاضر نیستند یک چایی تلخشون را بی حساب به کسی تعارف کنن، انسانهایی پیدا می‌شن که فقط به خاطر رفاقت و معرفت و احترام به هدف مجله رنگارنگ از وقت و کار، زندگی و پول

هزار و چهل و یکمین بار، باز هم شروع شد. قلم و کاغذ و یادداشت که در این شماره چه مطالبی باشد؟ وضع آگهی‌ها و حساب و کتاب در چه وضعی است.

۲۱ سال و هزار و چهل و یک شماره و تکرار و تکرار.

مشکلات و گرفتاریهای همیشگی ۲۱ ساله باز هم ادامه دارد. اگر هر شغل و کسب و کار دیگری داشتم با تداوم و استمرار ۲۱ ساله حداقل صاحب رفاه و امکانات و پول و آسایش و آرامشی ظاهری بودم ولی هرچه قدر زمان کار مجله کشیده‌تر می‌شود گرفتاریهای کمرشکن ما هم قشورتر می‌شود.

حتماً می‌پرسید چرا؟ رفیقم گوش کن تا برای تو بگویم: وقتی می‌خواهی ماشین حساب شخصی و سودجویی فردی رو خاموش کنی و مثل پروانه‌ای به دور شمع وطنت بگردی و کلاه سر هموطنت نداری و آینه‌ای به دست بگیری و هر لحظه تصاویر میلیون‌ها انسان دردمند و ماتم زده را ببینی و بغض و خشم و کینه و نفرت از عاملان این جنایت را حس کنی و بخوای صدای مظلومیت مردم باشی، کار خیلی هم ساده نیست.

اونوقت تویی و یک گله گرگ! اونوقت تویی و یک گله حیوان انسان نمای مدعی! که همه می‌خواهند پاره، پاره‌ات کنند چون می‌خواهی نقاب از چهره‌شان برداری.

چون دستشون را رو می‌کنی، چون رسواشون می‌کنی ولی فقط با یک فرق، من علنی و روشن و در مجله و تلویزیون می‌گویم و می‌نویسم ولی اونا چون بزدلان و ترسو و آلوده، در تاریکخانه‌های کوردلی خود انگ و برچسب و شایعه سر هم می‌کنند.

هزار و چهل و یکمین بار هم تکرار همین خط طولانی ۲۱ ساله زندگی ماست که می‌خواهیم منافع ملی، انسانی و ایرانی‌مان را حراج نکنیم و همه سختی‌ها و مشکلات را به جان بخریم تا تک صدای ملتی باشیم که به خاطر آنان حاضریم تا شماره‌های چند هزاری دیگر هم برویم.

هر روزمان میدان جنگی نابرابر و ناجوانمردانه است

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

www.ranagarang.co.uk

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ همراه منتشر می
شود



GoldenPhone

Digital Communication



فقط در گلدن فون

Line Rental از ۱۰ پوند در ماه شروع می شود*



T-Mobile



FREE INTERNATIONAL CALLS

تماس رایگان به خارج از انگلستان*

ارایه کلیه خدمات تعمیر و نگهداری
لپ تاپ و موبایل

برای آگاهی از جدیدترین و بهترین تعرفه ها و مدل های گوشی
موبایل با کارشناسان فارسی زبان ما تماس بگیرید

0208 123 5246

0208 123 5247

اردوان

07950 111 222

مسعود

07961 44 7979

www.goldenphone.co.uk

65 Minerva, RoadPark Royal

London NW10 6HJ

* Terms & conditions apply, Call us for details .
Offer available for a limited period only

آیا از موهای زاید بدن ، بوی ناخوشایند زیر بغل ، کیفیت پوست ، چروک و فرم اندام خود و یا شریک زندگیتان ناراضی هستید ؟!

کلینیک زیبایی دکتر عباس شیرافکن، دکتر ویلیامز و دکتر لورن و بیوتراپیستهای با سابقه



•Alexander Laser •I P L •N Lite •Nd:YAG laser •L P G



۱- لایه برداری پوست صورت ، جوان کردن پوست 35£
۴- تمیز کردن صورت از 16£ الی 50£
کلیه درمانهای زیبایی الکترولیز
۵- لایه برداری پوست صورت 35£
۶- Contact Lens، Fresh look رنگی برای ایرانیان 10£
۷- جدیدترین مدل های آرایش و رنگ مو و آرایش عروس پوت آپ

۱- لیزر برای از بین بردن مو: صورت 45£ - زیر بغل 35£
چانه 20£ - بالای لب 20£ -
بیکنی 45£ - پا 99£ - پشت گردن 30£ - گونه ها 30£
۲- تزریق بتاکس در ناحیه پیشانی و اطراف چشم ، اطراف دهان و کنار بینی برای از بین بردن چروک از 270£ به بالا
بزرگ کردن لب 250£
۳- از بین بردن مویرگ های قرمز 35£

LEMOGE CLINIC

020 73720044 - 020 73724433 (شعبه اصلی)

191 Kilburn High Road London NW6 7HY (near Bingo)

Mon-Fri 9:30 - 7 Sat 9-6 / Sun 10-5:30

شعبه جدید:

0207 625 60 60 - 0207 625 50 00

325 Kilburn High Road
London NW6 7PY

نوروز در اروپا چیست؟

ایرانیان نوروز را در جنوب اسپانیا گرامی داشتند

پلو با ماهی و مرغ بود که در مجموع همه راضی باشند و دسر با شیرینی سنتی و چای همراه بود و در طول برنامه که به صورت DJ برگزار می‌شد شرکت کنندگان ساعتها به رقص و پایکوبی پرداختند. در بخش‌هایی از برنامه فریبا سراج از طرف برگزارکنندگان برنامه به حضار خوش آمدگفت درباره هفت سین حرف زد و سپس تکه‌هایی از رقص‌های اصیل ایرانی را با ریتمی دیدنی اجرا کرد و چند ترانه نیز خواند که مورد تشویق بسیار قرار گرفت.

شهره وارسته که مدیریت برگزاری این مراسم را به عهده داشت درباره برگزاری



کمپانی میرافلورز با مدیریت شهره وارسته شبی به یادماندنی را برگزار کردند. جمعه ۲۰ مارچ در سالن زیبا و مجلل میرافلورز جشن نوروز با سفره هفت سینی زیبا و چشمگیر با حضور بیش از ۱۵۰ نفر از ایرانیان برگزار گردید.

آنچه ارزش و اعتبار چنین مراسمی را دوصدچندان می‌کند عشق و دلبستگی ایرانیان به تاریخ و فرهنگ و یادگارهای کهن و سنن گذشتگان سرزمینشان می‌باشد که هنوز پس از هزاران سال هرکجای جهان که ایرانیان حضور داشته باشند حافظ و پاسدار آئین‌های کهن و باستانی سرزمینشان می‌باشد و دلنشین‌تر اینکه برگزارکنندگان این مراسم به خاطر کسب درآمد و کاسبکارانه به چنین مراسم ارزشمندی نگاه نکرده بودند.

جشن نوروزی به صورت نشسته و آرامش و آسایش برای شرکت کنندگان بود. از مهمانان با پیش غذاهای متنوع پذیرایی می‌شد. شام مخصوص شب عید سبزی



چنین مراسمی در گفتگویی کوتاه با مجله رنگارنگ اظهار داشت در جنوب اسپانیا که ما هستیم متأسفانه ایرانیان پراکنده هستند و گردهمایی‌هایی به مناسبت‌های مختلف با شرکت همه ایرانیان امکان پذیر



دلیل تصمیم داریم چنین مراسمی را به صورت هر ماهه برگزار کنیم و درواقع یک جشن خانوادگی را با هم زیر یک سقف داشته باشیم. البته در این راه کمکهای همسر، برادرم شهرام، دوست خویم شیرین و همکار هنرمند خوب فریبا را هم در کنارم دارم. شاید آنچه دلم می‌خواهد همه دوستان بدانند این است که این برنامه‌ها را فقط گذران وقت نگاه نکنید بلکه به عنوان شبی در نظر بگیریم که با کمک و همفکری همه ایرانیان شرکت کننده بتوانیم ایده‌ها و طرح‌های متنوعی نیز در این مراسم ماهانه اجرا کنیم. بخصوص بچه‌هایمان را بیشتر تشویق کنیم که حضور فعالتر در این جشنها و مراسم داشته باشند و استعدادها و قابلیت‌های آنان را تقویت و تشویق کنیم.

نیست ولی با این وجود ۵ سالی است که ما چنین مراسمی را برگزار می‌کنیم که البته فقط برای نوروز نیست و طی سال به مناسبت‌های گوناگون چنین شب‌هایی را داشته‌ایم که هدف حضور ایرانیان با خانواده‌هایشان بخصوص نسل جدید که شاید اکثراً هم در اینجا متولد شده‌اند فضایی را به وجود می‌آورد که بچه‌ها ساعاتی در حال و هوایی متفاوت و ایرانی زیر یک سقف دور هم جمع شوند. من وقتی به دخترم نگاه می‌کنم که چطور از بودن با هم سالانش که ایرانی هستند لذت می‌برد، با ریتم و آهنگهای ایرانی می‌رقصد و می‌خواند و فارسی حرف می‌زند به عنوان یک مادر غرق در لذت و غرور می‌شوم که در این گوشه جهان پنهانور ما نیز ایرانی کوچک را برای خود ساخته‌ایم و به حفظ و پاسداری فرهنگ، هنر و تاریخ تلاش می‌کنیم و به همین





کنسرت‌های نوروزی آلمان چگونه برگزار شد؟

ایران در این صحنه حضور یافتند. در این برنامه که بیش از پنج هزار نفر به تماشای آن رفتند، شهرام شب پره، لیلا فروهر، امید و ابی هر کدام برنامه‌های کاملی اجرا نمودند. یکی از قسمت‌های خوب و به یادماندنی برنامه آن شب در انتهای برنامه لیلا فروهر رخ داد که او با دعوت از برگزارکنندگان برنامه آن شب به روی صحنه و آوردن پرچم بسیار بزرگ و زیبای ایران، سرود ای ایران را با همکاری آنها، هم صدائی تماشاگران خواند که بسیار تاثیرگذار شد....

و اما در کنسرت نوروزی امسال «اوبره‌ازن» که شنبه بیستم و هشتم مارس انجام گردید، معین، لیلا فروهر و شهرام صولتی، کامران و هومن، سپیده و افشین

شرکت داشتند که بیش از ۹ هزار نفر از آن دیدن کردند که آن کنسرت هم مثل سالهای دیگر با تجربه‌ای که برنامه‌گذاران آن به دست آورده‌اند بدون حادثه به اجرا درآمد. اما در آخر برنامه معین که خواننده مینی لیست بود بعد از آنکه فقط حدود بیست و پنج دقیقه برنامه اجرا کرده بود برنامه‌گذاران از او خواستند که برنامه‌اش را پایان دهد چون طبق قرارداد باید سالن را در آن ساعت تخلیه کنند. این حرکت موجب دلخوری و گله زیاد معین شده بود چون معین بیش از دو ساعت برنامه اجرا می‌کند بیست و پنج دقیقه برای او خیلی کم است.

معین با عصبانیت به آنان گفته است دیگر به هیچ وجه در چنین برنامه‌هایی شرکت نخواهد کرد.

گروه هنری نگاه در هامبورگ آلمان پس از برگزاری دو کنسرت موفق در سال گذشته (منصور، امید و هنگامه و دیگری با حضور ستار، شیلا و منصور در سالن شماره 3 CC4) نوروز امسال - جمعه بیست و هفتم مارس - با همکاری «آونگ» برنامه بزرگی را در سالن آرنای هامبورگ جایگاه بزرگان موسیقی بین‌المللی تدارک دید و برای اولین بار هنرمندان

سوپر تهران

**جدیدترین و شادترین
کاست ، سی دی و
ویدیوها با قیمت‌هایی
استثنایی فقط در
سوپر تهران**

**شما می توانید
شیرینیجات،
بستنی ، فالوده ایرانی
خشکبار، ترشیجات و
دیگر محصولات ایرانی
را از ما تهیه فرمائید.**

565 , Finchley Road , London NW3

Tel: 020 7435 3622

Fax: 020 7431 9595

چاقوکشی، خونریزی و وحشی‌گری در برنامه‌های هنری!



سید کریم در لندن

سید کریم هنرمند محبوبی که چند دهه است بر صحنه، دل مردم را شاد می‌کند و شاید به جرأت بتوان او را اولین «شومن» ایرانی نامید که بیش از چهل سال پیش در کاباره‌های سرشناس تهران به صحنه می‌رفت پس از انقلاب ملاخور شده راهی لندن شد و سالها در لندن ساکن بود و به اجرای برنامه می‌پرداخت تا اینکه به آمریکا رفت و چند سالی نیز در آمریکا ماندگار شد ولی دوام نیاورد و به اروپا بازگشت و اکنون ساکن کشور سوئد می‌باشد.

سید کریم برای چند هفته به لندن آمده است تا هم دیداری با دوستان خود تازه کند و هم به اجرای برنامه بپردازد.

سید کریم به حق از نادر هنرمندانی است که دارای دریایی معرفت و حق شناسی و محبت است و همیشه به قول لوطی‌های قدیم سفره‌اش په بوده و در خانه باز است.

برای سید کریم هر کجا که هست آرزوی سلامت و موفقیت داریم.

هیاهو هم کشیده می‌شد. در سه و چهار سال اخیر در کنار برنامه‌گذاران آن چنانی، افرادی بی‌اصل و نسب و وحشی و بی‌آبرو که زائیده سیستم امروز جامعه جمهوری اسلامی هستند که دعوا و چاقوکشی مانند نقل و نبات در ایران می‌ماند، سر و کله‌شان در اجتماعات ایرانیان بسیار دیده می‌شود. اینان نه حرمتی برای حضور خانواده‌های محترم ایرانی قائل هستند و نه بویی از معرفت و انسانیت برده‌اند.

انسان نماهای ضعیفی هستند که با خوردن یک آبجو یا هر زهرمار دیگری خوی وحشی‌گریشان عود می‌کند و باعث برهم زدن برنامه‌های هنری یا اجتماعات ایرانیان می‌شوند و چون برنامه‌گذار هم پشم و پیلی در مقابل اینان ندارد دعوا و زد و خورد و دخالت پلیس از پیش درآمدهای دائم شده است و شاید بهترین راه این باشد که ایرانیانی که برای خود احترام قائل هستند مدتی چنین برنامه‌هایی را تحریم کنند تا هر برنامه‌گذاری که قصد برگزاری چنین برنامه‌هایی را دارد تعهدات و مسئولیت خود را در چارچوب برنامه‌ها اعلام و مشخص سازد. مجله رنگارنگ ۲۲ سال است که همه گاه بدون پرده‌پوشی به این مسائل پرداخته و کماکان هم خواهد پرداخت و حتی اگر لازم باشد اسامی چنین برنامه‌گذارانی و حتی افرادی را که باعث اختلال و مزاحمت مردم شوند را خواهد نوشت و صد البته راههای دیگری هم برای تنبیه چنین افرادی وجود دارد که بعضی‌هاشون با شناختی که دارند می‌دانند که پایشان را از گلیم کوچکتان فراتر نگذارند.



لندن در سالهایی نه چندان دور مرکز اجتماعات و برنامه‌های هنری حرفه‌ای و مثال زدنی بود. زمانی که افرادی با اعتبار و پیشینه‌ای آبرومند و سرشناس مدیران برگزاری چنین برنامه‌هایی بودند، افرادی مانند منوچهر وثوق، آریس، سرکوب، رضا فاضلی، که هر یک از این افراد خود صاحب کارنامه‌ای درخشان در زمینه هنری بودند و جایگاه خاص خویش را داشتند تا اینکه بتدریج سر و کله کسانی پیدا شد که خود آرزو داشتند در کنار هنرمندی عکس بگیرند و بیشتر پادو و تدارکاتچی بودند و کنسرت گذاردن برای امثال اینان افتخار و کسب شخصیت بود بارها و بارها کنسرتهایی در لندن به مشکلات عدم پرداخت دستمزد خوانندگان مواجه شد. بارها و بارها هنرمندی که اسمش اعلام شده بود به صحنه نرفت که صد البته هنرمندان هم در این آشفته بازار بی‌تقصیر نبودند و هرکس و با هر نامی پیش پرداختی برایشان ارسال می‌کردند اینان هم بقیچه به بغل راهی می‌شدند و گاهی اوقات هم کار به جنجال و

فرهنگسرای لندن بزرگترین و مدرنترین مرکز فرهنگی ایران در بریتانیا

* انواع کتابهای چاپ داخل و خارج از کشور

* مرکز پخش آئین نامه رانندگی

* انواع سی دی های داخل و خارج از ایران

و فیلمهای ایرانی

* انواع سازهای ایرانی تار، سه تار، تنبک

همراه کتابهای نت

فرهنگسرای لندن هیچ گونه نوار، سی دی

و فیلمهای کپی عرضه نمی‌کند



مرکز پخش ترجمه فارسی راهنمای تست زندگی در بریتانیا

1261 Finchley Road, Temple Fortune London NW11 0AD

(Golders Green Tube Station – Northern Line)

Buses: 82, 102, 460

Tel: 020 8455 55 50 Fax: 020 8201 8506

E-mail: Farhangsara@aol.com

یک انگلستان

یک لندن

قنادی رضا

نامی که می شناسید و ۲۵ سال به آن اطمینان دارید



کلیه مایحتاج خود را با
بهترین کیفیت و قیمت از
سوپر قنادی رضاتهیہ فرمایید

همه روزه انواع شیرینیجات
خشک و تر در قنادی رضا طبخ و
به مشتریان عرضه می شود

345 High Street Kensington London W8

Tel: 020 - 7603 0924

مجله رنگارنگ همیشه زبازد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE&FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St

London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae

قنادی و خشکبار بهار و سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون



آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

گوشت و مرغ حلال

ویدیو کلاب زمان بهترین کاست ، سی دی و ویدیوهای ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.

Tel: 020 7603 8909

347 Kensington High St. W8

پیام تبلیغاتی خود را با مجله رنگارنگ در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

herbal medic + acupuncture clinic

درمان حرفه ای با قیمت های استثنایی

استفاده از طب سوزنی، ماساژ و گیاهان دارویی

(تحت نظر متخصص طب سنتی چین)

• انواع دردهای مختلف عضلانی و استخوانی (کمر، گردن، شانه)

آرتروز، گرفتگی عضلانی ناشی از ورزش

• میگرن و سردردهای مزمن

• بیماریهای زنان: نازایی، اختلالات هورمونی، قاعدگی های دردناک

و یائسگی های زودرس

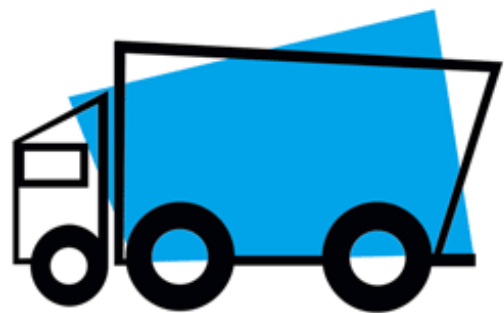
• بیماریهای جنسی مردان

• سینوزیت، آسم و حساسیت ها

Please contact us on **020 8906 3889**

Our address: 166 Deans Lane, Edgware HA8 9NT

Web: [www. herbal—medic.com](http://www.herbal—medic.com)



کلیه کارهای جابجایی و

حمل و نقل خود را با اطمینان

از ابتدا تا انتها به ما بسپارید

075 33 40 19 44

با مدیریت جلال



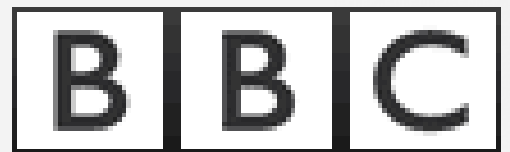
بادی خرسندی در رنگارنگ

یا اخی، در نیار که طاقت عرب نداریم!

”به گزارش خبرنگار مهر، در پایان دیدار تیم های ملی فوتبال ایران و عربستان که به برتری ۲ بر یک عربها انجامید، بخش عمده ای از یکصد هزار تماشاگر حاضر در ورزشگاه آزادی به طور ایستاده نظاره گر ناکامی تیم کشورمان بودند و شعارهایی را علیه کادر فنی و علی دایی سر دادند. در این بین علی دایی برای در امان ماندن از پرتاب احتمالی اشیا از سوی تماشاگران با چند دقیقه تاخیر و در میان بازیکنان عربستان راهی رختکن شد.“

چنان ملت ز دائی در غضب شد که ناگه دائی-اش از بیخ عرب شد	ولی کم کم علیدائی، ولی شد وجودش ماهیه صد معطلی شد	بده آشی به آن فوروارد خسته به رویش یک وجب روغن نشسته	مشو غافل ز زور خشم مردم اگر افتاده ای از چشم مردم
به همراه عرب در رختکن رفت به سوی اجنبی از هموطن رفت	فقیهی شد به کار باندبازی برای این و آن پرونده سازی	گلر را سیخ برگ و دیس ماهی به هافبک گشگی ده تا بخواهی	گریزد ملت از مرد ربائی چه از بهرش عمو باشی چه دائی
از او پرسید خالد بن ولائی چرا پس یا اخی فی بین مائی؟	که: ”این در بازی ماقبل فینال نداده پاس من را پس، فلان سال“	اگر این زور گفتن هست آسان سقوط قهرمان، آسانتر از آن!	چه کاپیتان، چه رهبر، چه فلانی! نپنداری ز ملت در امانی
به پاسخ گفت دائی: یا حبیبی پناهم ده که هذا من غریبی!	”فلانی در فلان جام جهانی“ ”به جای من زده گل ناگهانی!“	(اگرچه، میتوان ماندن، به سختی همیشه قهرمان، مانند تختی)	که می بینی اقامتگاه تو ساخت در آنجا که عرب رفت و نی انداخت!
زمانی قهرمانی بود دائی برای خود جهانی بود دائی	”فلان آدم نمیدادم اگر هل“ ”خودم صدتای دیگر میزدم گل!“	خصوصاً گر که وابسته به تیمی تو در سود و زیان آن سهیمی	عرب در رختکن بیرون شد از شورت! کوچ تیم خودی را پاره شد چرت
همه در خدمتش آماده بودند برایش مثل خواهرزاده بودند	دریغا قهرمان غرق غرض شد در آسپزخانه گرم پخت و پز شد	چو میباشی مربی، بی نظر باش ز حب و بغض و غیره برحذر باش	که یا صاحبزمان خوردم گلش را چرا باید ببینم شومبلش را!
بی. شد و بی. شد و سپس سی. شد ماهواره هم انگلیسی شد	برای این پیز مرغ و فستجان دریغ از دیگری کن لقمه ای نان	وگرنه آن که کرده قهرمانت به پائین میکشد از نردبان	حوزوی شد خبر، نعوذالله همه تفسیرها حدیثی شد
به صدایش اضافه شد سیما طرح برنامه ها حریصی شد	پاچه خورهای شاه دین، با هم کارشان همچنان خبیثی شد	با همان مهره های «ایرانی» باز مشغول کاسه لیبی شد	در اکاذیب، دست و دلبازی در حقایق، ولی خسیسی شد
آیت الله انقلاب آمد نرم، مشغول پنبه ریزی شد	نومسلمانی از دوسو خوشرقص با دوتا حکم، در رئیسی شد	پاسداران مخفی آمده اند جو استودیو، پلیسی شد!	فارسی گر سلیس نیست چه غم که تملق به این سلیسی شد
دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد	برفراز است آنتن ملکه میدهد عمر و میکند تلکه	دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد	دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد

آیت الله انقلاب آمد



فارسی

بی. شد و بی. شد و سپس سی. شد ماهواره هم انگلیسی شد	در تمنای نفت، ام.آی.سیکس کاروبارش دعانویسی شد	حوزوی شد خبر، نعوذالله همه تفسیرها حدیثی شد
به صدایش اضافه شد سیما طرح برنامه ها حریصی شد	پاچه خورهای شاه دین، با هم کارشان همچنان خبیثی شد	در اکاذیب، دست و دلبازی در حقایق، ولی خسیسی شد
آیت الله انقلاب آمد نرم، مشغول پنبه ریزی شد	نومسلمانی از دوسو خوشرقص با دوتا حکم، در رئیسی شد	فارسی گر سلیس نیست چه غم که تملق به این سلیسی شد
دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد	پاسداران مخفی آمده اند جو استودیو، پلیسی شد!	دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد
برفراز است آنتن ملکه میدهد عمر و میکند تلکه	دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد	دور آفاق را صبا گردید وز چپ و راست غرق پیسی شد

کانون نویسندگان !!؟

محمود سراجی

روشنفکران آرمانشهر زمان شاه به اتاقي محقر در حکومت اسلامی قانع هستند



برای کانونی که دیگر خط تبعید در

آن بی رنگ شده !

این نوشته ۱۰ سال پیش بچاپ رسیده

اولین بیانیه کانون نویسندگان ایران در سال ۴۷ به نام « در باره یک ضرورت » چاپ شد که این در پاسخ دعوت فرح پهلوی شهبانوی سابق ایران از نویسندگان برای کنگره سراسری نویسندگان ایران بود که قسمتی از این بیانیه بدین شرح است :

مردم و سازمان های عامله کشور خاصه همه کسانی که با اندیشه و ابداع سروکار دارند باید بیاموزند که بیان یا اندیشه دیگران را خواه مخالف یا موافق تحمل کنند و آزادی را به خود محدود ندارند، دایه ؛ قیم یا از آن بدتر گزیده نباشید. چه آزادی اندیشه و بیان در فطرت آدمی است و هیچ چیز و تحکمی قادر به نفی آن نیست آزادی اندیشه و بیان تحمیلی نیست ضرورت است ضرورت سرنوشت فرد و اجتماع ما.

در سال ۵۶ در بیانیه دیگری کانون نویسندگان می گویند:

کانون نویسندگان ایران برای اینکه بتواند آزادی اندیشه و بیان و قلم و آزادی چاپ و نشر را به تحقق برساند ناچار است به نحوی استوار در موضع آزادی و دموکراسی قرار گیرد از این رو نیروهای هوادار آزادی و دموکراسی را در ایران و جهان تایید می کند و ضمن پشتیبانی معنوی از آنان خود می خواهد مورد پشتیبانی قرار بگیرد.

این دو بیانیه کانون نویسندگان ایران بیانگر دو بخش تاریخی از حضور فعال روشنفکران کشور ماست که اولی شفاف و روشن و قاطع مواضع خود را در مقابل حکومت اعلام می کند و در بیانیه دوم که بفاصله ۹ سال بعد اعلام می شود بیانگر تلاش و کوششی در ارتباط با هواداران و مدافعان آزادی در جهان است انقلاب ۵۷ و نوید روزهای روشن و ترویج دموکراسی و آزادی چون حبابی لحظه ای شکست وقتی خمینی در اولین یورش خود گفت : بشکنید این قلمها را! و این دستور سر لوحه رژیم قرار گرفت که بیست سال بی محابا قلمها را شکست ، زبانها را برید و سینه ها را درید. آزادی اندیشه و بیان را با گلوله و دشنه به سیاه چالهای واپسگرایانه ولایت فقیه بردند.

خمینی که بر بال پر قدرت قلم روشنفکران ایران فرود آمده بود مروج آبادانی آرمان شهری بود که روشنفکران ما به دنبالش بودند و امام را در چهره

منجی آن می دیدند ! ولی از شکم اسب تروا دیوی مخوف و آدمخوار متولد شد که خون و کشتار و مرگ و خون ، خرسند و راضیش می کرد.

تا سال ۶۹ حدود ده سال جنگ و گریزی بی امان میان آن گروه از روشنفکران و اعضای کانون نویسندگان که پای بند و معتقد به اهداف خود و کانون بودند جریان داشت که باعث شد تعداد زیادی جلائی وطن کنند ، گروهی دچار زندان و شکنجه شوند و گروهی نیز جان بر سر میثاق خود بگذارند.

در سال ۶۹ جهت کمک به زلزله زدگان ایران تنی چند از اعضای کانون حرکتی را شروع کردند که این مقدمه ای شد برای احیای کانون و منجر به نوشتن نامه معروف ۱۳۴ نفر شد که بازتابی گسترده و جهانی داشت و موجب شد رژیم یک بار دیگر بر اساس گفته امام و رهبر خود ؛ قلمها را بشکنید وارد میدان شود و با تهدید و ارعاب و خشونت فضایی رعب آور به وجود بیاورد قتل سعیدی سیرجانی ، احمد میر علایی ؛ تفضلی ، محمد مختاری و محمدجعفر

چیزی به معنای آزادی اندیشه ؛

به معنی آزادی عقیده یا آزادی

دین جزو اهداف ما نیست و اگر

در اساسنامه کانون نوشتیم اشتباه

بوده است و به نظر من باید اصلاح

شود تا ما منحصر کنیم به بیان و قلم

برای رسمی کردن و قانونی کردن

این نهاد در چهارچوب موجود

مملکتان کاری بکنیم فقط در چهار

چوب موجود ولاغیر

(هوشنگ گلشیری)

پوینده و دستگیری فرح سرکوهی سرآغاز این یورش ددمشانه رژیم بود که باعث شد بعضی از روشنفکران آرمانشهر زمان شاه به اتاقي محقر در حکومت اسلامی قانع باشند .

بی جهت نیست که هوشنگ گلشیری در گفتگویی رسماً اعلام می کند چیزی به معنی آزادی اندیشه ؛ به معنی آزادی عقیده یا آزادی دین جزو اهداف ما نیست و اگر در اساسنامه کانون نوشتیم اشتباه بوده است و به نظر من باید اصلاح شود تا ما منحصر کنیم

به بیان قلم و برای رسمی کردن و قانونی کردن این نهاد در چهارچوب موجود مملکتان کاری بکنیم فقط در چهارچوب موجود و لا غیر.

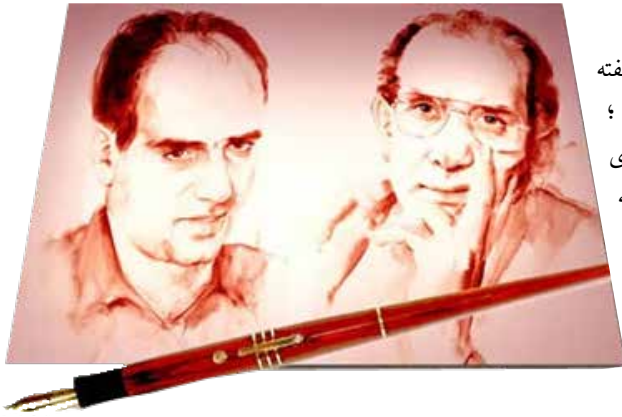
این عقب گرد بعضی از کانون ها و روشنفکران از مواضع خود که می توان به اسامی گلشیری ؛ باقر پرهام ؛ چنگیز پهلوان ؛ مسعود بهنود و سیمین بهبهانی اشاره کرد.

در این برهه حوادث و رویدادهای سیاسی که باعث شد رژیم تلاش کند تا از انزوای جهانی خارج شود مجبور بود ژست و قیافه ای متفاوت و بر خلاف ذات و باطن خود بسازد . در دوران رفسنجانی این تلاشهای مذبحخانه آغاز شد و شاهد نوعی آشتی و همدوشی غیر علنی تعدادی از روشنفکران و کانونی ها با رژیم بودیم که حتی در جنگ جناحین رژیم نیز این گروه علناً شرکت کردند و به نفع این و آن وارد میدان شدند که مهم ترین آن جانب داری از انتخاب خاتمی به عنوان رئیس جمهور بود و نامه های علنی و حمایت اعلام شده از سوی برخی از اعضای کانون مانند گلشیری ؛ دولت آبادی نشان دهنده این تغییر جهت و مواضع آشتی پذیر با رژیم است که در دوران حکومت خاتمی فجیع ترین و هولناک ترین کشتار را در بین دگر اندیشان و روشنفکران و اعضای کانون نویسندگان انجام گرفت .

در خیزش ملی دانشجویی خاتمی به عنوان رئیس جمهور به طور قاطع و علنی شمشیر از رو کشید و انقلابیون را تهدید به کشتار دسته جمعی کرد. رژیم اسلامی دچار یک سرگردانی و بر سر چند راهی قرار گرفته و سعی کرده است از این مسیر خطرناک با حمایت و پوشش فعالیتهای فرهنگی بگذرد تا هم بتواند با استفاده از چهره هایی مانند بعضی از اعضای کانون نویسندگان و روشنفکران ژست خود را حفظ کرده باشد و به قول وزیر ارشاد رژیم هم ژست خود را در مقابل دولتهای خارجی و سازمانهای مدافع حقوق بشر حفظ کند و هم موجب تفرقه و دو دستگی بین اعضا و روشنفکران معتقد به اصول آزادی باشند.

به قول احمد شاملو که گفته بود : می خواهند شبیه کانونی بسازند.

در واقع هدف رژیم اعمال نظریات و نظارتش بر کانون است و بی دلیل هم نیست که گلشیری با صراحت می گوید: قانونی کردن این نهاد در چهارچوب موجود مملکتان باید باشد ولا غیر.



کنند:

هر گاه عضوی از کانون به خارج از کشور برود عضو «معلقه» محسوب می شود و گفتار و رفتار او شخصی تلقی می گردد و زمانیکه به ایران بازگشت مجدداً به صورت عضو کانون محسوب می شوند و از اعضای کانون نویسندگان ایران در تبعید «معلقه» هستند هر چند در آخرین نشست کانون نویسندگان ایران در تبعید بیانیه صادر شد و اعلام شد کانون نویسندگان ایران در تبعید هیچگونه وابستگی و ارتباطی با کانون نویسندگان در ایران ندارد و به نوعی نقشه مزورانه را خنثی کرد.

کانون نویسندگان ایران در تبعید در این برهه از زمان وظیفه ای تاریخی و تاثیر گذار بر عهده دارد که به توان و نیروی خارق العاده نیازمند است و در محاصره اختاپوسی زمان از سوی کسانی قرار دارد که برای مقابله با آنان باید از استقامت و پایداری و پای بندی به اهداف و اصول اعلام شده کانون برخوردار بود مقابل دسیسه ها و ترفندهای آگاهانه عمل کرد و آن را خنثی نمود دچار تله عضوهای به ظاهر فرار کرده رژیم نشد و فرب نخورد هوشیارانه مواظب عملکرد کسانی بود که آب در آسیاب رژیم می ریزند و مبلغین جنگ دو جناحی رژیم هستند.

پانویس: این نوشته مربوط به ده سال پیش است، امروز کانون نویسندگان در تبعید بسیاری از اعضای کتابهایشان در ایران چاپ میشود و از خط ممنوعه رژیم آزادانه میگذرند! و اینان دوسره با رژیم و تبعیدیان مشغول لاس زدن هستند!! در این باره بیشتر خواهیم نوشت

است ؟

در سرزمینی که دهانت میبویند مبادا گفته باشی دوست دارم و قلم در چشمها ؛ زبانها و قلبها می شکانند از شیوه های متداول رژیم است خانم بهبهانی چگونه می تواند همکاران خود را به قتلگاه دعوت کند؟

حضور کانون نویسندگان ایرانی در خارج از کشور از عمری ۱۷-۱۸ ساله برخوردار است و پسوند تبعید تابلویی است تمام عیار از مبارزات ؛ مرارتها ؛ کشمکشها و مشکلاتی که غربت به مسافران خود اهدا می کند . گروهی که عمر بر سر حفظ اصول و اهداف خود مبنی بر آزادی اندیشه به معنی آزادی عقیده بیان و قلم گذارده اند در طول این سالها با خون دل و مرارت از این پایگاه مدافع مواضع والای انسانی حراست کرده اند و با حضور موثر و تاثیر گذار خود چون خاری در چشم غول یک چشم اسلامی بوده اند.

کانون نویسندگان ایران در تبعید موقعیت و شرایطی خاص در این برهه چندین ساله داشته است از سویی حفظ موجودیت کانون و پای بند بر اصول اعلام شده و از سویی مقاومت و پایداری در مقابل خودیها و غیر خودیها که تلاشی بسیار بکار رفته است تا کلمه تبعید را حذف کنند و شاید کلمه خوشایند مهاجر را جایگزین آن سازند. از سویی دیگر رژیم با استفاده از دو حربه داخلی و خارجی به جنگ کانون نویسندگان ایران در تبعید آمده است البته با انبانی ملو از پولهایی ملت رنجیده ایران که با ایجاد کانونها و انجمن های مختلف بتوانند سدی در مقابل کانون تبعیدی به وجود بیاورند و بعضی از اعضای نیمه دولتی کانون نویسندگان ایران را به این بازی کثیف سیاسی بکشانند که در لندن انجمن سخن یکی از متولیان این خواسته رژیم است و مسافرینی مانند چنگیز پهلوان؛ چهل تن؛ گلشیری نمونه هایی از این بازی است و عمق فاجعه این ترفندها برخورد عاطفی و انسانی کسانی است که

**کانون نویسندگان در ایران
مدافع کسانی که پاره های تن
رژیم هستند میشود ولی در
مقابل کشتار بی رحمانه اهل قلم
سکوت می کند**

باید شاهد مرگ اخلاقی دوستان سابق خود باشند و از آنان روی برگردانند و این مسافرین فرهنگی چون ماموران معذور می آیند و می روند و سخن پراکن مورد حمایت رژیم می شوند و با حیل و نیرنگ نیز از سوی شبه کانون نویسندگان در ایران اعلام می

کانون نویسندگان در داخل ایران با حضور رژیمی که رحم و مروت سرش نمی شود و براحتی سر از تن مخالفان جدا می کند نمی تواند و نباید هم انتظار داشت کانونی مستقل و مدافع آزادی اندیشه ؛ به معنی آزادی عقیده ؛ بیان و قلم باشد مگر این شهامت و دلیری افسانه ای مانند مختاریها ؛ پوینده ها را داشته باشد کانونی که باید حرفه اش فکر کردن و تولیدش اندیشه باشد و ترویج آزادی به حربه ای نیمه دولتی تبدیل شده است که ویروس آن به خارج از کشور هم سرایت کرده است و تاسیس و برپایی کانونها و انجمن های ادبی و فرهنگی در کشورهای مختلف اروپا و آمریکا در راستای این همخوانی می باشد. قبل از اینکه به فعالیتهای خارج از کشور و حضور کانون نویسندگان ایران در تبعید پردازیم و در باره ایجاد مراکزی در ضدیت با حضور کانون در تبعید و همدوشی با کانون نیمه دولتی در ایران در سال ۵۸ کانون نویسندگان ایران در نشستی جمعی از اعضای خود را از جمله جلال سرافراز؛ اعتماد زاده، به آذین؛ سیاوش کسری؛ هوشنگ ابتهاج و احسان طبری را به دلیل عضویت در حزب توده و خط مشی حزبی آن در جهت هواداری از شوروی اخراج کرد و جالب اینکه آقای هوشنگ گلشیری در آن زمان به ؛ به آذین حمله کرد و گفت حیف از آن ترجمه هایی که من از تو خواندم!

**سرایت ویروسی حکومتی روشنفکران
داخل به خارج از کشور علاج ناپذیر
به نظر می رسد و سوال بر انگیز تر**

این موضع قاطع و روشن گلشیری در سال ۵۸ بود قبل از اینکه دچار توهمات کانون نیمه دولتی بشود و به نوعی کانون اسلامی نویسندگان را تداعی کند که بگوید:

دخترم با هیجان گفت بابا ما جوانها برنده شدیم و نماز و روزه هایمان مستجاب شد بر سر سجاده نماز برای پیروزی خاتمی دعا میکرد.

و سیمین خانم بهبهانی در سفری به خارج به مانند یک نماینده دولتی اعلام می کند جای نادر پور و خویی در ایران خالی است و چرا نباید اینان به ایران بازگردند؟ و از خانم بهبهانی سوال این است که : آنان که در ایران کشته شدند و پیکره هایشان قصابی شد مانند: زال زاده؛ شریف؛ غفار حسینی؛ تقضلی؛ پوینده؛ مختاری و دیگران در کجای ایران جای داشتند و شما با چه مجوز و امنیتی از کسانی دعوت می کنید که به ایران نیامده حکم قتلشان صادر شده

جاستین و جسیکا در خانه ای جدید

جاستین تیمبرلیک و جسیکا بل به خانه جدیدشان در نیویورک نقل مکان کردند. این زوج که دوسال است با هم زندگی می کنند و با ساکهای لباس و وسایل مورد نیازشان از منهتن به نیویورک رفتند.

این اولین خانه ای است که آنها با هم در آن زندگی خواهند کرد. آنها چند وقت پیش یک نمایش لباس داشتند. یک منبع موثق در این زمینه گفت جاستین خیلی نگران بود و خیلی اضطراب داشت. در حالیکه خانواده و دوستان وی نوشیدنی الکلی می نوشیدند، او فقط آب می نوشید



شکایت از رابرت دنیرو



پرستار بچه های رابرت دنیرو از او شکایت کرد. علت شکایت وی، عدم پرداخت بدهی وی به مبلغ ۴۰,۰۰۰ دلار بوده است.

آلکسیس بری در سال ۲۰۰۶ مسئولیت پرستاری پسر دنیرو که الان یازده ساله است بر عهده داشته و معتقد است رابرت دنیرو حقوق او را تمام و کمال پرداخت نکرده است.

بری برگه شکایت را در دادگاه منهتن پر کرده است.

دختر يك ميليون دلاری كروز

تام كروز ادعا می کند سالی يك ميليون دلار برای دخترش - سوری - هزینه می کند. بازیگر فیلم "والکری - و همسر بازیگرش - کتی هولمز - معتقدند فرزندشان بیش از اندازه با استعداد است و آنها نباید بگذارند این استعداد خدادی به هز رود. بنابراین آنها برای دخترشان معلم زبان فرانسه و اسپانیایی و رقص استخدام کرده اند تا او بتواند از استعدادش حد اکثر استفاده را ببرد. او انواع رقص را تمرین می کند و معلم خصوصی ژیمناستیک و فوتبال آمریکایی دارد.

خانواده كروز رابطه خوبی با خانواده بکهام دارند و فرزندان این دو خانواده همبازی های خوبی برای یکدیگر به شمار می آیند.



در حاشیه مراسم اسکار دو رقیب عشقی برای اولین بار همدیگر را از نزدیک دیدند

نشسته بودند، نگاه می کرد به براد پیت لبخند زد. جك بلك هم بلافاصله گفت: «جنیفر عالی و حرفه ای است.» هنگامی که نیکول کیدمن اسم آنجلینا جولی را به عنوان یکی از کاندیدهای بهترین نقش مکمل زن اعلام کرد، جنیفر آنیستن و جان مه یرو او را به گرمی تشویق کردند. همین اتفاق هنگام اعلام نام براد پیت به عنوان یکی از کاندیدهای بهترین بازیگر مرد نیز افتاد.

عصر روز قبل از مراسم اسکار جنیفر در مهمانی خیریه ای شرکت کرده بود ولی به محض اینکه شنید براد پیت - همسر سابقش - به همراه آنجلینا جولی قرار است در آن مهمانی شرکت داشته باشند، آنجا را به سرعت ترك کرد.

- جنیفر آنیستن برای اولین بار پس از جدایی شان، براد پیت و آنجلینا را با هم از نزدیک ملاقات کرد. جنیفر آنیستن که در این مراسم به همراه نامزدش - جان مه یرو - شرکت کرده بود تنها دوازده صندلی با براد و آنجلینا فاصله داشت.

بازیگر فیلم "دوستان" که برای اهدای جایزه بهترین انیمشن سال به همراه "جك بلك" روی سن رفته بود با "جفری کترینرگ" - مدیر عامل کمپانی دریم ورکز - شوخی کوچکی کرد و آنجلینا به این شوخی وی خندید. هنگامی که جنیفر می خواست اسامی کاندیداها و نهایتا برنده را اعلام کند به جلوی سن آمد و در حالیکه آشکارا به جایی که براد و آنجلینا



مستربین تحت عمل جراحی قرار میگیرد !



اروان اتکینسون تحت عمل جراحی قرار می گیرد. این بازیگر به خاطر مشکلی که در پایش وجود دارد نمی تواند مثل سابق وورجه وورجه کند(!) و نه تنها به همین علت از فیلمبرداری کنار گذاشته شد، بلکه باید برای حل این مشکل تحت عمل جراحی نیز قرار بگیرد.

او برای اینک تحت عمل قرار بگیرد تعطیلاتش را زودتر از موعد به پایان رساند و به انگلیس برگشت تا یکراست به بیمارستان برود.

البته مشکل او خیلی حاد و کشنده نیست. او درد زیادی دارد.

انتظار می رود آتکینسون بتواند از پایان آوریل دوباره سر کار برگردد.

لازم به ذکر است که وی در صحنه هایی از نمایش تاتر اولیور در انگلیس هم ایفای نقش مینماید که تحسین بزرگان را برانگیخته است.

تلاش های آلن دلون برای جانشین خود!



آلن دلون بت سینمای فرانسه و از خوش قیافه ترین مردان سینمای جهان برای جانشینی خود تلاش بسیار دارد که نام «دلون» در سینما باقی بماند. پس از اینکه پسر او کج راه رفت و به جایی نرسید، آلن تمام تلاش و روابط خود را به کار گرفته تا دختر خوانش را به چشم سینماگران بکشانند. او در جشنواره ها و ضیافت های سینمایی به همراه دخترش حضور می یابد و در این عکس عاشقانه فرزند در آغوش پدر توجه ها را جلب می نماید.

بدن بریتنی قطعه قطعه می شود



بریتنی اسپیرز در صحنه ای از تور جدید موسیقی اش به دو قسمت تقسیم می شود! کمدینی به نام "اد آلتزو" که وی را در برنامه هایش همراهی می کند گفت او قرار است در جعبه ای بخوابد و ما بدنش را به قطعه قطعه کنیم. او خیلی هیجان زده است. البته این کارها را با وسایل با تکنولوژی بالا انجام خواهیم داد. ما چیزها را ناپدید هم خواهیم کرد. اد از گفتن نام آهنگهایی که با هم اجرا خواهند کرد خودداری کرد. او می گوید هر کس بریتنی را شناسد فکر می کند يك خواننده ماهر است.

تغییر مذهب دی کاپریو به خاطر ازدواج با یک مانکن اسرائیلی



است وی تصمیم دارد با "رافائلی"، که یک مانکن اسرائیلی است ازدواج کند اما پدر وی گفته است تا "دی کاپریو" دین خود را تغییر ندهد این ازدواج انجام نخواهد شد.

دی کاپریو از سال ۲۰۰۵ با رافائلی است ولی اخیرا اعلام کرده که طرز تفکرش کاملا متحول شده و اکنون اهمیت ازدواج را درک می کند.

وی همچنین گفته است: شدیدا علاقه به این ازدواج دارد و تمایل دارد صاحب فرزند و خانواده باشد.

دی کاپریو بازیگر گمنامی بود که با فیلم تایتانیک به شهرت رسید.

دی کاپریو تصمیم دارد با "رافائلی"، که یک مانکن اسرائیلی است ازدواج کند اما پدر وی گفته است تا "دی کاپریو" دین خود را تغییر ندهد این ازدواج انجام نخواهد شد. "لئوناردو دی کاپریو" قصد دارد مذهب خود را به یهودیت تغییر دهد تا بتواند با دوست دختر یهودی خود ازدواج کند!

پدر این دختر یهودی با ازدواج وی با یک شخص غیر یهودی مخالف است و برای همین "دی کاپریو" قصد دارد با این کار رضایت پدر زن آینده را جلب کند!

به گزارش روزنامه نیویورک تایمز به نقل از یک منبع نزدیک به "دی کاپریو" نوشته

چای الکوزی در انگلستان و سراسر اروپا در سوپرمارکتهای ایرانی در دسترس شماست

WA

نماینده فعال پذیرفته میشود

Tel: +44 (0) 790 8586 958

Tel: +44 (0) 782 8743 057

Fax: +44 (0) 208 446 2627

PREMIUM BLEND

Alokozay-Tea

TOP QUALITY

طعم زندگی

با چای الکوزی

Alokozay Tea a distinctive blend brings out the natural goodness of pure tea. A soothing cup of Alokozay at any time of the day, awakens your senses, revitalising your body and mind: Hand picked from the finest tea gardens in Ceylon, and blended by our master blenders.

Alokozay has a delicate and refreshing aroma with a rich flavour that lifts your senses, make every cup of Alokozay tea a delightful experience.

Alokozay International

Phone: (0)7908 586958 / +44 (0)7828 743057 Fax: +44 (0)20 8446 2627 Email: Alokozay@bethere.co.uk

www.Alokozay.com

آرزو داشتید الان کار دیگری میکردید؟

آیا برای شغل دیگری آموزش
دیده‌اید، ولی فاقد مهارت در
انگلیسی و یا مدارک بریتانیا هستید
تا آرزویتان برآورده شود؟

کمک پیش پای شما است

به **The Careers Advice Service** (سرویس راهنمایی مشاغل) تلفن
کرده و با مشاور فارسی زبانی صحبت کنید، آنها میتوانند کمکتان کنند تا
آرزویتان تحقق یابد.

هم امروز برایگان تلفن کنید
خطوط تلفنی دوشنبه تا جمعه ۹ صبح تا ۵ بعد از ظهر دایر است.

0800 093 1116
direct.gov.uk/careersadvice

CA09/Farsi/press/chef

**Careers
Advice**

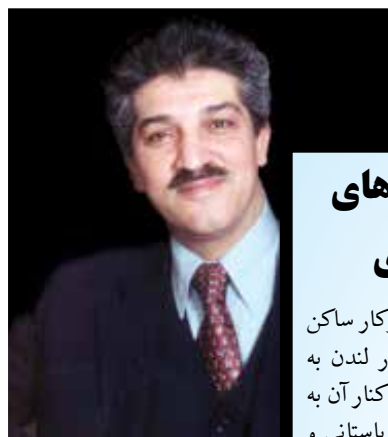
علی نظری در شبی بیاد ماندنی در کمدن هاوس خواند و مردم با او خواندند و گریستند

اخيراً علی نظری، در یک شب پراحساس و اشک انگیز در «کمدن هاوس» لوس آنجلس، همه حاضرین را به سالهای دور و خاطره‌های شیرین برد. در این شب پرشور، هوشمند عقیلی خواننده نامدار برنامه داشت و دوستداران او سالن کمدین هاوس را پر کرده بودند. در نیمه‌های مجلس همه متوجه حضور خواننده بااحساس علی نظری شدند. هوشمند عقیلی از او دعوت کرد تا بروی صحنه بیاید و به تشویق مردم پاسخ دهد. علی نظری روی صحنه رفت. از مردم احساسات پرمهرشان و از مدیران کمدن هاوس به خاطر فضای فرهنگی و هنری اجتماعی‌شان تشکر کرد. در همین لحظه تشکری موزیسین قدیمی به نواختن آهنگی خاطره‌انگیز از علی نظری پرداخت که کف‌زدنهای مردم را به دنبال آورد و در آن لحظه بود که علی نظری صدای پرشور و آهنگین خود را رها کرد و خواند. مردم پیا خاستند و گریستند و کف زدند. تا آنجا که علی نظری که در سالهای اخیر به خاطر بیماری قلبی تحت عمل قرار گرفته و از خواندن منع شده است، رنگش پرید و محمد مستشاری مدیر کمدین هاوس به اتفاق یاران علی نظری را از روی صحنه با خود به پشت صحنه بردند و با خوراندن داروهای قلبی، او را آرام کردند. و جالب اینکه مردم که دوباره او را روی صحنه کشاندند، هنوز او را می‌خواستند که بخواند و علی نظری با همان مهربانی و فروتنی خاص خود گفت اگر قدرت داشته باشم باز هم می‌خوانم و همه آنها که در سالن بودند نمی‌دانستند که علی نظری سالهاست نمی‌خواند و از سوی پزشکان از خواندن منع شده است.



محسن و برنامه‌های موفق نوروزی

محسن از جمله خوانندگان پرکار ساکن لندن است. او سالهاست در لندن به اجرای برنامه می‌پردازد و در کنار آن به مناسبت‌های روزهای ملی و باستانی و سنتی برنامه‌هایی هم برگزار می‌کند. او هر ساله جشن چهارشنبه سوری، جشن عید، شب یلدا و مناسبت‌های دیگری را برای ایرانیان تدارک می‌بیند و در مجموع نیز کارنامه بسیار موفقیت‌آمیزی دارد. امسال نیز جشن چهارشنبه سوری و نوروز را در ۲ شب برگزار کرد که مورد استقبال عمومی واقع شد. محسن و ژیرار نوازنده هنرمند کیبورد سالهاست با هم به اجرای برنامه می‌پردازند.



رضا فاضلی هم رفت

با خبر شدید رضا فاضلی بازیگر و کارگردان سینمای ایران هفته گذشته در امریکا درگذشت.

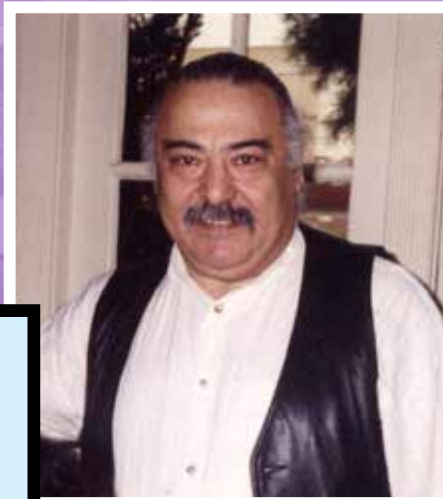
رضافاضلی طی ۳۰ سال گذشته در خارج از ایران به فعالیتهای

سیاسی علیه جمهوری اسلامی مشغول بود و در این راه پسر جوانش نیز بوسیله رژیم جنایتکار آخوندی کشته شد درگذشت این هنرمند مبارز و متعهد را به جامعه هنری تسلیت می‌گوییم



دوبی : شهرنو مدرن

اسفندپار منفردزاده آهنگساز توانا و برجسته در مصاحبه خود با تلویزیون پیش درمورد فضای نامطلوب کاری اظهار داشت : ابتداء در موسیقی و بی توجهی هنرمندان باعث بی ارزشی موسیقی گردیده و این بی ارزشی در موسیقی لوس انجلس در نهایت به دوبی ختم میگردد و دوبی همانا شهرنو مدرن و سوپاپ اطمینان رژیم فعلی است که افراد به آنجا رفته و تمامی فشارها و خود را در آنجا خالی میکنند



موج بلند خوانندگان تازه نفس حاشیه امن قدیمی‌ها را با خود

می‌برد

ظهور رژیم اسلامی و قدغن‌های قرون وسطایی آنان باعث شد پایتخت موزیک ایرانیان در لس آنجلس مستقر شود و در کنار خوانندگان سرشناس و مطرح سالهای قبل از انقلاب که به اروپا و اکثراً به لس آنجلس فرار کرده بودند، بساط دنیای هنر لس آنجلس رونق و گرمایی خاص یافت و تولیدات لس آنجلسی با حضور قدیمی‌ها، چهره‌های جدیدی را هم مطرح ساخت که شاید معین، شکیلا، اندی، هاتف، مهرداد آسمانی، سوزان روشن و... از جمله خوانندگان مطرح شده پس از انقلاب هستند. طی سه دهه گذشته متجاوز از ۲۵ سال از آن ساکنان شهر فرشتگان که لقب لس آنجلس است یعنی خوانندگان توانستند جواز کسب موزیک ایرانی را به نام خود صادر کنند تا اینکه حدود ۸-۷ سالی می‌شود که رژیم اسلامی برای اینکه از قافله بزن و برقص عقب نماند تصمیم گرفت برای خوانندگان لس آنجلسی رقیب سازی کند و با ایجاد حداقل ۵ کانال ۲۴ ساعته تلویزیونی که فقط موزیک پخش می‌کنند محصولات نسل جدید موزیک را البته به ظاهر برخلاف خواسته رژیم ولی از داخل ایران پخش می‌کنند و طی هر روز دهها چهره رنگ و وارنگ می‌خوانند و می‌رقصند و به سر و کله خود می‌زنند و چون همان مزخرفاتی را می‌خوانند که طی ۲۵ سال گذشته بسیاری از لس آنجلسی‌ها خوانده‌اند، بتدریج محصولات داخلی هم برای خود مشتریانی پیدا کرده است و در روزگاری نه چندان دور که یک خواننده لس آنجلسی شادمانی موزیک ایرانی اضافه شده است. و در روزگاری نه چندان دور که یک خواننده لس آنجلسی به تنهایی با اهن و تولپ راه می‌افتاد و کنسرت‌های سریالی می‌داد و ملت غم‌دار و خواننده ندیده برایشان صف می‌کشیدند، به آخرهاش رسیده و بی‌دلیل نیست که در چند سال اخیر کنسرت‌ها را با یکی، دوجین خواننده جور می‌کنند تا سالن خالی نماند. چون تب و فراق گذشته در میان مردم عرق کرده است و دیگر لس آنجلسی‌ها تخم دوزرده نمی‌کنند بلکه مرغهای همسایه هم غاز شده‌اند.

در گوشه و کنار اروپا کنسرت‌هایی با حضور محصولات زیرزمینی رژیم اسلامی برگزار می‌شود و جوانان با والدینشان هم به این برنامه‌ها می‌روند. همیشه گفته‌اند که خودکرده را تدبیر نیست. نتیجه بساط امروز که تازه اول آن است ثمره عملکرد خوانندگان و دست اندرکاران لس آنجلسی که طی چند سال گذشته خیلی برای محصولات داخلی احساسات بخرج می‌دادند و از شعر و ترانه‌های اهل خانه پدری تعریف و تمجید می‌کردند و از قدیم گفته‌اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. خودشان می‌سرایند و می‌نوازند و می‌خوانند، رژیم هم نیشش تا بناگوش باز است.

شماعی زاده:

این رژیم حتی قرآن را هم تحریف می‌کند

در تلویزیونهای دیگر به من اجازه نمی‌دهند سیاسی حرف بزنم.

شماعی زاده خواننده و آهنگساز سرشناس در یک برنامه تلویزیونی از کانال پارس حرف‌هایی بسیار زد که نشان از

چهره دیگر یک هنرمند متعهد داشت که در این شماره بسنده به بخشی از حرف‌هایش می‌کنیم.

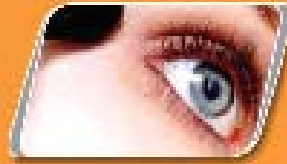
در دادگاه به اصطلاح انقلابشان مرا محکوم کردند و تمام دار و ندارم را مصادره کردند و در پرونده‌ام جرم مرا نوشتند «شغل کثیف خوانندگی» و جالب است که بعضی از همکاران من در خارج از کشور فراموش کرده‌اند که هنوز «خوانندگی» امثال ما از نظر رژیم کثیف و محکوم به مجازات است. خانه مرا به یکی از قاتلین قتل‌های تابستان ۶۷ جایزه داده‌اند. رضا صحرانورد جلادی که هزاران جوان وطنپرست کشور مرا اعدام کرده است در خانه‌ای که متعلق به فرزندان من است سکونت دارد.

در ۱۹۷۹ مزدوران رژیم خانه مرا در مقابل چشم فرزند خردسالم غارت کردند و سر عروسک او را کردند و در خیابان انداختند و من هرگز آن لحظه را فراموش نمی‌کنم که کودکم با وحشت و ترس به عروسک بی‌سرش خیره مانده بود. تمام سریالها و فیلمهای تولیدی در ایران خرافات را در میان مردم تبلیغ می‌کند.



سالن آرایش و زیبایی هایدی استودیو

Hydi Studio



با ارایه کلیه خدمات آرایشی و زیبایی توسط کادر مجرب ایرانی در خدمت هموطنان عزیز می باشد

- ۱- خدمات آرایشی و مو : شامل مش، فر ، های لایت ، کوپ و کاشت مو
- ۲- خدمات زیبایی : شامل انواع فیشال پوستی ، بند و ابرو و وکس ، استفاده از مواد Guimot , Micro derma bration , KC , Dermologica , لیزر
- ۳- خدمات ناخن : شامل مانیکور و پدیکور و کاشت ناخن
- ۴- انجام تزریقات زیبایی بتاکس و فیلر توسط جراح متخصص با نازلترین قیمت

۱۰٪ تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز

سالن هایدی استودیو در قلب لندن (منطقه ریجنتس پارک) آماده ارایه خدمات به ایرانیان عزیز می باشد

106 ROBERT STREET , REAGENTS PARK LONDON NW1 3QP

TeL: 020 74 19 96 01

www.hydistudio.co.uk

hydistudio@hotmail.co.uk

Design by : Rangsang Media Group

سوپر مارکت بهار هامبورگ

با مدیریت جواد زردشت

عرضه کلیه اجناس ایرانی مورد نیاز خانواده
ها با کیفیت بالا و قیمت مناسب



مجموعه ای از
آخرین کتابهای
منتشر شده
در ایران و خارج ،

نشریات فارسی زبان

Bahar Supermarket

Schmilinsky Str. 30 , 20099 Hamburg

Tel: 040 / 2 80 25 05

تسلیت

درگذشت دوست هنرمند
و همکار قدیمی

درگذشت رضا فاضلی هنرمند ارزنده سینمای
ایران را به جامعه هنری و خانواده محترم
ایشان از صمیم قلب تسلیت می گویم و
امیدوارم چون همیشه در برابر بیدادگری های
زمانه محکم و استوار باشید.

رضا شمشادیان



تیم فوتبال پارس لندن خود را برای مسابقات تابستانی آماده می کند

هر یکشنبه و چهارشنبه در تمرینات عمومی تیم پارس علاقمندان با اصول صحیح فوتبال آشنا می شوند.

یکشنبه‌ها از ساعت ۱۲ تا ۲ بعدازظهر و چهارشنبه‌ها از ساعت ۶ تا ۸ بعدازظهر در منطقه برنت کراس شمال لندن تیم فوتبال پارس تمرینات خود را انجام می‌دهد.

تیم فوتبال پارس قدیم‌ترین تشکل ورزشی در خارج از کشور است که به مرز ۳۰ سالگی

نزدیک می‌شود.

محمود سرابی که از سال ۱۹۹۴ مربیگری و سرپرستی این تیم را به عهده دارد دارای مدرک جهانی فوتبال «فیفا» می‌باشد و سابقه مربیگری و بازیگری در تیمهای دسته اول باشگاههای ایران را دارد. او با کمک امیر رضایی منش از بازیکنان رده ملی فوتبال ایران هر هفته تمرینات تیم پارس را زیر نظر دارند. شرکت کنندگان در تمرینات هر هفته با جدیت و علاقه به کار خود ادامه می‌دهند و قرار است از میان آنان تیمی منتخب در مسابقات

مختلف شرکت نمایند که در برنامه‌های این تیم گنجانده شده است.

در تیم فعلی پارس بازیکنانی با سوابق بازیگری در باشگاههای ایران حضور دارند و جمعی نیز از جوانان با استعداد و آماده فراگیری بهتر، در کنار بازیکنانی که سالهاست در لندن در سطح لیگهای معتبر محلی بازی کرده‌اند مجموعه‌ای امروز پارس را تشکیل می‌دهد.

مهمترین ویژگی تیم پارس، رعایت اصول نظم و انضباط و اخلاق ورزشی که فضایی دلچسب و آرامبخش برای شرکت کنندگان را فراهم کرده است که هر هفته تعداد بیشتری به این تمرینات روی می‌آورند. چنانچه شما هم یا افرادی از خانواده یا دوستان و آشنایانی دارید که سابقه بازی یا علاقه و استعدادی در خود می‌بینند می‌توانند در تمرینات تیم فوتبال پارس شرکت نمایند.



تیم فوتبال پارس لندن عضو می‌پذیرد

به اطلاع کسانی که سابقه بازی فوتبال در رده‌های باشگاهی، جوانان یا نوجوانان را داشته‌اند میرساند چنانچه مایل باشند میتوانند در تیم پاریسی لندن شرکت نمایند.

این تیم زیر نظر محمود سرابی اداره میگردد.

علاقمندان میتوانند با تلفن ۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳ تماس حاصل نمایند

فوتبال، دین و مذهب مردمان دهکده جهانی شده است

محمود سرابی



در دهکده جهانی امروز که میلیاردها انسان در قاره های مختلف زندگی می کنند و به وسیله تکنولوژی و در صدر آن اینترنت به هم وصل شده اند یک وسیله مشترک میان این انسانها باعث شده است که احساسات و عواطف، هیجان و لذت، غرور و افتخار و شکست و تلخکامی میلیاردها انسان به هم گره بخورد.

این پدیده جادویی فوتبال است که دیگر از قالب یک ورزش تفریحی و سرگرم کننده به در آمده است و بتدریج در میان انسانهای ۵ قاره جهان به صورت یک مذهب و دین پر طرفدار نمایان گشته است.

شما در کجای دنیا و کدام حرکت مذهبی، سیاسی، قومی نژادی، هنری و فرهنگی و اجتماعی را می بینید که مریدان و پیروان آن بالغ بر حداقل هشتاد درصد جهان باشند و این عاشقان شیدا با ایثار تمامی وجود خود در پای معشوق از خود بیخود شده و در خلسه ای شیرین و پر هیجان رها گردند؟

از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر و از قاره ای به قاره ای دیگر سر در پی معشوق بگذرانند؟

وقتی فوتبال با آن سرزمین سبز رنگ صد متری خود و با توپی گرد و دو دروازه چند متری آغاز گر نبردی میان نواوغ و اسطوره های این مذهب نوظهور میشود کوچه، خیابانها و شهرهای سراسر کشورها خالی از عبور و مرور می گردد و گویی در این جهان پهناور میلیاردها انسانها بر قبله فوتبال نماز نیاز برگزار می کنند و با هر لحظه حرکت شهسواران قهرمان خود به اوج نشئه گی روحی و معنوی می رسند با فتح دروازه ها مریدان و پیروان مذهب فوتبال سفری به عرشه ملکوتی دارند. فارغ از تمام غم ها و غصه ها، داشتن ها و نداشتن ها، به بی نیازی روحانی و مقدسی می رسند که شاید هیچ مذهبی قادر به ایجاد چنین فضایی نباشد که حتی در آن خاخام، کشیش و ملا و راهنما هم وجود ندارد و آنچه هست شیرینهای خونی پر تلاطم و گرم و سکر آور در وجود انسانهاست.

مذهب فوتبال چون ادیان دیگر پیامبران خود را دارد مردان مقدسی چون پله، کرایف، بکن بائر، اوزه بیو، بابی چارلتون، مارادونا، میشل پلاتینی، گرومور، زیدان، بکهام و که در سرزمین مذهب زده فوتبال چون اساطیر مقدس پرستش می شوند

و پیروان میلیاردی آنان ستایشگر شان هستند هیچ فرقه و مرام و دین و عقیده ای در دهکده جهانی امروز نه تنها مخالف آن نیست بلکه حامی و پشتیبان و مقلد و مرید مذهب فوتبال هم هستند امروز در جهان فوتبال با هیچ حکومت، مذهبی و قدرتی مطرح نمی شود بلکه این سران قدرت و رهبران مذاهب هستند که خود را در کنار فوتبال مطرح می سازند مذهب فوتبال را باید جدی، جدی گرفت.



آیا سی سال است مقصر شکستهای ورزش ایران علی دایی است؟



که حتی یک کدامشان در تمام عمر خود لباس ورزشی هم تن نکرده‌اند نتیجه‌اش همین می‌شود که امروز هست آن هم با بودجه نجومی که در دست دلالها و واسطه‌های رژیم حیف و میل می‌شود.

۸ سال پیش که از مافیای ورزش در همین مجله رنگارنگ هر شماره می‌نوشتیم و خط و خطوط وزارت اطلاعات را افشا می‌کردیم، شاید کسی تصور نمی‌کرد افشاگریهایی آن سالها به امروز برسد که بخشی از رسانه‌های داخلی در ایران هم پرده‌ها را بالا زده‌اند و از فضا و جو مسموم و آلوده در ورزش ایران می‌نویسند.

علی دایی را این روزها مقصر اصلی شکستهای فوتبال می‌دانند!

باید پرسید مقصر شکستهای مفتضحانه کاروان ورزشی

قبل از این که به بحث این شماره مجله درباره ورزش بپردازم این یادآوری را کرده باشم تا نسلهای جوانتر بدانند که ورزش ایران تا قبل از انقلاب ملاحظه شده حداقل در آسیا از مدعیان درجه اول بود. بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ در تهران اوج ترقی و پیشرفت ورزش ایران را به رخ آسیایی‌ها و حتی جهانیان کشد. شمشیربازی، بوکس، واترپولو، دوچرخه سواری، کشتی، فوتبال، وزنه برداری و چندین تکه رشته ورزشی قهرمانان ایران عنوان قهرمان آسیا را به دست آوردند و دهها مدال زرین بر سینه قهرمانان ایرانی درخشید و فوتبال ایران که در سال ۱۹۷۸ جام جهانی آرژانتین رفت، شرایطی استثنایی و دگرگونه در آن زمان داشت زیرا تنها ۱۶ تیم از سراسر جهان حق شرکت در مسابقات پایانی

در تهران باخته است. علی دایی که آن زمانها مربی نبود؟ از زمان حضور جمهوری اسلامی در ایران از هفت دوره جام جهانی که برگزار شده ما ۵ بار غایب بوده‌ایم، آن زمان که علی دایی نبود؟

علی دایی هم قربانی سیستمی است که رژیم از او بهره‌برداری می‌کند و هر زمان که لازم باشد قربانیش خواهد کرد. این همان باند مافیایی است که جام زهر را به خمینی جانی‌تکار خوراندند. اینان همان باند مافیایی هستند که علی خامنه‌ای روضه‌خوان را به ملتی چپاندند. اینان باند مافیایی هستند که احمد خمینی همکار باند خودشان را کشتند! علی دایی که دیگر رقیمی نیست!

اینکه این روزها تلویزیونهای وابسته به سیاستهای دولتهای آمریکا و انگلیس و پادوهای کانالهای تصویری الکی خوش به یکباره چوب و چماق برداشته‌اند و همسو با رژیم با علی دایی حمله می‌کنند، خط انحرافی حکومت پلید ملایان است که گروهی آگاهانه و گروهی ساده اندیشانه وارد این بازی شده‌اند. مشکل اساسی در کشور زخم چرکین و فساد به نام کلیت حکومتی است که نامش نظام جمهوری اسلامی است.



جمهوری اسلامی در المپیک تابستان گذشته چه کسانی بودند؟ ورزش ما و فوتبال ما به دفعات به کشورهایی کوچک چون، امارات متحده عربی، بحرین، قطر، کویت

جام جهانی را داشتند و سهمیه آسیا و اقیانوسیه فقط یک تیم بود یعنی یک تیم نماینده ۲ قاره بود و ایران با شکست کامل حریفان دو قاره به جام جهانی رفت ولی امروز ۵ تیم از آسیا به جام جهانی می‌رود، بضاعت فوتبال ۳۰ سال پیش ایران آنقدر بود که تیم دوم فوتبال ما در ریاض عربستان را با همه ستارگانش سه بر صفر شکست می‌داد و در آسیا کره جنوبی، کره شمالی، ژاپن، عربستان، کویت و دیگران نقطه امیدشان دوم شدن پس از ایران بود. این مقایسه نشان می‌دهد که در ورزش از کجا به کجا رسیده‌ایم که صد البته باید در نظر گرفت ورزش در جمهوری اسلامی ایران مانند تمامی واژگانها و بخشهایش از رهبر گرفته تا دربان دم در جمگلی فساد و مافیایی و حرام زاده بی‌وطن هستند و برایشان احساسی بعنوان تعصب و عرق ملی وجود ندارد. ۳۰ سال است ورزش ایران در سرازیری است و اگر هم چند موفقیت به دست آمده نتیجه استعداد و خلافت فردی قهرمانان بوده است و گر نه در سیستمی بیمار، مافیایی، امنیتی و حضور صدها وزارت اطلاعاتی در راس همه امور ورزشی کشور



بچه ها
گل‌های
قشنگ
زندگی



کیا



سایا



تارا



پریسا

سوپر سپید SEPIDE

نان و شیرینی؛ خشکبار، ادویه جات، سبزیجات تازه و خشک شده، حبوبات و انواع برنج

لبنیات ایرانی، عرقیات ایرانی، انواع کنسروها، تن و خورش های فریز شده

هر روز نان بربری داغ



از پنج پس از نیمروز، شنبه و یکشنبه از ساعت دو پس از نیمروز

نان خامه ای و رولت سفارش پذیرفته میشود

TER RUE DES ENTREPRENEURS, 75015-PARIS 62

TEL: 0145 78 13 24

FAX: 0145 78 05 15



سال تاسیس ۱۹۹۳

شکر شکن شوند همه طوطیان هند
زین قند پارسی که به بنگاله میرود

دبستان البرز

مدیریت مرکز آموزش زبان فارسی البرز در لندن با

کمال افتخار از هموطنان و فارسی زبانان علاقمند

به یادگیری زبان فارسی در سال جدید تحصیلی

۲۰۰۹-۲۰۱۰ میلادی ثبت نام مینماید

مدیریت مرکز آموزش زبان فارسی البرز در لندن

خانم اولیائی

تلفن همراه: 07533839616



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند



جواهرات مظفریان برای زوجهای جوان خوش یمن و مبارک است

Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS

پرونده ای که سناریوی سرنگونی شاه ایران را رقم زد

نوشته اندرو اسکات کوپر



نبرد سرنوشت ساز در دوحه:

معامله ی نفتی مخفیانه ای که سرنگونی شاه ایران را تسهیل کرد

چه چیزی به سقوط فاجعه بار درآمدهای نفتی ایران در ژانویه ۱۹۷۷ انجامید؟ تاکنون، سیاست، مذهب، فرهنگ، و اقتصاد به عنوان عوامل زمینه ساز سقوط نظام سلطنتی ایران در سال ۱۹۷۹ معرفی شده و مورد بررسی قرار گرفته اند. نحوه ی روابط بین مقامات ارشد ایالات متحده و شاه ایران؛ مردی که هنری کیسینجر او را به عنوان "یکی از نادرترین رهبران دنیا، یک متحد بی چون و چرا، و کسی که شناختش از جهان شناخت ما را نیز وسعت بخشیده است" می ستایید، مدت ها در حاله ای از ابهام قرار داشت و تا همین اواخر، اسنادی که بتوانند بخشی از غبار این ابهام را بزدایند از دسترس پژوهشگران به دور بوده اند. [۱] از طبقه بندی خارج شدن اوراق مربوط به برنت اسکوکرافت (Brent Scowcroft)، مردی که در دولت های نیکسون و فورد خدمت کرده است، درک ما را از ریشه های انقلاب ایران عمق بسیار بخشیده است. این اوراق آشکاری می سازند که در سال ۱۹۷۶ ایالات متحده و عربستان سعودی برای کاهش قیمت های نفت با یکدیگر تبانی کردند؛ امری که ناخواسته زمینه ساز بحران مالی ای شد که اقتصاد ایران را بی ثبات و قدرت شاه را متزلزل گردانید.

بررسی ریشه های داخلی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی این انقلاب معطوف بوده است، نقش منابع مالی دولت، و مشخصاً درآمدهای نفتی آن، در وقوع این فاجعه کمتر مورد توجه قرار گرفته است. انقلاب ایران مشابهت های بسیاری با دو انقلاب بزرگ دیگر؛ یعنی انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و انقلاب ۱۹۱۷ روسیه دارد. هر سه ی این دگرگونی های عظیم پی آمد یک بحران مالی بوده اند. [۸] خبرنگاران خارجی مستقر در تهران در سال ۱۹۷۷ به خوبی نوسانات درآمدی ایران را در آن سال ثبت و گزارش کرده اند. [۹] اما علت اصلی تصمیم عربستان سعودی به مقابله کردن با افزایش بهای نفت توسط اپک در دسامبر ۱۹۷۶، و بخصوص نقش دولت فورد در اتخاذ این تصمیم شوم تاکنون شرح داده نشده است.

اوراق اسکوکرافت که شامل رونوشت مذاکرات، یادداشت های کتبی، و مکاتبات بین رؤسای جمهور امریکا، نیکسون و فورد، وزیر خارجه، هنری کیسینجر، وزرای دولت، و مقامات ارشد دولت های خارجی است، تجدید نظر در فرضیه های سنتی در باب "روابط ویژه ی ایران و ایالات متحده در دهه ی ۱۹۷۰ را ضروری می سازد. این اوراق نشان دهنده ی وجود تنش های حاد بین شاه و کاخ سفید در خصوص قیمت گذاری نفت است و همچنین آشکار می سازد که نارضایتی کاخ سفید از بابت بی اعتنائی شاه به نگرانی هایی که در باب تهدید اقتصاد جهانی از ناحیه ی بهای بالای نفت وجود داشته

بود، و هزینه های این دولت بر اساس درآمدهایی تنظیم شده بود که به وقت خود تحقق نیافتند. اما آنچه در پیش بود از این هم ناگوارتر بود. کوشش دولت به برقرار کردن مجدد انضباط مالی تنها سبب افزایش وخامت بحران شد. بودجه ی به شدت انقباضی دولت موجب افزایش بیکاری و ناآرامی اجتماعی شد که "زمینه ی پیدایش وضعیت کلاسیک جامعه ای که آماده ی انقلاب است، را فراهم کرد." [۶] واکنش شخص شاه به رفتار سعودی ها جانانه و دندان شکن بود. محمد رضا پهلوی برای بهبود اقتصاد بیمار و کم خون کشورش، و همچنین افزایش قدرت خود، به قیمت های بالای نفت چشم امید بسته بود، همزمان با تلاش هایش برای توسعه ی اقتصادی، اقدامات مخاطره آمیز آزادسازی سیاسی را نیز در داخل به اجرا در آورده بود. در دوم ژانویه ۱۹۷۷، شاه ناامیدانه اظهار داشت که "ما ورشکسته شده ایم" و "به نظر همه چیز محکوم به سکون شده است. در این اوضاع بسیاری از برنامه هایی را که برای آنها برنامه ریزی کرده بودیم، باید به عقب بیندازیم... شرایط سختی در پیش داریم." [۷]

سال ۲۰۰۸ سی امین سالگرد وقوع ناآرامی هایی است که به وقوع انقلاب ایران انجامید و نهایتاً سرنگونی حکومت باستانی ایران، خروج خاندان سلطنتی از کشور، و از بین رفتن یکی از هم پیمانان راهبردی امریکا در غرب آسیا و حوزه ی خلیج فارس را در پی داشت. با وجود این که در تحلیل انقلاب ایران، تمرکز پژوهشگران به

در نه روز نخست ژانویه ۱۹۷۷، اقتصاد ایران در پی آشفستگی غیرمعمول بازارهای جهانی نفت دستخوش آسیب عظیمی شد. صدها میلیون دلار از درآمدهای پیش بینی شده ی کشور به علت سقوط ناگهانی ارزش صادرات روزانه ی نفت محو شد، و این در حالی بود که کل تولید نفت در مقایسه با ماه پیش از آن ۳۸٪ کاهش یافته بود. [۲] خون ریزش مالی (financial hemorrhage) دولت را وادار کرد که بودجه ی خود را بازنگری کند، صرف هزینه در پروژه های جدید را متوقف سازد، برنامه های کمک های خارجی را به حال تعلیق درآورد، و ۵۰۰ میلیون دلار وام اضطراری از بانک های امریکایی و اروپایی طلب کند. [۳] علت مستقیم بحران مالی ایران تصمیم قاطعانه ی عربستان سعودی به سرپیچیدن از اراده ی دیگر اعضای سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اپک) مبنی بر افزایش قیمت های نفت در اجلاس دسامبر ۱۹۷۶ در دوحه ی قطر بود. وزیر نفت عربستان سعودی، شیخ احمد زکی یمانی، اعلام داشت که دولت متبوع او با فروش نفت خام خود به قیمتی نازل تر، با افزایش قیمت آن مقابله خواهد کرد. [۴] تهدید یمانی به سرازیر کردن سیل آسای نفت ارزان به بازار هیچگاه عملی نشد، اما سیستم دو قیمتی اوپک تا شش ماه برقرار ماند و ضربه ی سهمگینی به درآمدهای مالی دولت ایران زد. بعدها، اقتصاددانان ارشد شاه اعتراف کردند که دولت آنها به هیچ وجه احتمال سقوط بهای نفت و کاهش تولید را در نظر نگرفته بود. [۵] برآوردهای دولت ایران از درآمدهای نفتی اش خوش بینانه



کاش در جهان رهبران بیشتری با چنین قوه‌ی بصیرتی وجود می‌داشت. قدرت مدیریت شاه، اساساً، ناشی از دیکتاتوری معنوی و عطوفت‌آمیز او است. [۱۶] معاون جرالند فورد، نلسون راکفلر، که یکی از دوستان قدیمی خانواده‌ی پهلوی بود، در جلا او را با اسکندر کبیر مقایسه می‌کرد و در خفا تصدیق می‌کرد که نهادهای دموکراتیک آمریکا می‌توانند از سیاست مشت محکم شاه درس بیاموزند: "او به زودی به ما خواهد آموخت که آمریکا را چگونه اداره کنیم." [۱۷] اسدالله علم، محرم اسرار شاه و وزیر دربار او، در یادداشت‌های روزانه‌ی خود به یاد می‌آورد که چگونه هنری کیسینجر "با گفتن این که چقدر آرزو داشت که پرزیدنت فورد شاه را الگوی خود قرار دهد، او را می‌ستود." [۱۸]

وزیر خزانه‌داری گفتگوی خود با نیکسون را در نهم ژوئیه‌ی ۱۹۷۴ با اصرار بر این نکته آغاز کرد که رئیس‌جمهور می‌باید کاری برای مقابله با افزایش بهای نفت بکند. سایمن ابراز داشت که "امکان انجام برخی اقدامات قاطعانه وجود دارد." سایمن قانع شده بود که اگر بتوان رضایت شاه را برای معکوس کردن روند بهای نفت جلب کرد، آنگاه بقیه‌ی اعضای آپک نیز در همین مسیر قدم خواهند گذاشت. او متحیر بود که چرا نه رئیس‌جمهور و نه وزیر خارجه از شاه درخواستی برای کاهش بهای نفت نکرده‌اند. نیکسون پاسخ داد که او بیشتر مسأله‌ی بهای بالای نفت را با ملک فیصل، پادشاه عربستان سعودی، مطرح کرده است: "من به طور خصوصی، این موضوع را با [ملک] فیصل در میان گذاشته‌ام، و به او گفته‌ام که شما می‌توانید از افزایش بهای نفت ممانعت کنید. ما مایل ایم که راه‌های جدیدی برای برخورد با این وضعیت بیابیم، اما اگر شاه قیمت‌ها را بالا نگه دارد، آنها نمی‌توانند کار چندانی از پیش برند. کویت هم همین وضعیت را دارد." [۱۹]

بیل سایمن: آیا امکان تحت فشار قرار دادن شاه وجود

بود، و همین علت کافی بود که شاه ایران کاملاً مورد توجه بیل سایمن واقع شود. امتناع شاه در پیوستن به تحریم نفتی، قدر و منزلت دولتمردی بزرگ را نصیب او ساخته بود. با این حال، توافق‌نامه‌ی نفتی تهران در دسامبر ۱۹۷۳ که منجر به چهار برابر شدن بهای نفت ظرف مدت ۱۲ ماه شده بود، زاییده‌ی خود او بود. [۱۱]

به رغم این، اعلیحضرت همایونی محمد رضا شاه پهلوی، آریامهر، شاهنشاه ایران و سایه‌ی خدا در دل ریچارد نیکسون محبتی نسبت به خود ایجاد کرده بود. بیست سال بود که این دو مرد یکدیگر می‌شناختند و می‌ستودند. ایران پایگاه ایالات متحده در غرب آسیا و حافظ معبر دسترسی به خلیج فارس بود. ایران یکی از تولیدکنندگان عمده‌ی نفت و قدرت برتر نظامی در منطقه بود. میادین نفتی ایران روزانه ۶ میلیون بشکه نفت روانه‌ی بازار می‌کردند، [۱۲] ناوگان دریایی این کشور عبور روزانه ۲۵ میلیون بشکه نفت از منطقه‌ی خاور میانه برای فرو نشاندن عرش اروپا، ژاپن، اسرائیل، و ایالات متحده را تضمین می‌کرد، [۱۳] و نیروهای مسلح او، مجهز به پیشرفته‌ترین تسلیحات، حفاظ مستحکمی را بین اتحاد جماهیر شوروی و خلیج فارس تشکیل می‌داد. در پی تصمیم بریتانیا به خروج قوای نظامی خود از خلیج فارس به سال ۱۹۷۱، دولت‌های جانسون و نیکسون توافق کردند که شاه را برای پر کردن خلأ ناشی از خروج بریتانیایی‌ها تسلیح کنند. در نوامبر ۱۹۷۱، هنگامی که شاه قوانین بین‌المللی را نقض کرد و سه جزیره‌ی سوق‌الجیشی در تنگه‌ی هرمز، ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک، را به تصرف درآورد، دولت واشینگتن مخالفتی ابراز نداشت. مطبوعات آمریکا ایران را "غول معابر نفتی" نام نهادند. [۱۴] تا پایان حکومت شاه در ایران ایالات متحده حضور نظامی چندانی در منطقه نداشت. ریچارد نیکسون قدردانی خود را از شاه با توصیف او به عنوان "بهترین دوست ما" نشان داد. [۱۵] ستایش نیکسون از شاه صرفاً ناشی از عواطف شخصی او نبود. در یک موقعیت دیگر نیکسون آرزو کرد که

است، رو به تزاید بوده است. تصویری که رونوشت مذاکرات از شاه ترسیم می‌کند، بسیار با تصویر "شاه آمریکا" تفاوت دارد؛ این رونوشت‌ها هم پیمان سرسختی را به تصویر می‌کشد که از گردن نهادن به خواسته‌های دورنمای جمهوریخواه محافظه‌کار و مقامات ارشد دولت آمریکا، از جمله هنری کیسینجر، که بزرگترین ستایش‌گر شاه و معمار هم‌پیمانی راهبردی ایالات متحده و ایران در دهه‌ی ۱۹۷۰ بود، سر باز می‌زند. در خصوص نحوه‌ی واکنش به رفتار شاه ایران، رئیس‌جمهور و مشاوران او دچار دودستگی بودند. هنری کیسینجر به همکاران ناشکیبای خود هشدار می‌داد که اعمال فشار به شاه ایران برای پایین آوردن بهای نفت ممکن است بر خطر سرکار آمدن یک "رژیم رادیکال" به جای شاه بیفزاید. [۱۰] این اوراق به تفصیل جزئیات تلاش‌های پرزیدنت فورد در جهت بازداشتن شاه از افزایش بهای نفت در اجلاس آپک در دسامبر ۱۹۷۶ را بازگو می‌کند. بعدها معلوم شد این پیروزی بسیار گران تمام شده است. همان اندازه که نفت موجب نزدیک شدن رؤسای جمهور آمریکا و خاندان پهلوی شده بود، موجب بروز اختلاف و جدایی بین آنها نیز شد.

در اینجا، اوراق اسکوکرافت را در پنج برهه‌ی زمانی مجزا مورد بررسی قرار می‌دهیم. این دوره‌ی زمانی از ژوئیه‌ی ۱۹۷۴؛ همان واپسین روزهای زمامداری نیکسون آغاز می‌شود، و در پی آن دوره‌ی پر آشوب تصدّی جرالند فورد فرا می‌رسد که در ژانویه‌ی ۱۹۷۷ که فورد و کیسینجر خود را برای واگذاری قدرت به رئیس‌جمهور منتخب جیمی کارتر آماده می‌کنند، به پایان می‌رسد.

ژوئیه تا اوت ۱۹۷۴: "روپارویی ما با او به سرنگونی او می‌انجامد"

در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز سه‌شنبه، نهم ژوئیه‌ی ۱۹۷۴، وزیر خزانه‌داری، ویلیام سایمن، وارد اتاق بیضی شکل در کاخ سفید شد تا پیش از عزیمت‌اش به خاور میانه و اروپا با رئیس‌جمهور، ریچارد نیکسون، رایزنی کند. گر چه در آن روزها نبرد نیکسون برای حفظ قدرت در پی رسوایی واترگیت به روزهای آخر خود رسیده بود، اما با این حال هنگامی که سایمن جهت گفتگو را به سمت محمد رضا پهلوی، شاه ایران، گردانید، رئیس‌جمهور با علاقه، توجه و هوشیاری تمام وارد گفتگو شد.

بیل سایمن در میان جمهوریخواهان آدم تک‌روی به حساب می‌آمد. او پیش از آن که به واشینگتن بیاید، در یکی از شرکت‌های معتبر وال استریت به نام سالومون برادرز (Salomon Brothers) شراکت داشت. او در سال ۱۹۷۳ به عنوان معاون جورج شولتز، وزیر خزانه‌داری، مسؤولیت بی‌اجرو و مزد تخفیف اثرات تحریم نفتی اعراب را عهده‌دار شده بود، و بدان سبب، لقب "قیصر انرژی" (energy czar) را دریافت کرده بود. افزایش سرسام‌آور بهای نفت رکود عمیقی را به ایالات متحده تحمیل کرده

دارد؟

ریچارد نیکسون: قرار نیست تو به آنجا [به ایران] بروی.

ب س: نه. ما فکر کردیم که می توان در حالی که مشغول مذاکره با اعراب هستیم، پیشنهاد شیرینی هم به ایرانی ها بدهیم.

ر ن: او بهترین دوست ما است. اگر قرار باشد فشاری به ایران وارد شود باید از جانب من باشد.

ب س: در شگفت ام. او و ونزوئلا با هم قیمت نفت را تعیین می کنند. بدون آنها، بهای نفت اینگونه نمی بود ... وضعیت کنونی آزاردهنده است - شمار اندکی تولیدکننده نفت وجود دارد که پول زیادی در اختیار دارند و نمی دانند آن را کجا خرج کنند، در همین حال، بانک ها و نهادهای مالی دچار مشکل هستند. بهای نفت بی ثباتی عظیمی در بازارهای مالی بین المللی به وجود آورده است. [۲۰]

سفر سایمن به پایتخت های اروپایی و خاورمیانه ای خبرساز شد. در فرانسه او پادشاه ایران را "یک احمق" توصیف کرد "... اومی خواهد که تبدیل به یک ابرقدرت بشود. او همه ی درآمدهای نفتی خود را در داخل کشور، و عمدتاً در تجهیزات نظامی سرمایه گذاری می کند." [۲۱]

توهمینی که سایمن نسبت به شاه کرد، حساب شده بود: او با این کار پیامی به عربستان سعودی می فرستاد مبنی بر این که نگرانی های آنها را درک می کند و آماده ی معامله است. ماه ها بود که سعودی هایی که به محافظه کاری و مخفی کاری شهره بودند، بی سرو صدا با هر کسی که ممکن بود در واشینگتن به سخن آنها گوش فرا دهد، تماس گرفته بودند. ملک فیصل متوجه خسارت های سیاسی و مالی ای شده بود که بهای بالای نفت به شرکای تجاری و سرمایه گذاری عربستان سعودی در غرب وارد می کرد. یکی از منتفع شوندگان از آن آشفته گی نفتی عراق بود که به شدت توسط اتحاد جماهیر شوروی حمایت می شد، و دیگری ایران که درآمدهای

نفتی اش هزینه های تشکیل یک نیروی متعارف نظامی در منطقه ی خلیج فارس را تأمین می کرد. این دو کشور دشمنان قدیمی عربستان بودند.

در همین اوضاع و احوال، سایمن با شیخ یمانی طرح دوستی ریخت. هر دو نفر، بر اساس برآوردهای شان، بر سر این نتیجه به توافق رسیدند که به حراج گذاشتن یک میلیون بشکه نفت عربستان در روز بهای نفت را به ۷ دلار در ازای هر بشکه کاهش خواهد داد. [۲۲] هنگامی که شاه از این معامله باخبر شد و تهدید کرد که با کاهش تولید نفت ایران با این اقدام مقابله خواهد کرد، این توافق ناکام ماند. [۲۳] این تهدید شاه دلیل انکارناپذیری در اختیار سایمن قرار داد که شاه جلوی اقدامات صادقانه برای کاهش بهای نفت می ایستد. در سی ام ژوئیه ی ۱۹۷۴، او خلاصه ی نتایج سفر خود را به نیکسون ارائه داد. او به استحضار رئیس جمهور رساند که اگر قرار است کاری برای جلوگیری از بروز یک فاجعه ی اقتصادی جهانی انجام شود، باید به سرعت، و پیش از آن که زمان از دست برود، نسبت به آن اقدام شود.

ب س: [ملک] فیصل می گوید که او تا کنون تا آنجا که در توان داشته، به تنهایی و بدون پشتیبانی ما تلاش کرده است. شاه تهدید کرده است که تولید خود را کاهش خواهد داد.

ر ن: او دوست خوب ما است، اما دست به بازی دشواری با نفت زده است.

ب س: فیصل از ما در برابر شاه درخواست کمک کرده است. در عربستان سعودی، بین طرفداران افزایش بهای نفت و طرفداران افزایش میزان تولید نفت یک جنگ داخلی در جریان است. فیصل واقعاً خواستار کمک ما در برابر شاه است. در گفتگوهایی که با دیگر وزرا داشتم، به آنها گفتم که احتمالاً عربستان سعودی برای ۱۵۰ سال

دیگر هم نفت دارد، در حالی که ایران تنها تا ۱۵ سال دیگر نفت خواهد داشت. شاید ایران بتواند در این ۱۵ سال صنعت خود را پی ریزی کند، تا به هنگام پایان یافتن منابع نفتی اش بتواند نفت خود را تأمین کند.

ر ن: باید بررسی کرد که چه کارهایی می توان انجام داد. باید با شاه ملاقات و با او مذاکره کنم.

ب س: شاه ما را دارد. هیچ کس با او مقابله نخواهد کرد. کشورهای تولیدکننده باب گفتگو را به روی مصرف کنندگان بسته اند، و آنها را از ما دورنگاه داشته اند. اشمیت صدر [اعظم آلمان] گفت که: "اگر قیمت ها پایین نیابند، احتمالاً مجبور خواهیم شد علیه شرکت ها دست به اقدام بزنم، و شخصاً با تولیدکنندگان برخورد کنم." این مسأله نهایتاً اقدام جدی ایالات متحده را ضروری خواهد کرد.

ر ن: مثل چی؟ باید بررسی کرد و اقدامات مناسب را پیدا کرد. باید با تو، کن (Ken)، هنری (Henry)، و برنت (Brent) گفتگو کنم. تعداد محدود باقی بماند. ب س: مسأله ی دشواری است. قبلاً فکر می کردم مسأله ی انرژی از جنس تراز پرداخت ها است. الان از کاهش یکباره ی تولید نگران ام. [۲۴]

بیل سایمن واقعاً باور داشت که از جانب نیکسون مسؤولیت یافته است که با تمایل شاه به قیمت های بالاتر نفت مقابله کند. [۲۵] کمتر از یک هفته بعد، در سوم اوت ۱۹۷۴، یک گروه کاری از مقامات ارشد وزارتخانه های خزانه داری و خارجه برای استماع نظرات سایمن تشکیل جلسه دادند. [۲۶] این بحثی بود که کیسینجر، به طور مشخص، علاقه ای به آن نداشت. نظر او این بود که قیمت های بالای نفت هزینه ی ضروری ای است که برای ثبات خاورمیانه باید پرداخت. [۲۷]

ادامه این گزارش را در شماره آینده بخوانید

در جنوب اسپانیا (Benalmadena Costa)

**دفترکار با شرایط عالی و استثنایی برای
فروش و یا اجاره با دکوراسیون مدرن و
مساحتی حدود 70 متر مربع واگذار می شود**

جهت اطلاعات بیشتر میتوانید با شماره زیر تماس حاصل نمایید

0034 69969 3283

جمیله خرازی :

بنیاد توس براساس نیاز و ضرورت جامعه ایرانیان خارج از کشور تأسیس شده است



از دست رفته را پوشاند.

من به نسل جوان کشورم بدهکار هستم. من و همکارانم در بنیاد توس به فرزندان سرزمینمان در خارج از کشور تعهد و مسئولیت داریم که برایشان بستری فراهم کنیم که آنان در این مسیر با زبان قابل تشخیص و درکشان، از فرهنگ و ادب و هنر و تاریخ کشورشان آگاهی بیابند. کاری سخت و سترگ است ولی چه باک وقتی من و او و تو، ما می شویم هیچکاری ناشدنی نیست و در بنیاد توس همگی «ما» شده ایم.

او گویی قایق دل را به دریای کلمات و واژه ها زده و بی مهیا از طوفان، احساسی می راند. و من حیرانم که بیست و اندی سال در همین شهر و زیر سقف خاکستری لندن چگونه آدمها با مشترکات بسیار یکدیگر را نیافته اند و عجب دور باطلی را گذرانده اند ولی امروز را عشق است.

با جمیله خرازی می توان عقربه ساعت را نگاه داشت و بی زمان حرفها زد و بیشتر شنید. از برنامه های بسیاری که در فکر دارد با طرحهایی بزرگ و گسترده از خانه ای که جا برای آرزوهای او داشته باشد که در هراتاقش مرغ خواسته هایش را پرواز دهد. آن خانه اوج خواسته های اوست که خانه ایرانیان باشد با فضا و امکاناتی که دیگر از این سالن به آن سالن دوره گردی را تعطیل کند و همه را به ضیافت خانه خودشان دعوت نماید. جایی که برای کلاسهای آموزشی سرمایه های فردای ایران هم امکاناتی داشته باشد. آرزویی که کاغذی نباشد و در حد شعار و حرف باقی نماند. «خانه ایران» مکانی حقیقی و حقوقی برای ایرانیان باشد که بعد از سی سال مهمان گردی، خود صاحبخانه شوند.

امیدی به همپاری و هم فکری یاران همدل دارد. آرزویی که اصلاً محال نیست.

برای او و سایر همکارانش سلامت و موفقیت آرزو می کنیم.

زبان ساده قلمی است به سادگی یک پیام ساده، امیدوارم به عنوان یک گزارش متفاوت بپذیرید! اویی که در ذهنم بود، او نبود، همکلام من، جاپایی دگرگونه در ذهنم نهاد. او از گذشته ها و میراث های فراموش شده حرف زد، با کنجکاوی و گزارشگونه می یابیدمش، ماشین حساب و چرتکه ای دستش ندیدم، به قولی، خیلی روی باز بازی می کرد و واسه همین هم، غافلگیر شدم. به همین خاطر اویی که ذهنم بود، او نبود.

او از سالهایی می گفت که تالارودکی کعبه رویایی سلاطین هنر جهان بود و بزرگان باله دنیا همچون "مارگریت فونتن" انگلیسی و "توریس" روسی در تهران میهمان تالارودکی بودند.

او در هنر موسیقی کلاسیک آن سالهای طلایی برای خود آشنایی ساخته بود و با رویاهای شیرین آن زندگی می کرد. ولی کتاب و دفتر اون سالها در پستو خانه مادری گرد فراموشی و انکار به خود گرفته، گویی برگهایی از کتاب زندگی مردمانی را به سرقت برده اند ولی با یادها و خاطره ها چه می کنند؟

او را به امروز می کشانم و بنیادی که دیوار عرش به کوتاهی سه ساله است ولی پایه و فونداسیونش بتون کاری شده، گویی قرار است بلند افلاکی و محکمی الوندی داشته باشد.

سه سال حضور در عرصه فعالیت های فرهنگی، ادبی و هنری و آماری شگفت و طوماری به امضاء و مهر چندین هزار ایرانی دل لک زده در برنامه هایی از این بنیاد که دلشان را به فضایی متفاوت سپرده اند و لذت برده اند.

۲۶ آوریل یک لشکر هزار نفره دیگر هم زیر سقفی به ابتکار بنیاد توس گرد هم آمدند تا چشم دلشان را به جمال چهره های ماندگار هنر کشورمان روشن کنند.

جمیله خرازی گویی لحظه ای خود را فرمانده گروهانی حس می کند و با غیظی و تحکیمی می گوید، مگر می شود اجازه داد داود پیرنیا فراموش شود و...

به جای ادامه، مسیر را با خنده ای عوض می کند و می گوید:

- دلم می سوزد برای همه سالهایی که بسیار کارها انجام نشده است. ای کاش می شد چاهای غیبت خورده سالهای

بنیاد توس تلاش دارد برای بزرگان فرهنگ و ادب و هنر کشورمان برنامه هایی در خور نام و شان و منزلت آنان برگزار نماید در بنیاد توس مجموعه ای از انسانهای عاشق و متعهد به سرزمینشان حضور دارند که نه در فکر دلالی و سودجویی کاسبکارانه هستند و نه در معادلات روابط سیاسی نقشی را به عهده گرفته اند

بنیاد توس در ۲۶ آوریل برنامه ای موفق را تحت عنوان «گلهای جاویدان» برگزار کرد که در این برنامه چهره های صاحب نام بسیاری حضور داشتند و آنکه غایب بود صاحبخانه ای به نام «داود پیرنیا» بود.

وقتی از طرف مجله به من ماموریت داده شد که گزارشی از بنیاد توس تهیه کنم و با مدیر این بنیاد گفتگویی داشته باشم، فکر کردم که گزارشی کلیشه ای با سوال و جوابهای همیشگی نباشد. سپس در پی تماسی با خانم جمیله خرازی طرح گزارش را بیان کردم و از ایشان خواستم پاسخگوی چند سوال کلی من باشد و ایشان با متانت و خوشرویی و مهر به سوالاتم پاسخ داد و بقیه را به عهده خودم گذارد و نتیجه این شد که می خوانید. قاعده و چارچوب کلیشه ای ندارد.



برنامه‌ای تکرار ناشدنی با چهره‌های تکرار نشدنی

گل‌های جاویدان با حضور گل‌های سرسبد «صدا‌های طلایی»

هنر اصیل ایران در لندن

هفت شهر عشق را عطار گشت تا به لندن رسید و شبی چون افسانه‌های هزار و یکشب را در کنار چهره‌های افسانه‌ای چند دهه اخیر ایرانیان سپری کرد.

روزگار غریبی است نازنین، هنوز که هنوز است زنگوله خاطرات دلت هر لحظه صدا می‌کند و پژواک طنین (یادش به خیر) ترا به گذشته وصل می‌نماید.

اون روزا که بچه پاپتی‌ها و یقه چرک‌ها هم کفتر دلشون بی‌مرز و بوم هرجا می‌خواست می‌پرید و واسه عاشقی شاه و گدا، دارا و ندار فرقی نداشت، اون جعبه جادویی تازه از فرنگ رسیده که اولش رادیو بود بعد هم تلویزیون شد همه را دور خودش جمع می‌کرد تا آدمهایی از ما بهترن - مثل قصه‌های شاه پریون به خونه‌هامون بیاین و واسه‌مون بوی خوش گل‌های جاویدان را بیارند.

عجب عشقی داشت اون صداها. انگاری مثل روحی عاشقانه تو تمام وجودت نفوذ می‌کرد با صدای موسیقی، شعر، آواز سفرها می‌کردیم و هرکس تو خیالش با یارش همسفر می‌شد.

ما رند و خراباتی و مستیم پوشیده چه گوئیم همینیم که هستیم

و شراب ناب خلسه آور صدای اکبر کلپایگانی بود و کلمه‌های جادویی صدای فخری نیکزاد در برنامه گل‌های جاویدان که الحق جاویدان بود و جاویدان ماند و جاویدان خواهد ماند.

روزگار غریبی است نازنین هنوز عطر جادویی گل‌های جاویدان روح را نوازش می‌کند و عجب مرد بزرگی بود داود پیرنیا که نهال هنر موسیقی اصیل ایرانی را در برنامه گل‌ها کاشت و نهال دیروز او سایبان و چتر اعتبار غنای هنر موسیقی امروزماست.

دهانت را می‌بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم، نفست را می‌شمارند که مبادا عاشقانه به سوی معشوق به پرواز درآید، گویی از قفس همه رها شده‌اند و زیر سقفی اینهمه فاخته دهان دوخته از یار و دیار گریخته به هم رسیده‌اند و شور و حال سوت دلالی گرد هم آمده را به تصویر کشیده‌اند! حتی باورش هم آسان نیست.

ناهید با صدای مخملی شعرهای ناب سرزمین خراسان و ترانه غروب کوهستان را چه زیبا و سوزناک می‌خواند.

غم و غمه توی قلبم خونه کرده، ای خدا دلم پر درده... او هم مسافر این سفر جادویی بنیاد توس است.

آذر پژوهش و صدایی که ترا در آغوش نرم واژه‌ها رها می‌کرد و چه زیبا شعرها را بیان و معنا می‌نمود.

خیالی بود و خوابی، وصل یاران شب مهتاب و فصل نوبهاران و این صدای سروش ایزدی بانویی دیگر از خوش الحانان باغ عاشقان موسیقی است که می‌خواند

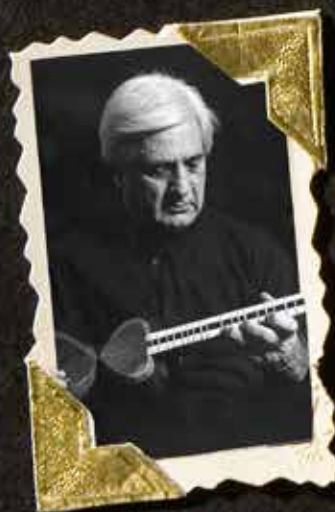
فیروزه امیرمعزی صدای طلایی گل‌های جاویدان هم گلیم خاطرات ما را با بیان کلمات بهم می‌بافد و عجب هنرمندانه بیان می‌کند.

هنوز نگاهم بر صفحه آگهی این برنامه باورنکردنی خیره مانده است. این لشگریان فیروزمند دروازه‌های قلب‌های میلیون‌ها ایرانی، همه با هم در یک شب و زیر یک سقف. عجب شب زیبا و باشکوهی بود! به بانی و مبتکر چنین گردهمایی هایی چون جمیل خرازی باید هزاران آفرین و خسته نباشید گفت که در روزگاران حراج عاطفه‌ها و معرفت‌ها و میراث‌های ناب، کسانی هم پیدا می‌شوند که سخاوتمندانه سفره دلشان را با عاطفه و مهر می‌گشایند و همه را به دور آن گرد هم می‌آورند.





بنی ملوک



فخری نیکزاد صدای طلایی ماندگار



بانوی کلام



رسیده و تازه نفس بود جایی که مردان بزرگ دوبله جهان حضور داشتند و دوبلاژ ایران در جهان حرف اول را می‌زد. حضور در چنین فضایی جهانی دل شیر و جرات مثال زدنی می‌خواست آنهم از جنس زنانه!

سال ۱۳۴۶ را باید سال تولد هنری بانوی صدای ایران نامید. زمانی که او به هوشنگ کاظمی از مدیران طراز اول دوبله ایران معرفی شد. هوشنگ کاظمی با همه سخت گیریها و بگیر و بندهای محکم پذیرش چهره‌های جدید، پذیرفت که فخری نیکزاد صدایش از جنس عیار جهانی است و او را کنار خود نشاند و اجازه داد تا تکه‌های کوچکی از فیلمها و سریالهای خارجی را او بگوید.

همین فرصت کوتاه برای بانوی صدا کافی بود تا صدایش را به گوش اهل فن برساند و بالاخره دکتر پارسی نژاد در برنامه تلویزیونی شهر آفتاب، فخری نیکزاد را با صدای آفتابی به تلویزیون آورد تا به معرفی کتابهای ایرانی و خارجی بپردازد تا به هفت شهر عشق رسید و شیدایی عطار که هفت شهر عشق را با صدای مخملین فخری نیکزاد می‌گشت.

این نقطه طلایی و درخشان کارنامه ادبی، فرهنگی آن سالها بود که میلیونها ایرانی پای تلویزیونهاشان به صدا و چهره بانویی دل بسته بودند که برای آنان راوی تاریخ ادبیات کشورشان بود که به همراهی موزیک فضایی عرفانی را در خانه‌های مردم می‌ساخت و صدای خوانندگان هم چاشنی این رنگین کمان

فخری نیکزاد با چهره و صدایش میلیونها ایرانی را جلوی جعبه جادویی می‌کشاند.

بزرگان نام آور، فرهنگ و ادب و هنر ایران فخری نیکزاد را به عنوان بانوی کلام در عرصه بیان زیبا به عنوان مجری با خود همراه کردند تا شنوندگان و بینندگان بیشتری را جذب برنامه‌هایی چون شهر آفتاب، هفت شهر عشق، برنامه گلها، هزار و یکشب، ادب امروز کنند.

بیش از چهل و اندی سال پیش که تکنولوژی در کشور ما مهر حلال و حرام می‌خورد و قشریون مذهبی و عوامفریبان منبری، رادیو و تلویزیون را حرام می‌دانستند و خشکه مذهبی‌های بی‌منطق هم می‌پذیرفتند. جعبه جادویی رادیو و سپس تلویزیون چون سیلی همه گیر سراسر ایران را فرا گرفت و هر خانواده‌ای با هر بضاعتی رادیو یا تلویزیونی را در خانه‌هایشان به فخر در بهترین نقطه خانه جای داده بودند و دل به صداها و تصاویر نوظهور آن بسته بودند. هرچند آن سالها هنوز هم سایه مردانه، زنانه به نوعی حاکم بود و تفکر مردانه حرف اول را می‌زد ولی شیرزنانی هم پیدا شدند که در همان فضای محدود و به قولی مردانه، جاپایی ماندگار باقی نهادند.

اتاق دوبله و استودیوها به قولی دوبلاژ اولین پله‌های آزمایش صداها از راه



گرائید.

آغاز کار تلویزیون رنگارنگ لندن در سال ۱۹۹۴ زمینه‌ای شد تا پس از سالها دوباره «بانوی صدا»ی کشورمان جلوی دوربین قرار بگیرد.

محمود سرابی مدیر و مؤسس تلویزیون رنگارنگ در این باره میگوید: برای نخستین بار در اروپا ایرانیان صاحب یک کانال تلویزیونی بودند که باعث شده هر هفته هزاران خانواده بی‌صبرانه جلوی تلویزیونهای خود بنشینند و هفته‌ای چهار ساعت روزهای شنبه و یکشنبه تماشاگر تصاویر این برنامه‌ها باشند بدون استثناء تمامی چهره‌های بزرگ ادب، هنر، موسیک، سینما و ورزش کشورمان طی بیش از یک دهه جلوی دوربین تلویزیون رنگارنگ حضور پیدا کردند، فخری نیکزاد را با تلاشهای بسیار موفق شدیم به همکاری دعوتش کنیم. از او خواستیم که صاحبخانه باشد و بزرگوارانه پذیرفت و سالها بدون کوچکترین چشمداشتی به بسیاری از انسانها درس معرفت و رفاقت و تعهد و مسئولیت آموخت.

او نشان داد بحق شایسته لقب بانوی بی‌چون و چرای خاطرات طلایی ایرانیان است و از جالب‌ترین خاطرات همکاری ایشان با تلویزیون رنگارنگ، دیداری بود که بانوی صدا با استاد اول خود هوشنگ کاظمی پس از ۳۰ سال در استودیو تلویزیون رنگارنگ داشت. لحظاتی خاطره انگیز و دیدنی و ماندنی که این دو با هم مروری بر آن سالها کردند و هزاران بیننده را با خود به سفری طلایی بردند.

فخری نیکزاد بالاتر از صدایش که گنجینه‌ای استثنائی و زیباست دارای خصایل و فضائل اخلاقی بی‌همتایی است که دریایی محبت، سخاوت و عشق و دوستی در او نهفته است. برایش سلامت و موفقیت و شادکامی آرزو می‌کنیم.

پرمخاطب بود.

فخری نیکزاد راوی داستانهای حماسی شاهنامه شد که کاری جالب و دیدنی از سیروس افهمی بود. سیروس افهمی سریالی نیز به نام «پهلوان نایب» را بازی می‌کرد.

داستانهای حماسی شاعر ملی ایران فردوسی بزرگ را بانوی صدا با رسایی بیان اشعار به روح و جان ایرانیان میریخت و احساسات ملی و میهنی آنان را استوارتر می‌ساخت.

فخری نیکزاد گل سرسبد دوران خودش بود. زیبایی منحصر به فرد صدایش با آگاهی و فراگیری بسیاری در بیان اشعار و کلمات به همراه چهره جذاب و زیبا از او نامی ماندگار در دنیای صدا بجای نهاد تا جایی که نادر نادر مرد بزرگ ادبیات کشورمان از بانوی صدا دعوت کرد که همراه و همکار او در برنامه «ادب امروز» باشد.

حضور بانوی صدا در این برنامه چنان گل کرد که اجرا و تهیه برنامه‌ای بنام «الماس شعر در تابش نگاهها» را به او واگذارند که به انقلاب ملاخور شده خمینی رسید و رشته‌ها گسست.

فخری نیکزاد به جرم هنرش، به جرم زن بودنش، به جرم پیام رساندن به مردمش، به جرم پاسداری از فرهنگ و ادب کشورش اسیر گماشتگان ولایت



فقیه خمینی جنایتکار شد و زندان و توهین و شلاق را تجربه کرد تا مجبور شود کشورش را با همه یادگارهای عاطفی، ملی و میهنی رها کند و به خارج کوچ نماید و ساکن لندن در انگلستان شود.

مدت کوتاهی با گروه هنرمندان خوب و متعهد کشورمان همکاری کرد که ثمره آن ویدیوهای ارزشمند «وارثه آخوندی» است و سپس به انزوا و سکوت

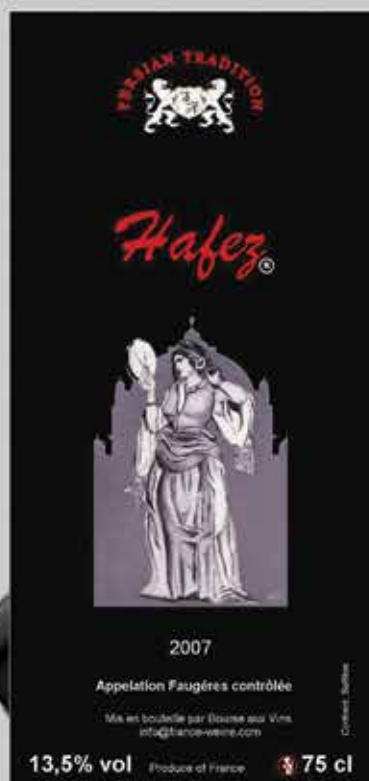
Der neue **HAFEZ** ist ab sofort
im Handel erhältlich.
Ein sehr geschmackvoller Wein
mit dem Gütesiegel AOC.



*The new **HAFEZ** is available
now at your store.
A very tastefully wine
with AOC quality.*

Jahrgang/ year

2007



*Seit 15 Jahren garantiert
die Firma Bourse aux Vins
Qualität & Geschmack
Ihrer Weine & Vodka*

*For 15 years the company Bourse aux Vins
guarantees quality & taste of their wines & vodka*

Bestellen Sie jetzt/ Order now

Germany: 069 92919956 - Belgien: 032 131434 - Holland: 020 6841196
Spain: 0951 295935 - France: 06 84184625 - England: 020 76044266

Folgende Produkte kommen ebenfalls
aus unserem Keller/ following products
are from our wine cellar as well.

VODKA PAKDIS

**ARAGH MAKHSOOS
PAKDIS**



Khayyam
*Hafez Shiraz Imperial
Khayyam Royal Shiraz*



Bourse aux Vins - Fon: 0049 (0)173 6009540 - info@france-weine.com



سوپر پرسپولیس

دور نمودن

گفتار نیک پندار نیک کردار نیک

به مدیریت خانم ناهید رضائی

آدرس جدید

Hohestr. 41

44139 Dortmund

با 46 U ایستگاه
Saarlandstr.

**Tel. 0231-
9504949**



دوشنبه تا شنبه: از ۱۰ صبح تا ۱۰ شب یکشنبه ها: از ۴ بعد از ظهر تا ۱۰ شب

پرسپولیس همچنان پیشتاز ارزانی با کیفیت بالاست!



این روزا سری به ما بزنید
دروغ چرا... تا قبر آ... آ... آ
خیلی خوشحال می شیم بابام جان



بقالی مش قاسم

در قلب فرانکفورت (مدمتری ایستگاه مرکزی راه آهن)

هرچی همه دارن، ما هم داریم!

Dusseldorfer Str. 12 , 60329 Frankfurt

Tel & Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62



دکتر جعفر مهرگانی، تحصیلات خود را در تاریخ و ادبیات آلمان به پایان رسانده و ترجمه و تألیف در این عرصه فراوان دارد. سی سال کارهای فرهنگی و انتشار آثار نویسندگان ساکن در غربت از کارهای ماندنی او در این دوران است.

اکنون که دوران سالمندی و بازنشستگی را پشت سر میگذارد مشغول به تحقیق پیرامون تأثیر فرهنگ ایران در فرهنگ اروپایی است. این مقاله یکی از کارهای اخیر اوست که تقدیم ایرانیان می‌گردد

سه پادشاه مقدس در انجیل ایرانی تبار هستند

Heilige Dreikönige

در انجیل متی Matta نخستین انجیل از اناجیل اربعه، کتاب مقدس مسیحیان (عهد جدید)، آمده است: «و چون عیسی در ایام هیروдіس پادشاه در بیت لحم یهودیه تولد یافت، ناگاه مجوسی چند از مشرق به اورشلیم آمده گفتند: کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؛ زیرا که ستاره او را در مشرق دیده ایم و برای پرستش او آمده ایم». این داستان تنها و فقط در انجیل متی آمده و در سه انجیل بعدی اشاره ای به آن نگردیده است. «متی یکی از شاگردان مسیح است که همواره از شروع و بعثت مسیح تا زمان صعودش ملازم آن حضرت بوده...». متی طبق روایت مورخین مسیحی، پس از مصلوب ساختن عیسی مسیح به تبلیغ اندیشه های وی مشغول شد. از چگونگی زندگی او اطلاع دقیقی در دست نیست جز اینکه گمان می رود که

در راه تبلیغ دین عیسی مسیح وسیله یهودیان کشته و یا سنگسار شده است. انجیل او به تصدیق همه محققان پس از انجیل مرقس قدیمی ترین بخش از کتاب مقدس مسیحیان (عهد جدید یا انجیل) بشمار میرود. برخی از محققین تاریخ مسیحیت بر آنند که در سال 38 میلادی و بعضی بر این باورند که بین سالهای 50 تا 60 میلادی انجیل متی ب زبان یونانی نگارش یافته و بر خلاف اناجیل دیگر اشارات فراوانی به عهد عتیق (تورات) در آن یافت میشود و این بیانگر آن است که متی با متن تورات و هم چنین زبان یونانی و بشارات انبیاء بنی اسرائیل آشنایی کافی داشته است. واژه مجوس Majous معرب کلمه پارسی باستان Magush که به فارسی جدید مخ می گویند و چندین بار در کتیبه های بیستون و هم چنین در اوستا بصورت مغو Moghu و در زبان پهلوی مخ شده است. منظور از «مجوسان» پیروان دین زرتشت است و کلمه مؤبد از همین ریشه آمده است. مجوسان علماء و دانشمندان زمان خود بودند که فلسفه

و ستاره شناسی و علوم ریاضی تعلیم می دادند و همراه پادشاهان بجنگ می رفتند و بواسطه لباس مخصوص و عزلت و گوشه نشینی معروف بودند. بهر حال پیرامون سفر مجوسیان به اورشلیم بررسیها و تحقیقات بیشماری در طول قرنهای گذشته انجام گرفته که بخشی از این بررسیها به صورت افسانه و یا داستانی آنهم در پوشش مذهبی نوشته شده است. از جمله اینکه این قدیسان ایرانی تبار اهل سواحل بحر خزر و یا از اهالی آذربایجان و اکباتان محسوب می شدند. روایت چنین است که این قدیسان از اهالی مشرق زمین، هم چون پدرانشان در زمینه ستاره شناسی و باورهای بومی آگاهی داشتند. لذا شبانگاهی ستاره ای درخشان در آسمان با تابش همانند خورشید توجه آنها را به خود جلب میکند. تابش چنین ستاره ای در باورهای مردمان آن عصر، نشانگر زاده شدن نوزادی بنام عیسی مسیح به عنوان پادشاه قوم یهود و نیز جانشین هروдіس (هروُدس) ظالم و مستبد خواهد گردید،



پیش بینی شده بود. ناگفته نماند که خود هرودیس در دوران حکمرانی اش همواره از طریق کاهنان و از زبان پیشگویان و درباریان بدنیا آمدن نوزادی پسر از مادری بنام مریم در بیت اللحم آگاهی پیدا کرده بود. بهرحال این قدیسان بعد از مشاهده آن ستاره تابان که راهنما و جلودار بود، بعد از سیر و سفر حدود 200 کیلومتر راه های دشوار و پرخطر و گذشتن از کوههای بلند و صحراهای شن زار وارد اورشلیم میشوند. آنها بعد از استراحت و رفع خستگی به دربار هرودیس راه می یابند آنهم در لباسهای فاخرم چون پوشش پادشاهان. بهمین جهت شاهدان آن عصر بمرور آنها را پادشاه مقدس نام نهادند. بعد از ادای احترام و تعظیم به هرودیس گفتند: ما آمده ایم از راه دور بدیدار نوزادی بنام عیسی مسیح از مادری بنام مریم که در بیت اللحم بدنیا آمده که باو سجده کنیم و هدایایی را به پیشگاه او تقدیم کنیم.

هرودیس پس از آگاه یافتن از حضور آنان و هدف آنها فرمان میدهد که آنها محل زادگاه نوزاد را راهیابی کنند و او را در جریان بگذارند تا او هم بزیارت و دیدار نوزاد جهت ادای احترام بسوی او برود. طبق روایت های مذهبی شبی فرشته ای در خوابگاه مجوسان ظاهر میشود و فرار آنها را از اورشلیم توصیه می نماید تا مورد خشم و انتقامجویی هرودیس قرار نگیرند. از آنجائی که در شهر شایع شده بود که هرودیس قصد کشتن طفل نوزاد را یعنی عیسی مسیح را در سردارد، این خبر سبب میشود که مریم و یوسف شبانه با تفاق نوزاد به مقصد مصر فرار کنند. زمانیکه هرودیس از این وقایع مطلع میشود، فرمان کشتن نوزادان پسر زیر دوسال را صادر میکند. البته تا با امروز هنوز هیچ سند تاریخی و تحقیقی مبنی بر اثبات این کشتار بیرحمانه بروایتی بالغ بر 63000 نوزاد پسر باشد، بدست نیامده است. روایت است چون هرودیس در آن دوران پادشاه ظالمی بشمار میرفت، در زمان حیات، قبل از فرارسیدن مرگ اش فرمان داد که 70 تن از فرزندان درباریان و بزرگان را دستگیر و بزدان انداخته شوند که بعد از مرگ هرودیس قتل عام بشوند. ظاهراً با این پندار و کردار پلید، او میخواست که بازماندگان در اثر از دست دادن فرزندان عزیز خود عزادار بمانند. زیرا هرودیس آرزو نداشت که بعد از مرگ اش همه درشادی و پایکوبی بسر برند. بهر روی این مقدسین بعد از پیمودن راه های زمینی و دریایی به هندوستان راه پیدا میکنند و در آنجا اولین کلیسای مسیحی را بنا میکنند که طرفداران این آیین بتوانند در آن جایگاه به عبادت مشغول شوند. لذا از دیاد روز افزون هواخواهان مسیح در طی قرنهای سبب گردید که این آیین بر اساس

قوانین و تشریفات مذهبی بر پایه های سنت ها و آیین های دیرین دیگر اقوام به دین عیسی مسیح در سطح جهان راه یابد.

یکی از این اقدامات رئسای کلیسای مسیحی نمایانند مجوسان فاخر پوش مذکور در انجیل متی است که بمرور صاحب تاج و تزیینات مجلل و زینت های گرانبها می شوند و بنام سه پادشاه مقدس در جهان مسیحیت معروف میگردند. بدرستی معلوم نیست که «مجوسان» از چه زمانی به سه پادشاه مقدس محدود شده اند. رقم سه در دین مسیح مقدس است و کنایه ای به اناقیم ثلاثه در اناجیل می باشد که عبارت از وحدت اب، ابن و روح القدس است.

در قرن سوم میلادی سه پادشاه مقدس را بعنوان فیلسوفان و ساحران مشرق زمین یاد میکردند. در قرن 6 میلادی اشکال این سه قدیس روی کاشی های الوان بر روی یکی از دیوارهای کلیسای معروف بنام Geburtskirche در بیت اللحم با کلاههای مخصوص ایرانی مربوط بدوران ساسانیان مشاهده میشود. روایت است که این کلیسا در زمان حمله ایرانیان بسال 614 میلادی بدین شهر اصلاً آسیب ندیده و احتمالاً بخاطر ایرانی بودن چهره های روی کاشی مذکور از خرابی این مکان چشم پوشیده اند. ولی در قرن چهاردهم مسیحیان بر این عقیده بودند که چون کره زمین از سه قاره تشکیل شده بنابراین این سه قدیس میتوانند از قاره های اروپا، آسیا و افریقا آمده باشند. بخاطر همین یکی از این سه پادشاه در تابلو سیاه پوست تصویر شده است. در برگزاری مراسم مذهبی هم حضور این سه پادشاه که نماینده و نشانگر سه قاره روی کره زمین است، بخوبی مشاهده میشود. مسیونرهای مذهبی در آفریقا مجسمه مسیح را سیاه و

با موهای مجعد در کلیساهای آفریقایی برای عبادت نو مسیحیان آفریقایی می گذاشتند.

در مورد سه پادشاه مقدس مطالب افسانه آمیز و جالبی موجود است که بیان آن برخی در اینجا شیرین است. سردار غلب خانه های شهر کلن و دیگر شهرهای آلمان، اگر توجه کرده باشید با کچکاری و کنده کاری نوشته هایی ملاحظه میشود. مثل:

$K+B*09, \quad C+M+B, \quad C=Caspar, *20$
 $M=Melchio, B=Balthazar$

دیده میشود. و یا عیسی مسیح باین خانه خیر و برکت بده:

Christus Manisionem Bend cat, C+M+B
نامهای سه پادشاه مقدس بر سر در خانه ها منازل یادگار است از سه تن ایرانی تبار شهیر تاریخ مسیحیت که پادشان همیشه گرمی باد.

جالب توجه آنکه استخوانهای این سه قدیس بعد از قرنهای (اوایل قرن 12 میلادی) در شهر میلان بعنوان غنیمت جنگی توسط فون دوسل به شهر کلن انتقال داده میشود. ولی در سال 1903 اسقف اعظم شهر کلن بخشی از این استخوانها را به اسقف اعظم شهر میلان اهدا میکند. در نتیجه در صندوق طلائی استخوانهای سه پادشاه مقدس در شهر کلن، کامل موجود نیست. و اما نامهای سه پادشاه مقدس که ایرانی تبار هستند:

Kaspar, Melchior, Balthazar
هدایا: ظروف طلا، ظروف کندر، ظرف اسفند، Gold

Weihrauch, Myrrhe
اسامی ایرانی سه پادشاه مقدس:

Lavandad, Hormisdas, Gushnasaph

مجله رنگارنگ همیشه زبانزد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید



عکاس و فیلمبردار

جشن عروسی و میهمانی در سرتا سر اروپا

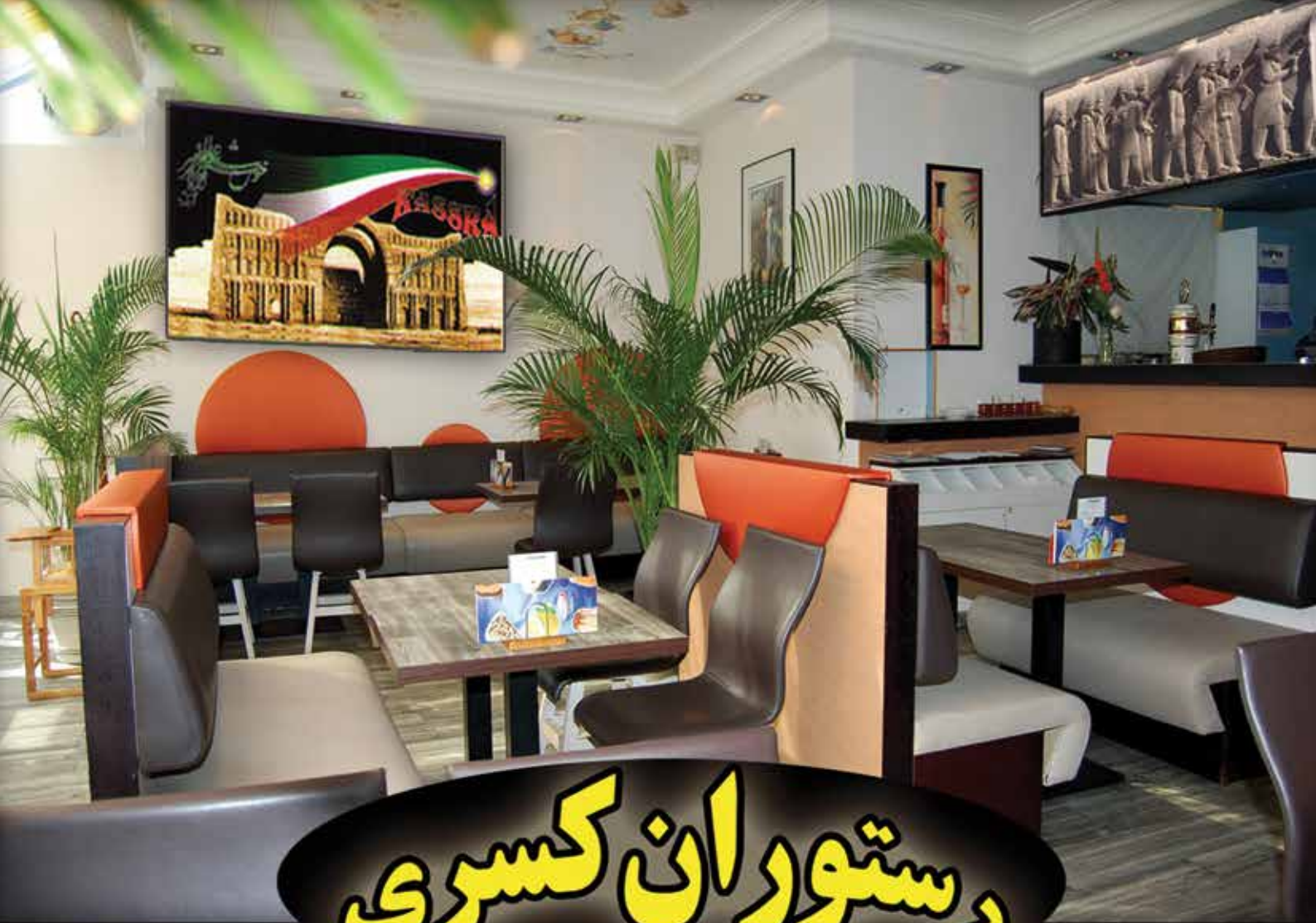
تهیه عکس و فیلم برای شرکت در مسابقات TOP MODEL
عکس آنلاین و پاسپورتی و عکسهای خانوادگی
ترمیم و چاپ عکسهای قدیمی



TAC FILM PRODUCTION

Steindamm 32
20099 Hamburg
Tel.: +49 (40) 34 83 90 89
Mobil: +49176-22 66 02 30

Öffnungszeiten:
Mo - Fr. 10:00-21:00 Uhr
Sa. 10:00-18:00 Uhr
E-mail: tac_film_production@yahoo.de



رستوران کسری

در محیطی گرم و خانوادگی آماده پذیرایی از شما و میهمانانتان می باشد
همچنین سفارشات شما برای منزل و محل کار پذیرفته می شود.

Fire Point
KASSRA
PERSISCHE SPEZIALITÄTEN

6,90 €

جوجه کباب با استخوان و برنج

چلوکباب کوبیده

(2 سیخ کوبیده همراه با برنج و گوجه)

لقمه کباب با برنج

(2 سیخ کباب بوقلمون)

باقالی پلو با ماهیچه

زرشک پلو با ران مرغ

قورمه سبزی

قیمه بادمجان

فسنجان پلو (با مرغ)

سبزی پلو با ماهی

Mittagstisch:

از دوشنبه ها تا جمعه ها

Mo.- Fr.: 12:00 - 16:00

همچنین سفارشات شما برای بردن

همه روزه 12:00 - 22:00



Tel.: 040/24 69 61

Öffnungszeiten: täglich 12:00 bis 23:00

Berlinertordamm 4, 20099 Hamburg U-Bahn Berliner Tor

ماشین جعل و دروغپردازی راه توده و پیک نت



ایرج مصداقی

ماه گذشته سایت پیک نت با انتشار یک خبر جعلی گام جدیدی در راستای مخدوش کردن اسناد کشتار ۶۷ و عوامل دخیل در آن برداشت. این سایت با انتشار نامه‌ای که مدعی بود منبع آن پسری از روحانیون سرشناس جمهوری اسلامی است خبر داد که:

«نقش آقای خمینی در اعدام‌های ۶۷ نه دستور اجرا، بلکه ماله کشیدن روی توطئه فاجعه باری است که حاج احمد، هاشمی و خامنه‌ای و موسوی تبریزی آفرینده آن و یا از آن با اطلاع بودند. خمینی درست وقتی از کل ماجرا خبردار می‌شود که آیت الله اردبیلی داستان فاجعه را برای او تعریف می‌کند. این درحالی بوده که هنوز منتظری نتوانسته بوده از فیلتر حاج احمد رد بشود. در مرحله بعد هاشمی که ادعای بی‌خبری از فاجعه را دارد پیشنهاد لاپوشانی فاجعه و ضرورت حمایت از حاج احمد را میدهد. تا حالا، جز نزدیک ترین افراد به خمینی، کسی نمی‌داند و دقت نکرده که خمینی بعد از آن فاجعه تا آخر عمر با احمد حرف نزد و با او قهر بود. خامنه‌ای، هاشمی و موسوی تبریزی از مطلعین مستقیم همه این ماجرا هستند. حتی خمینی جایی به یک نفر می‌گوید اگر منتظری عقلش برسد بعدها می‌فهمد که من چه لطفی در حقش کردم.»

(نویسنده نامه نه دلیل این جمله آخر به نقل از آقای خمینی و نه تفسیر خود را درباره این جمله نوشته است. استنباط ما از این جمله اینست که آقای خمینی با برکناری منتظری و بازگرداندن او به حوزه علمیه قم، او را از فاجعه دور کرده و اجازه آورده شدن دامن او به این فجایع را نمی‌دهد و او را برای آینده ذخیره می‌کند.)

<http://www.peiknet.com/1387/02BAHMAN/19/PAGE/33AHMAD.htm>

نکته‌ی حائز اهمیت آن که جریان مشکوک «پیک نت» تلاش می‌کند نقش «امام خمینی رهبر ضدامپریالیستی حزب توده» در فاجعه‌ی کشتار ۶۷ را انکار کرده و به تن موسوی اردبیلی قاضی‌القضات رژیم و یکی دیگر از جانیان نیز لباس عافیت بپوشاند. این سیاه‌کاری‌ها در حالیتی که آیت‌الله منتظری در خاطرات خود به نقش موسوی اردبیلی در این کشتار اشاره

کرده و متن نامه نگاری بین موسوی اردبیلی و احمد خمینی و شخص خمینی را افشا کرده است.

سایت پیک نت تا آن‌جا پیش می‌رود که به شکلی شریبانه چهره‌ی معصومان‌های به خمینی داده و مدعی می‌شود وی به خاطر مخالفت با کشتار زندانیان با تنها پسرش احمد که نزدیک‌ترین و مورد اعتمادترین فرد به او بود هم قهر کرده و تا دم مرگ صحبت نمی‌کند!

انتشار اخبار و اسناد غیرواقعی نتیجه‌ای به جز مخدوش کردن این کشتار و مشکل شدن تمیز سره از ناسره ندارد. به این ترتیب همه چیز در هاله‌ای از ابهام و تردید فرو می‌رود. این چیزی است که هدف اولیه دستگاه امنیتی رژیم نیز هست.

همچنین این سایت با نشر اخبار جعلی تلاش می‌کند برکناری آیت‌الله منتظری از قائم مقامی رهبری و خانه‌نشین کردن او را به تلاش خمینی برای حفظ وجاهت آیت‌الله منتظری مربوط کند! در حالی که بزرگترین گناه آیت‌الله منتظری در نظر خمینی، مخالفت با کشتار ۶۷ و پیش از آن تلاش برای بهبود وضعیت زندان‌ها و زندانیان سیاسی بود.

نکته‌ی حائز اهمیت آن که در اخبار جعلی پیک نت یکی از برنامه‌ریزان کشتار ۶۷ موسوی تبریزی معرفی می‌شود که سال‌ها بود از حلقه قدرت کنار گذاشته شده بود و هیچ پست قضایی و سیاسی در دوران کشتار نداشت. موسوی تبریزی در انتخابات دوره سوم مجلس شورای اسلامی در بهار ۶۷ دوباره به عنوان نماینده به مجلس راه یافت.

از این خبر گذشته سایت راه توده که دارای آبشخوری مشابه پیک نت است با جعل خبر دیگری در راستای اهداف فوق عمل کرد. این سایت با انتشار عکسی مدعی شد که صاحب عکس سردار مصطفی آجرلو است که در کنار کیانوری در زندان اوین ایستاده است. همین سایت پیش از این مدعی شده که فرد مزبور مجتبی حلوایی تیرخلاص زن و معاون امنیتی زندان اوین است. برای این که تضاد داستان‌های جعلی‌شان را بپوشانند مدعی شدند که مصطفی آجرلو همان مجتبی حلوایی است! در حالی که این دو هیچ ربطی به هم ندارند و دو شخصیت جدا از هم می‌باشند. خوشبختانه از دو سال پیش تاکنون علیرغم اصرار راه توده و پیک نت هیچ‌یک از گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی در دام آن‌ها نیفتاده و به اخبار جعلی این سایت اشاره‌ای نکرده‌اند.

به جملیات راه توده که در پیک نت نیز به آن‌ها اشاره شده توجه کنید:

«مجتبی حلوایی» دیروز- سردار «آجرلو» امروز

یکی از خوانندگان راه توده از ما پرسیده است چرا افشای چهره واقعی سردار آجرلو را رها کرده اید. نباید اجازه داد یاد و نقش امثال او که بزرگترین جنایات را در دهه ۶۰ در زندان اوین و زندان توحید از خود به یادگار گذاشته‌اند، طی

زمان فراموش شود.

اشاره این خواننده به مطلبی است که راه توده در تیرماه ۱۳۸۶ در باره نام و هویت کنونی سردار مصطفی آجرلو و همچنین نام واقعی و هویت او در دهه ۶۰ نفت (گفت) و عکس‌های او را نیز منتشر کرد.

این واقعیت است که جوان‌های صحنه ورزش - بویژه فوتبال - او را نمی‌شناسند و خود او نیز چنان چهره مظلوم و کم‌سخنی از خود به نمایش گذاشته که بدشواری می‌توانند گذشته او را تصور کنند. جوان‌های ۱۷-۲۰ ساله امروز ایران او را بعنوان یک پیشکسوت ورزش می‌شناسند و نه بیشتر!

اما این سردار آجرلو، همان مجتبی حلوایی دهه ۶۰ اوین و از مجریان اعدام‌های قتل عام سیاسی سال ۱۳۶۷ است. در کتاب‌های خاطراتی که زندانیان آن دهه نوشته و منتشر کرده‌اند، اغلب به نام و نقش خونریز او در زندان اوین اشاره شده است. حاج مجتبی حلوایی مأمور میدان تیرباران اوین بود و تیرخلاص می‌زد. هم در کتاب خانم ماهباز که اخیراً منتشر شده و هم در مصاحبه پاسداری که از شهر قم تلفنی با سعید قائم مقامی در رادیو ایران مصاحبه کرده، گوشه‌هایی از نقش مجتبی حلوایی طرح شده است. بعد از دهه ۶۰ و پس از ترور اسدالله لاجوردی، مجتبی حلوایی که از بچه‌لات‌های بدنام خیابان گروگان تهران بود و لاجوردی او را با خود به دادستانی اوین برده بود، از اوین بیرون آمده و به پاس جنایاتی که کرده بود به درجه سرداری نائل آمده و سپس وارد دستگاه ورزش کشور شد. شناسنامه جدیدی با نام جدید برای او صادر کردند و شد مصطفی آجرلو!

آنچه که باعث شده تا او نتواند خود را پنهان کند، یگانه عکسی است که در جریان بازدید نماینده وقت حقوق بشر سازمان ملل، یعنی «گالیندویل» از زندان اوین و دیدار با نورالدین کیانوری از او گرفته شده و در یکی از روزنامه‌های چاپ فرانسه منتشر شد. یعنی همین عکسی که راه توده تاکنون بارها آن را منتشر کرده است. در این شماره نیز عکس سردار مجتبی حلوایی (مصطفی آجرلو) را در دو زمان می‌بینید. یکبار بالای سر کیانوری [سمت راست] در زندان اوین و یکبار در مصاحبه‌ای که خبرگزاری فارس در سال ۱۳۸۶ از او منتشر کرد.

مصاحبه‌ای در باره خرید زمین برای باشگاه پرسپولیس. در سال ۸۶ حاج مجتبی حلوایی، یا سردار مصطفی آجرلو ریاست سازمان ورزشی شهرداری تهران را برعهده داشت.

از همه کسانی که این متن را می‌خوانند و از موقعیت کنونی سردار آجرلو با اطلاع هستند می‌خواهیم تا اطلاعات خود را برای انتشار در اختیار راه توده قرار دهند. اگر قاتلین دکتر سامی نباید فراموش شوند، قاتلینی نظیر آجرلو یا حلوایی (نفر ایستاده سمت راست، بالای سر کیانوری در اوین) نیز نباید در پست صحنه پنهان بمانند!

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/Sarmaghaleh-vasat/>



(ایپتا)

۱۳۸۴-۱۳۸۲: مدیر مسئول روزنامه پاس جوان

۱۳۸۶-۱۳۸۴: رئیس سازمان ورزش شهرداری تهران

۱۳۸۶-۱۳۸۴: مدیرعامل شرکت شهر ورزش

چنانچه ملاحظه می‌کنید آجرلو در سال‌های ۶۰ تا ۶۸ مسئولیت آموزش لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله یکی از مهم‌ترین لشکرهای سپاه پاسداران را به عهده داشت و حضوری در زندان اوین نداشت. آجرلو به عنوان سهمیه «رزمندگان» هم که شده وارد دانشگاه و فارغ‌التحصیل شده است. در حالی که مجتبی حلوائی از سوادیه ابتدایی برخوردار بود. به لحاظ قیافه نیز کوچکترین شباهتی بین مجتبی حلوائی و مصطفی آجرلو نیست.

از این ها گذشته «راه توده» برای مستند کردن هرچه بیشتر جعلیاتش به نوشته‌ی غفت ماهباز و پاسداری که از شهر قم تلفنی با سعید قائم مقامی در رادیو ایران لس‌آنجلس مصاحبه کرده بود نیز اشاره می‌کند. در جلد یک کتاب خاطراتم به مصاحبه‌ی جعلی «پاسداری که از شهر قم» با رادیو ایران تماس گرفته بود، اشاره کرده و در مورد جعلیات مزبور به قدر کافی توضیح داده‌ام. اطلاعات ارائه شده از سوی غفت ماهباز (۱) هم ربطی به جعلیات راه توده مبنی بر این که مجتبی حلوائی همان مصطفی آجرلو است ندارد و فقط برای بازارگرایی مطرح شده است.

ایرج مصداقی ۲۷ اسفند ۱۳۸۷

پانویس:

۱- اتفاقاً از نظر من خانم غفت ماهباز منبع موثق و دقیقی در ارتباط با عوامل رژیم نیست. برای نمونه اطلاعات ارائه شده توسط غفت ماهباز در کنفرانس بنیاد پژوهش‌های زنان ایران که تحت عنوان «زن ایرانی و حقوق بشر» در سیاتل آمریکا برگزار شد نادرست است. نشریه کار «اکثریت» ضمن معرفی غفت ماهباز به عنوان یکی از اعضای شورای مرکزی سازمان اکثریت مشروح سخنانی او را در نشریه کار شماره‌ی ۱۳۸ ارگان مرکزی این سازمان به تاریخ ۳ مرداد

باشد.

با این حال تردیدی نیست که نه تنها مجتبی حلوائی و سردار مصطفی آجرلو یک نفر نیستند بلکه هیچ ربطی هم بین این دو نیست!

جدا از عکس منتشر شده، دیگر اخبار «راه توده» در مورد مجتبی حلوائی نیز نادرست است. او بچه‌ی خیابان‌گرگان تهران نیست. همچنین در پاییز ۶۷ زندان اوین را ترک کرد نه بعد از هلاکت لاجوردی چنانکه راه توده خبر داده است. لاجوردی در تابستان ۷۷ یعنی دهسال بعد از آن‌که مجتبی حلوائی اوین را ترک کرد کشته شد.

گالیندویل برای اولین بار در زمستان ۶۸ از زندان اوین دیدار کرد. آن موقع پیش از یکسال بود که دیگر مجتبی حلوائی در اوین نبود. چهره‌ی کیانوری هنگام بازدید گالیندویل از ایران در سال ۶۸ پیرتر از چهره‌ای است که در عکس مزبور دیده می‌شود. از این‌ها گذشته کیانوری به هنگام دیدار گالیندویل از ایران، دارای ریش نبود. من روز قبل و روز بعد از دیدار گالیندویل از زندان اوین کیانوری را از نزدیک دیدم. او به همراه ۴ نفر دیگر در بند روبروی ما به سر می‌برد و اتفاقاً در هواخوری تلاش کرد با من شوخی هم بکند. عکس مزبور متعلق به سال ۶۲ و اولین ماه‌های دستگیری کیانوری است.

کسانی که کوچکترین اطلاعی راجع به گذشته «سردار» مصطفی آجرلو دارند می‌دانند که او عضو سپاه پاسداران بود و در زندان اوین حضور نداشت. این نامی نیست که او به تازگی بر خود گذاشته باشد، آن‌هایی که وی را از نزدیک می‌شناسند می‌دانند که این نام آبا و اجدادی اوست. چنانکه نام مجتبی حلوائی عسگر نیز نام اصلی فرد دیگری است. هیچ تغییر نام و یا نام مستعاری در کار نیست، تنها ماشین جعل و دروغ و فریب راه توده و پیک نت به کار افتاده است.

مصطفی آجرلو؛ متولد ۱۳۳۹ - متأهل - دارای دو فرزند.

۱- تحصیلات:

۱۳۷۲: لیسانس مدیریت از دانشگاه تهران

۱۳۷۵: فوق‌لیسانس مدیریت از دانشگاه تهران

۱۳۷۶: لیسانس نظامی

۱۳۸۰: فوق‌لیسانس مدیریت امور دفاعی

۱۳۸۶: دانشجو (دانش‌پژوهی) دکترای مدیریت در دانشگاه امام حسین(ع)

۲- سوابق شغلی:

۱۳۶۸-۱۳۶۰: معاونت تربیت‌بدنی سپاه پاسداران

۱۳۸۴-۱۳۷۰: رئیس هیأت فوتبال نیروهای مسلح

۱۳۷۷-۱۳۷۴: عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع)

۱۳۷۷-۱۳۷۵: مدیرعامل باشگاه مقاومت

۱۳۷۸-۱۳۷۷: مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی فتح

۱۳۸۰-۱۳۷۷: نایب‌رئیس اتحادیه فوتبال

۱۳۸۴-۱۳۷۹: مدیرعامل باشگاه فرهنگی ورزشی پاس

۱۳۸۴-۱۳۷۹: مدیرکل تربیت‌بدنی نیروی انتظامی

۱۳۸۲-۱۳۸۰: دبیرکل اتحادیه فوتبال

۱۳۸۴-۱۳۸۱: رئیس هیأت‌مدیره خبرگزاری ورزش ایران

این به اصطلاح افشاگری جعلی برای اولین بار دو سال پیش از طرف راه توده مطرح شد و دوباره در سال ۲۰۰۷ با عنوان زیر آن را انتشار دادند تا بلکه خریداری برای آن پیدا شود:

«مجتبی حلوائی

حالا، سردار «آجرلو»

رئیس باشگاه پاس شده

از سه منبع داخل کشور، اطلاعاتی درباره نام امروز حاج مجتبی حلوائی، از عاملین مستقیم قتل عام زندانیان سیاسی در زندان اوین دریافت داشته‌ایم. این اطلاعات همگی تأیید می‌کند که مجتبی حلوائی اکنون سالهاست که با نام «آجرلو» و بعنوان یکی از سرداران سپاه مدیرعامل باشگاه پاس است.»

<http://www.rahetudeh.com/rahetude/Nameha-Nazarat/HTML/2007/sehmahesewom/pasokhha-30-07.html>

و امسال برای سومین بار «راه توده» با بهانه‌ای جدید اقدام به انتشار خبر قبلی کرد. در این بین بارها خبر فوق را نیز در سایت بالاترین و ... انتشار دادند.

از آنجایی که افراد مختلف در این مورد از من سؤال کرده‌اند، به منظور روشننگری در مورد گذشته‌ی این دو نفر و سیاه‌کاری سایت «پیک نت» و «راه توده» اشاره‌ی گذرایی به گذشته این دو نفر می‌کنم. اما قبل از این که وارد بحث شوم بایستی تأکید کنم که عکس انتشار یافته از سوی راه توده متعلق به مجتبی حلوائی عسگر نیست و هیچ شباهتی هم به او ندارد. من صاحب عکس را نمی‌شناسم اما تردیدی ندارم که فرد یاد شده نه مصطفی آجرلو است و نه مجتبی حلوائی عسگر که من هر دو را به خوبی می‌شناسم.

مجتبی حلوائی عسگر حداقل از سال ۵۹ در زندان اوین مشغول به کار بود و در سال‌های سیاه اولیه دهه‌ی ۶۰ یکی از تیر خلاص زن‌ها و پاسداران اوین بود. وی بعد از برکناری لاجوردی از دادستانی انقلاب اسلامی در سال ۶۳ و در دوران ریاست فکور بر زندان اوین به معاونت امنیتی و انتظامی زندان اوین ارتقا یافت. وی از تحصیلات متوسطه نیز برخوردار نبود. او در حالی که نقش عمده‌ای در کشتار زندانیان سیاسی داشت اما پس از پایان کشتار ۶۷ زندان اوین را برای همیشه ترک کرد. او پس از ترک اوین مدتی بیکار بود و از وضعیت مالی نامناسبی هم برخوردار بود. در پاییز ۷۰ بر بنیاد ۱۵ خرداد تحت مدیریت شیخ حسن صانعی مشغول به کار شد. او در پروژه‌ی سدسازی بنیاد ۱۵ خرداد در نزدیکی قم به فعالیت پرداخت. بر اساس شنیده‌هایم سپس مدتی در جای جهان دارای مسئولیت شد. گفته می‌شود در حال حاضر نائب رئیس اتحادیه اتومبیل‌های کرایه است. در آدرس‌های زیر می‌توانید مصاحبه‌های او را در مقام نائب رئیس اتحادیه اتومبیل‌های کرایه ملاحظه کنید:

<http://www.hamshahrionline.ir/hamnews/1384/840808/Irshahr/>

dakhl.htm

http://www.aftab.ir/news/2005/nov/17/c2c1132228413_economy_

marketing_business_job.php

از آنجایی که خود در زمان مذکور در ایران نبوده‌ام نمی‌توانم با ضرس قاطع بگویم که این فرد همان مجتبی حلوائی معروف است. این احتمال هست که موضوع تشابه اسمی

پیام نوروزی اوباما و دم خروس لابی رژیم ایران

معنا نیست که وی از دموکراتیزاسیون در ایران دفاع نمی کند ولی اوباما دولت ایران را به رسمیت می شناسد.

اگر منظور تربیت پاریسی برای خوانندگان کاملاً مفهوم نیست، بهتر است به اظهارات فریده فرهی، عضو شورای مشاوران نایاک که مقاله ای در سایت این شورا نوشته شده نگاه کنیم که بطور شفاف تر منظور خود را بیان میکند: ۲:

”پیام پرزیدنت اوباما از چند نظر فوق العاده است. اولاً ایشان برخلاف روسای جمهور سابق آمریکا سعی نکرد تا بین مردم و دولت ایران جدائی بیندازد. او بطور صریح با ”مردم و دولت ایران“ سخن گفت و بدین ترتیب تاریخ و فرهنگ مشترک آنها را به رسمیت شناخت. اوباما به اینگونه سخنان که ”ما عاشق مردم ایرانیم ولی از دولت ایران بیزاریم“ که مرتب توسط بوش گفته میشد، متوسل نشد.“

البته فریده فرهی از همه جای پیام اوباما راضی نیست و اشاره ضمنی رئیس جمهور آمریکا به رفتار تروریستی سی ساله ملایان را توهین آمیز میدانند:

”آن بخش از پیام اوباما که به ”حق مشروع ایران در جامعه ملل و مسئولیت ایران در دوری جستن از ترور و سلاح و دنبال کردن مسیری صلح آمیز برای نشان دادن بزرگی مردم و تمدن ایران“ اشاره کرد را اگر توهین آمیز قلمداد نکنیم؛ از موضع پدرسالارانه بود.“

حال که از نایاک سخن بمیان آمد، بهتر است از لابی ضد جنگ و تحریم ملایان بنام ”کاسمی“ نیز یاد کنیم. فیل ویلایتو، عضو مدیریت ”کاسمی“ که سینه چاکی وی برای رژیم ایران را در گزارشات قبلی مشاهده کرده ایم می نویسد: ۳:

”پیام پرزیدنت اوباما از چند نظر بسیار نو و تازه بود. اولاً برخلاف بوش که میخواست از بالای سر حکومت ایران ببرد و با مردم ایران سخن گوید، اوباما بطور روشن با مردم و دولتشان با هم صحبت کرد. وی از نام جمهوری اسلامی نیز استفاده کرد که بطور ضمنی یعنی ما مشروعیت شما را برسمیت می شناسیم. اوباما اظهار داشت که ”ما میخواهیم که ایران جایگاه خود در میان دیگر ملل را که مستحق وی است بدست آورد.“ اوباما از حقوق مشروع دولت ایران سخن گفت.“

گذشته از مقالات و مصاحبه های پی در پی، لابی ملایان بدنبال طومار و جمع آوری امضا نیز هست تا با یک تیر دو نشان بزند. هم این شادی و شعف را بعنوان یک جشن ملی قالب کند و هم آنکه به کاخ سفید پیام بفرستد که مبدا از اظهارات رهبر جمهوری اسلامی دلسرد شده

ایران، دست دوستی بطرف کسانی دراز کرده که نابود کننده همین فرهنگ و سرکوب کننده همین مردم ایران هستند.

این افراد بحق گله میکنند که شعر بنی آدم اعضای یکدیگرند که اوباما خواند، بخش دومی نیز دارد و آن ”چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار“ است. از نظر ایرانیان، عضو دیگری که دچار درد و رنج است همان مردم ایران اند و جامعه بین المللی باید به داد این مردم برسد نه آنکه جایگاه مشروع حکومت آخوندی را برسمیت بشناسد. این دسته از هموطنان، پیام اوباما را اینطور خلاصه میکنند: مردم ایران و فرهنگ ایرانی از افتخارات بشریت اند اما اگر آخوندها از بمب اتم دست بردارند و آشوب در فلسطین را متوقف نموده و به گروههای تروریستی نیز کمک نکنند، آتوق آمریکا و دوستان اورپائی اش تضمین میدهند که کاری به کار این ملایان نداشته و آنها میتوانند با خیال راحت بازهم دمار از روزگار همین ایرانیان عزیز و این فرهنگ افتخارآفرین شان درآورند.

گفتنی است که پیام اوباما، نسخه دیگری از پیام ۹ سال پیش مادلین آلبرایت بود که بمناسبت نوروز و در محل شورای وابسته به هوشنگ امیر احمدی ایراد نمود. در آن سخنرانی، آلبرایت بخاطر کودتای بیست و هشتم مرداد عذرخواهی نمود و بلافاصله دست دوستی بطرف شخص خامنه ای دراز کرد. آندفعه نیز بسیاری از ایرانیان بدرستی گله کردند که یک عذرخواهی واقعی و از صمیم قلب، بایستی همراه با پیام دوستی با ملت ایران باشد نه تقاضای رفاقت از آخوندهائیکه خود شریک آمریکا در کودتای یاد شده بودند.

اما جالب ترین عکس العمل به پیام اوباما از طرف هواداران سینه چاک حکومت آخوندی و لابی طرفدار آن است. این افراد درست بهمین دلیل که اوباما مردم ایران و حکومت آخوندی را در یک کیسه ریخته و رژیم ملایان را به رسمیت شناخته و برای آنها حق مشروع نیز در نظر گرفته، از شعف و شادی در پوست خود نمی گنجند. به ادعای لابی طرفدار رژیم ایران، این موضوع که اوباما بین مردم و حکومت فاصله نینداخته بتوبه خود یک پیروزی تاریخی است. تربیت پاریسی رئیس انجمن نایاک میگوید: ۱:

”پیام اوباما (یک واقعه) عظیم است. اولاً باین خاطر که اوباما مردم ایران و دولت را یکجا مورد خطاب قرار داده است. در یک نقطه، وی از جمهوری اسلامی صحبت میکند. منظورش این است که وی دنبال تغییر رژیم نیست. وی سیستم حکومتی ایران را به رسمیت می شناسد. ما قبلاً مرتب از رایس و بوش می شنیدیم ”رژیم ایران“ ولی نوع خطاب اوباما متفاوت است. البته به این



حسن داعی

پیام نوروزی باراک اوباما بازتاب گسترده ای در میان ایرانیان، در داخل و خارج از کشور داشته است. دسته ای از هموطنان، از احترامی که اوباما به فرهنگ ایرانیان گذاشته، غرق در شادی گشته و آنرا مرهمی بر غرور سرکوب شده خود میدانند. برای ملتی که سی سال مورد تحقیر حکومت آخوندی قرار گرفته و فرهنگ و آداب و رسومش مورد توهین مستمر بوده، پیام اوباما تسکین دهنده این زخم کهنه و درد آور است.

برای ایرانیان خارج از کشور، این پیام و اشاره اوباما به فرهنگ ایرانی و موفقیت ایرانیان، یک نیاز مبرم و ضروری نیز هست. همانطور که میدانیم، به برکت رژیم آخوندی و رفتار قرون وسطائی اش، نام ایرانی یا داشتن پاسپورت ایرانی، ثمری بجز حقارت و دردسر بیشتر نداشته است. اگر در نظر بگیریم که این حکومت تحت نام ایران در قرن بیست و یکم سنگسار میکند، همجنس گرا دار میزند، جنایات ۷۰ سال پیش هیتلر را پاک میکند، حقوق زنان را یکی پس از دیگری پس میگیرد، با جراثقال دار میزند، چشم در میآورد و دست و پا قطع میکند، از آرژانتین تا فلسطین شریک بمب گذاری و آشوب است، اولین کشور در اعدام نوجوانان و دومین کشور در تعداد اعدام هاست، موجودیت یک کشور دیگر را بطور درست انکار میکند، تنها کشوری است که برای همدردی به دیدار جلاجل سودان میروند و ایران را پناهگاه تروریست ها، تونازی ها و همه خلافکاران بین المللی کرده است، آتوق میتوان باسانی فهمید که چه بلائی بر سر نام و حیثیت ایرانیان آورده است.

اما دسته ای دیگر از هموطنان، از پیام اوباما متأثر شده و آنرا یک نوع توهین به فرهنگ و مردم ایران قلمداد میکنند. این بخش از جامعه ایرانی، بدرستی اعتقاد دارند که پیام اوباما، مردم ایران و سران حکومت آخوندی را یکسان قلمداد کرده و پس از احترام به فرهنگ و مردم

آمریکا بخورد هموطنان دادند. به ترجمه مقاله واشنگتن پست در یکی از روزنامه های حکومتی نگاه کنیم: ۵

”اعتراض ایرانیان مقیم آمریکا به برخورد خصمانه با احمدی نژاد“

برخی ایرانیان مقیم واشنگتن نسبت به برخورد خصمانه آمریکایی ها با رئیس جمهوری اسلامی ایران در جریان دیدار وی از ایالات متحده اعتراض کردند. به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روزنامه واشنگتن پست، ”احمد کریمی حکاک“ مدیر مرکز مطالعات فارسی در دانشگاه ماری لند گفت: ”احمدی نژاد یک دیکتاتور نیست؛ او نمی تواند چیزی را دیکته کند.“ رئیس دانشگاه کلمبیا روز گذشته در معرفی توهین آمیز خود ادعا کرده بود که احمدی نژاد یک دیکتاتور است.

”تریتا پارسی“ رئیس شورای ملی ایران و آمریکا در واشنگتن گفت که فضای خصمانه ایجاد شده در دیدار احمدی نژاد بسیار زیان بخش بوده است. وی افزود: ما باید با ایران در مسائل جدی گفتگو کنیم.“

دانیل پورخصالی، از اعضای مدیریت نایاک و کاسمی، از اینهم جلوتر رفته و در مقاله ای که نوشت، رفتار توهین آمیز با ”رئیس جمهور مظلوم ایران“ را به رفتار سفید پوستان نژاد پرست آمریکا با سیاهانی تشبیه کرد که تنها بجرم سیاه بودن بدار کشیده می شدند یا در آتش نفرت آنان می سوختند. پورخصالی برای آنکه تردیدی در منظور خود نداشته باشد، یک عکس قدیمی از یک سیاه در حال دار زده شدن را نیز به مقاله وزن خود افزوده بود. ۶

حال اگر ناراحتی دو سال پیش این افراد را با خوشحالی امروزشان کنار هم بگذاریم، با ماهیت وطن پرستی و ایراندوستی آنان آشنا می شویم. باید اضافه کرد که هیچکدام از این شواهد تبلیغاتی درمان دردهای این حکومت نیست. جواب منفی ملایان به ژست های حسن نیت آمریکا سرآغاز دوران جدیدی است که در آن، آمریکا چاره ای مگر قرار گرفتن در کنار مردم ایران نخواهد داشت.



The lynching of Henry Smith in Paris, Texas 1893

و اینگونه ژست های آخوند پسند را در همینجا متوقف کنید.

بهمان اندازه که این افراد از ژست های حسن نیت به حکومت آخوندی خوشحال میشوند، بهمان اندازه نیز از توهین به این رژیم و سران آن ناراحت شده و در غم و اندوه فرو میروند. برای مثال، کافی است به سفر دو سال پیش احمدی نژاد به آمریکا و بی آبروگی وی در دانشگاه کلمبیا نگاه کنیم. اگر یادمان باشد، قبل از سخنرانی رئیس جمهور آخوندی، دکتر بولینجر، رئیس شریف دانشگاه، بخود جرئت داد و بخش کوچکی از جنایات این حکومت قرون وسطائی را در معرض قضاوت افکار عمومی قرار داد.

این حرکت از طرف لابی طرفدار حکومت بعنوان توهینی نابخشودنی قلمداد شد و بصورتی سراسیمه وارد صحنه شدند تا از مشروعیت نظام آخوندی دفاع کنند. رابین رایت، خبرنگار ”ایراندوست“ واشنگتن پست، به سراع چند نفر از وابستگان شورای نایاک رفت و مقاله ای باین عنوان نوشت: ”ایرانیان واشنگتن از رفتاری که با احمدی نژاد شده گله دارند.“ این مقاله که بلافاصله در سایت نایاک منتشر شد، ۴ بازتاب بسیار مناسبی نیز در مطبوعات حکومتی ایران داشت که آنرا بعنوان نظر ایرانیان مقیم

...بقیه از صفحه ۴۵

۱۳۷۵ درج کرد.

عفت ماهباز در مورد اعضای هیئت کشتار سال ۶۷ در این کنفرانس میگوید: « در رأس این دادگاهها نیری، اشراقی (داماد خمینی) و رازینی قرار داشتند. سرلک و مجتبی حلوایی دو شکنجهگر معروف نیز در آن حضور داشتند» (نشریه کار ۱۳۸ صفحه ۸)

البته اینها اسامی است که قبلاً بارها توسط «راه توده» و «پیک نت» به غلط در مورد اعضای هیئت کشتار ۶۷ مطرح شده بود. این در حالی است که حکم خمینی موجود است و اسامی هیئت کشتار به روشنی در آن آمده، آیتالله منتظری روی آن تأکید کرده، با آنها نامه نگاری داشته و به حضور پذیرفته شان.

بعد از توضیحات من راجع به نام کوچک نیری و این که شهابالدین اشراقی داماد خمینی در سال ۶۰ فوت کرده بود و نمی توانست در رأس دادگاههای سال ۶۷ باشد و رازینی نقشی در این دادگاهها نداشت؛ عفت ماهباز بدون اشاره به نوشته های من، در کتاب خاطراتش و مطالبی که از او روی سایت های اینترنتی انتشار یافت اسامی اعضای هیأت کشتار سال ۶۷ را تغییر داده و این بار اشتباه دیگری را مرتکب شد. او می نویسد:

« دور اتاق را نگاه کردم. پنج نفر در اتاق بودند. قبل از همه مجتبی حلوایی را با کابلی که در دستش بود، دیدم. بعد حسینعلی نیری (رئیس حاکم های شرع اوین)، مرتضی

اشراقی (دادستان انقلاب و رئیس معاون دادستان)، سرلک، (پورمحمدی) (دستیار مجتبی حلوایی، نماینده اطلاعات) بود. آنها دورتا دور اتاق نشسته بودند. »

www.peiknet.com/1387/02BAHMAN/14/PAGE/32MAHBAZ.htm

<http://www.bidaran.net/spip.php?article158>

از این ها گذشته نام سرلک قبل از پورمحمدی عضو اصلی دادگاه آمده است! سرلک در دادگاههای ۶۷ حضور نداشت و نمی توانست داشته باشد. او یک بسیجی بود که در سال ۵۹ به اتهام قتل در لرستان دستگیر شده بود و برای آنکه آبها از آسیاب بیافتد به تهران و اوین منتقل شده بود. بعدها پاسدار شده بود و در زدن تیر خلاص و جنازه کشی و شکنجه زندانیان و ... مشارکت داشت. در سالهای ۶۲ به بعد مدتی در بخش فرهنگی زندان کار می کرد و روزنامه پخش می کرد. او موقعیتی نداشت که در دادگاههای سال ۶۷ و در ردیف دیگر جنایتکاران باشد. حداکثر می توانستند کابلی به دست او بدهند که زندانی را مورد ضرب و شتم قرار دهد و یا طناب به گردن زندانیان ببانند.

از این ها گذشته نام سرلک قبل از پورمحمدی عضو اصلی دادگاه آمده است! سرلک در دادگاههای ۶۷ حضور نداشت و نمی توانست داشته باشد. او یک بسیجی بود که در سال ۵۹ به اتهام قتل در لرستان دستگیر شده بود و برای آنکه آبها از آسیاب بیافتد به تهران و اوین منتقل شده بود. بعدها پاسدار شده بود و در زدن تیر خلاص و جنازه کشی و شکنجه زندانیان و ... مشارکت داشت. در سالهای ۶۲ به بعد مدتی در بخش فرهنگی زندان کار می کرد و روزنامه پخش می کرد. او موقعیتی نداشت که در دادگاههای سال ۶۷ و در ردیف دیگر جنایتکاران باشد. حداکثر می توانستند کابلی به دست او بدهند که زندانی را مورد ضرب و شتم قرار دهد و یا طناب به گردن زندانیان ببانند.

راه توده و پیک نت در پانویس مطلب عفت ماهباز نیز اطلاعات غلطی را اضافه کرده و مدعی می شوند که اشراقی دادستان انقلاب در سال ۶۷ فوت کرده است! در حالی که او زنده است و دارای دفتر وکالت در خیابان ویلا نبش سپند است و یکی از در همان حال یکی از رؤسای شعب دیوان عالی کشور نیز است.

در این نوشته عفت ماهباز نام کوچک نیری را که در تحقیق من خوانده بود آورده و دیگر صحبتی از اشراقی داماد خمینی نمی کند و به درستی به نام مرتضی اشراقی دادستان انقلاب که در نوشته قبلی داماد خمینی معرفی اش کرده بود، اشاره می کند.

در نوشته ی قبلی حرفی از رئیس معاون اشراقی نبود، در این نوشته بر اساس مطالب انتشار یافته، نام او نیز اضافه می شود و نام رازینی که در مطالب قبلی آمده بود بدون هیچ توضیحی حذف می شود! شوربخانه این که مصطفی پورمحمدی یکی از سه عضو اصلی هیئت کشتار ۶۷ که در روایت قبلی عفت ماهباز جایی نداشت این بار به عنوان دستیار مجتبی حلوایی نماینده وزارت اطلاعات مطرح می شود!

مجتبی حلوایی یک پاسدار جنایتکار بود که از او به عنوان بازوی اجرایی و عامل سرکوب و شکنجه در زندان استفاده می شد و وقتی تاریخ مصرفش گذشت به سادگی راه خروج از اوین را نشان دادند. در حالیکه مصطفی پورمحمدی آخوند و یکی از صاحب منصبان، اطلاعاتی و قضایی رژیم

بوی خوش عشق را با خانه تکانی درون استشمام کنید

بدی و کینه، عشق را در درون خود پرورش می‌دهید و به دیگران ارزانی می‌کنید و از این طریق همه می‌توانند بوی خوش عشق را حس کنند و دنیای درون و بیرون خود را زیباتر و شفافتر ببینند.

باید به خاطر داشته باشیم که این احساسات زیبا را در خود گسترده کنیم و در حد یک شعار نباشد که فقط مطرح شود بلکه به تک تک آنها عمل کنیم. و آنوقت هست که باید گفت: چه زیباست زندگی با این همه جلوه‌های قشنگ و باشکوه.

و شنیدن صدای پرواز پروانه‌های عاشق و چهچه قناری‌های زرد، صدای باز شدن پنجره‌های امید و شوق گرمای بهاری دلها، صدای خنده طبیعت و زمزمه شکوفه‌ها و نجوای عاشقانه درختا، صدای طپش قلب درختها و صدای نفس کشیدن خاک، دنیا پر از زیبایی هست چشمانمان را به سادگی نبیندیم و با طبیعت مهربان باشیم و زندگی آسان است آن را مشکل نکنیم. صحبت کردن خیلی آسان است گوش کردن را تمرین کنیم. داشتن و نگهداری دوستان خوب نعمت است سعی کنیم آنها را از خود نرنجانیم. راه هموار را پیچیده نکنیم، برقراری ارتباط سالم و عشق برتر با پستی و بلندی‌های زیادی همراه است زمانی که بتوانیم بر این مشکلات غلبه کنیم، قادر خواهیم بود در کنار یکدیگر در محیطی مملو از عشق و محبت رشد نموده و به تکامل برسیم.

روح انسان همچون باغ است اگر بخواهیم رشد شگفت انگیز این باغ را ببینیم، باید هر روز به آن رسیدگی کنیم و چیزهای زائد را قطع کنیم.

با امید اینکه هیچگاه گرد و غباری به روی روح و روان پاک شما ننشیند و یا لاقط آنقدر عمیق نباشد که بتوانید خیلی زود آن را پاک کنید که هم شما و هم اطرافیان لذت ببرند و عشق را در برق و جرقه چشمان شما مشاهده کنند و لبخند را بر روی لبان شما همچون شکوفه‌های بهاری ببیند.

و مهربانیها را در ذهن بسپارید و آنقدر این نیرو را در خود پرورش دهید که پلیدیهای درون کمرنگ شوند و رفته رفته محو شوند. شما باید خود را از شر چیزهای بی‌مصرفی که در وجود خود و زندگی دارید خلاص کنید تا کامیابی و عشق را وارد زندگی کنید.

تا زمانی که در جسم و روح خود احساسات بی‌فایده را نگهداری کنید نمی‌توانید جای خالی برای موقعیت‌های تازه بوجود بیاورید. خوابها باید در چرخش باشند.

هرچیزی که به کار نمی‌آید دور بیندازید. میل به نگهداشتن چیزهای بی‌مصرف، زندگی را پرپیچ و تاب می‌کند. این اشیاء نیستند که چرخ زندگی شما را می‌گردانند وقتی که چیزی را انبار می‌کنیم احتمال خواستن را تصور می‌کنیم و نیز احتمال تنگدستی، و فکر می‌کنیم که شاید فردا همه اینها لازم شوند و ترس از این داریم که نتوانیم دوباره آنها را فراهم کنیم.

در واقع با این تفکر و احساس ما به فردا اعتماد نداریم و اینکه ما شایسته چیزهای خوب و تازه در زندگی نیستیم و با انبار کردن چیزهای بی‌مصرف خود را سرپا نگه می‌داریم و در واقع گول می‌زنیم.

پس چه خوب است گاهی سری به دنیای درون و بیرون بزنیم و یک خانه تکانی حسابی و تمیز انجام دهیم. البته باید توجه داشته باشیم که هر نسلی با نسل قدیم و جدید خود تفاوت دارد و نباید اجازه دهیم سوءتفاهمی بین چند نسل بوجود بیاید. همچنان که با پیشرفت علم و تکنولوژی به جلو می‌رویم، وظیفه داریم حرمت نسل قدیم و جدید را نگه داریم.

اگر دقت کرده باشید وقتی شما در خانه یک دکوراسیون را عوض می‌کنید و یا یک تغییر کوچک در نمای ظاهری منزل می‌دهید چقدر احساس سبکی می‌کنید و لذت می‌برید.

و به همان نسبت روح و روان شما نیز به این تغییر نما احتیاج دارد و وقتی که روح و روان پاک شود از هر



همکارمان سارا عباسی از پاریس

آیا تا به حال برایتان پیش آمده که یک سری وسایل بی‌مصرف را انبار کنید؟ و به این تصور که شاید روزی به درد شما بخورد و مثلاً پولهاتون را پس انداز کنید شاید بهش یک روزی احتیاج پیدا کنید، که زیاده از حد خرج نکنید؟

مسلماً برایتان پیش آمده که شما لباسها، کفشها و لوازم منزل و آشپزخانه را می‌خرید و حتی یکبار هم از آنها استفاده نمی‌کنید و در انباری منزل به اصطلاح نگهداری می‌کنید.

البته شاید این را به حساب آینده‌نگری خود ببینید ولی اگر وسواس زیادی به خرج دهید برای آینده و از این دیدگاه آینده خود را می‌خواهید تامین کنید کاملاً در اشتباه هستید و ذهن و فکر شما پیشرفت نخواهد کرد و بی‌اعتمادی خود را به آینده نشان می‌دهید.

اینها چیزهایی بودند که شما در دنیای بیرون خود، همه روزه سر و کار دارید و اما دنیای درون خود را چگونه می‌بینید؟

آیا برایتان پیش آمده که خاطره خشم‌ها، ترس‌ها و سرزنش‌ها را به خاطر بسپارید؟ و همچنان مثل خوره در وجود خود پرورش دهید؟

اگر رفتارتان با دنیای درون هم به این صورت هست مسلماً یک غبارروبی برای درون احتیاج دارید و باید چیزهای نو و زیبا در درون جای دهید و عشق و محبت

دعوت به همکاری «استخدام» در مجله رنگارنگ

مجله رنگارنگ جهت تکمیل کادر خود در کشورهای آلمان، فرانسه، اسپانیا و انگلستان افراد ذیل را به

همکاری دعوت می‌نماید.

1- خبرنگار در زمینه‌های هنری، فرهنگی، ورزش، سیاسی

2- بازاریاب جهت فروش آگهی

3- طراح «صفحه بند»

4- تکمیل وب سایت

علاقه‌مندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با دفتر مرکزی مجله رنگارنگ در لندن تماس حاصل نمایند.

از انگلستان 02087319333

از کشورهای دیگر 0044 208731933

گفتگوی موش میرزای دونبش با حاج آقا «دکتر- مهندس» برادر جناب آقای محمود احمدی نژاد

این دنیای قراضه را ما باید با کیک زرد باز سازی کنیم!

عالم، و یرون خواهیم کرد تا صهیونیست ها هم با آن و یرون بشن و اوباما هم حسرت کمک به صهیونیسم را به گور بیره.

موش میرزای دونبش: فکر نمی کنید در این صورت کشور ما هم ویران خواهد شد؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: ما به اندازه کافی چادر و تشک برای مواقع ضروری در اختیار داریم. بقیه اش را آقا تصمیم می گیرن.

ادامه دارد.



ای، رهبر معظم حکومت اسلامی رو کی درست کرد؟ من یا مومنی؟ مومنی را مؤمن حتی به بیت الخلا بیت حضرت رهبر حتی راهم نمی دن کی بیش از یک ملیون چماق برای سرکوبی نهضت های سکولار درست کرد و با حمایت از حماس و حزب الله لبنان و القاعده در سراسر جهان، استکبار جهانی را به ستوه در آورد!؟ من؟ یا مومنی؟ بهش بگو اول برادری شو ثابت بکنه، بعد ادعای ارث و میراث بکنه. فرض کن یک زمانی موسوی چون آقا در اثر انفجار یک دست مبارکش از کار افتاده بوده، آقا را در بیت الخلا طهارت می داده. ولی این دلیل نمی شه که بخواد بیاد جای منو بگیره. تازه هنوز شورای نگهبان تائیدش نکرده. سپاه هم همین جور. درسته موقعی که امام خامنه ای رئیس جمهور بودند، موسوی نخست وزیر بوده و طی مدت نخست وزیری اش یک عده منافق و کمونیست رو هم اعدام کرده و مراتب عبودیت خودش رو بارها به امام خامنه ای ثابت کرده، ولی این دلیل نمیشه که بخواد پاشو از گلیش درازتر بکنه. حالا حالا ها باید آفتابه دار بیت حضرت رهبر باشه.

موش میرزای دونبش: همین مومنی گفته «یک میلیارد و پانزده میلیون دلار از پول نفت به خزانه ی دولت واریز نشده» لطفا جواب این ادعا را هم عنایت بفرمایید؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: اولاً غلط کرد. دوماً به او چه مربوطه، این غلط ها، آقا فرموده اند برای این که تنور انتخابات گرم بشه، این مرتیکه بیاد یک زری بزنه. دیگه نفرموده اند که در معقولات وارد بشه. بهش بگو، توی این مملکت فقط مقام معظم رهبری یه که تصمیم می گیره که پول نفت کجا بره و به کی داده بشه. بهش بگو بره از آقا پرسه، تا با یک تو دهنی و یک درکونی حسابی حالش رو جا بیارن.

موش میرزای دونبش: همان شخص گفته که «دولت ۴۰۰۰ میلیارد تومان هزینه های غیر قانونی داشته» در این مورد چی می فرمایید؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: بهش بگو پفیوز خیال می کنی موسوی هزینه های نقاش خونه ش رو از جیب باباشو می پرداخت. این هزینه ها و مواجب های کلان موسوی و همچنین دود و دم نقاش خونه رو همین دولت و از محل همون هزینه های خلاف قانون می پرداخت.

موش میرزای دونبش: شما وعده ی کیک زرد به مردم داده اید؟ این کیک کی آماده می شود؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: به زودی این مژده بزرگ را به امت شریف خواهیم داد. و به زودی این دنیای قراضه را با بردار چاوز و دیگر متحدانمان در سراسر

چه در پی می خوانید، بخش اول گفتگوی اینجانب، موش میرزای دونبش است، باجناب آقای دکتر مهندس حاج آقا محمود احمدی نژاد، که کلید حل همه ی مشکلات عالم را در نیفه ی تنبان مبارک دارد:

موش میرزای دونبش: جناب حاج آقا دکتر مهندس، ریاست جمهوری محبوب، نخست از این که وقت گرانبهای خویش را در اختیار این عبد عبید گذاشته اید، از سوی خودم و خوانندگان گرامی کمال تشکر را دارم. اگر اجازه بفرمایید، فرصت را غنیمت شمرده و سؤالاتی را که فاطی خانم، عیال جناب آقای الهام در اختیار اینجانب گذاشته اند، مطرح کنم و استدعای پاسخ نمایم؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: بنمایید.

موش میرزای دونبش: نظر خود را در باره ی پدیده یی به نام اوباما بیان بفرمایید؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: اوباما اولاً پدیده نیس. بلکه عروسک صهیونیست بین الملله. دوماً پدیده بنده هستم که هاله ی نور در مجمع عمومی سازمان ملل، به فضل امام خامنه ای دور سرم ساطع بود. هر وقت هاله ی نور امام دور سر اوباما چرخید، بیاد با من حرف بزنه. این چه جور پدیده ییه که وزیر خارجه اش شب ها توی بغل بیل کلینگتون می خوابه. به اون بی غیرت بگو، اول بره جلوی اون ضعیفه را بگیره.

موش میرزای دونبش: وزیر خارجه آمریکا گفته است که «در مورد مذاکرات اتمی با ایران، فقط ناظر نخواهد بود». نظر شما در این مورد چیست؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: بهش بگو، خفه. من با زن دهن به دهن نمی شوم. بهش بگو، به آقا شون بگه بیاد با من حرف بزنه.

موش میرزای دونبش: میر حسین موسوی خودش را کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری کرده است. نظر شما در این مورد چیست؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: خوب که چی؟! نه بنده هم خودش رو کاندیدا کرده که صیغه ی آقا بشه. مگه خونه ی خاله س که هر نه قمری بیاد خودشو کاندیدا بکنه. پس آقام حضرت امام خامنه ای چه کاره اند؟ شورای نگهبان چه کاره اس؟

موش میرزای دونبش: مؤمنی عضو ستاد انتخاباتی موسوی گفته است که «در دولت احمدی نژاد هیچ کار عمرانی انجام نشده» نظر شما چیست؟

حاج آقا رئیس جمهور محترم: غلط کرد با تو. ازش پیرس پس سیفون بیت الخلا بیت حضرت امام خامنه

از میان نامه‌ها، ایمیل‌ها، فکس و تلفن‌های شما



مختلف آلمان که از طرفداران پروپاقرص مجله رنگارنگ هستیم، جلسات سخنرانی برای ایشان ترتیب دهیم تا از نزدیک بتوانیم از نقطه نظرات و شیوه افشاگری شجاعانه ایشان بهره‌مند شویم. چنانچه ایشان اعلام آمادگی کنند، ما نیز عهده‌دار برگذاری و میزبانی برنامه‌های ایشان خواهیم بود.

عباس وطنخواه، لندن - انگلستان

مدتی است که در مجله رنگارنگ دیگر از افشاگری‌های شما درباره امثال آقای نوری‌زاده‌ها خبری نیست!

فکر کردم شاید آشتی‌کنانی برقرار شده و از پوله‌های طیب و طاهری که رژیم اسلامی به ایشان می‌دهد به شما هم نوایی رسیده باشد و دمتان را دیده باشند. وگرنه شما که ول کن اینها نبودید. حداقل راستش را بنویسید چگونه معامله‌ای میان شماها بوده است.

علی محمد عابدی، لندن - انگلستان

با درود به همه گردانندگان مجله رنگارنگ که واقعاً هر ایرانی می‌تواند با افتخار آن را به همه نشان دهد. در کنار این همه ورق پاره‌های مفتی و مجانی که قسم می‌خورم اکثریت گردانندگان این نشریات سواد خواندن و نوشتن درست و حسابی فارسی هم ندارند بلکه مامورانی در لباس مبدل هستند. چشم و دلمان به چنین نشریه‌ای وزین و آبرومند روشن است.

جناب آقای محمود شریعتی
 در این مجله رنگارنگ
 خود را انتخاب کرده‌اید که مجله شما به حق رنگارنگ است و سر که
 کلیه صحبت ایران است که توسط ایرانین هرطن در مجلس
 در دیگر کشور و در اروپا چاپ می‌رسد
 من انت در توزیع و فروش این مجله را شتابان می‌گویم
 و امید دارم در راه خود پیروز باشید و
 صاحبان و ناشران خصوصی و صنعت و تجارت برای درج آگهی
 خود در مجله شما استقبال بیشتری کنند و یار و یاور شما باشند
 و جامعه ایران هم در غرض مجله شما مشوق شما باشند
 ۱۴/۲/۹۹ همدان و یار و یاور شما باشند
 هدی جان

توضیح درباره یک آگهی

بسیاری از دوستان و خوانندگان مجله رنگارنگ پرسیده‌اند که چاپ آگهی در مجله به نام "I.O.M" که ایرانیان را تشویق به بازگشت به ایران می‌کند چیست و چگونه نشریه‌ای مانند رنگارنگ با کارنامه و سابقه‌ای محکم و استوار در برابر رژیم ملایان اقدام به درج این آگهی می‌نماید؟!

در پاسخ این دوستان باید بگویم این آگهی فقط مربوط به ایرانیان نیست بلکه شامل همه افراد از کشورهای مختلف می‌شود و تنها مربوط به انگلستان نیست بلکه در تمام کشورهای اروپایی شعبات بسیاری دارند و هیچگونه وابستگی به دولتها هم ندارند. I.O.M سازمانی بین‌المللی است که به پناهندگان و افرادی در انگلستان یا هر کشور پناهنده شده‌اند یا مراحل پناهندگی‌شان را طی می‌کنند ارتباطی ندارد بلکه این سازمان پیشاپیش به افرادی که در انگلستان یا هر کشور اروپایی دیگر پرونده‌هایشان بسته شده و ترک خاک گرفته‌اند و مراکز کنترل اتباع خارجی هیچ کنترل یا نشانی از این افراد ندارند و برای مثال در انگلستان متجاوز از هفتصد تا یک میلیون نفر زندگی می‌کنند که اداره مهاجرت، اقامت و پناهندگی از محل سکونت یا حضور آنان در این کشور اطلاعی ندارد و این افراد مجهول‌الهویه می‌توانند برای هر جامعه‌ای خطرناک باشند و دست به هر عملی بزنند و مرتکب هر جنایتی بشوند بدون اینکه شناسایی گردند و از سوی دیگر این افراد، لحظه به لحظه با ترس و نگرانی و وحشت روزها را سپری می‌کنند و هیچگونه امکاناتی دولتی یا تسهیلاتی برایشان فراهم نیست و مسلمان مشکلات روحی و روانی بسیار پیدا خواهند کرد.

این سازمان به منظور کمک به چنین افرادی است که سرگردان و بی‌هویت هستند. در همین شماره مجله رنگارنگ آگهی دیگری نیز هست که سازمانی دیگر کمک می‌کند به پناهندگان در این کشور که بتوانند به تحصیلات یا مشاغل دلخواه خود بپردازند. آنچه مسلم است طرح سؤالاتی اینگونه از جنبه برخورداری است اول اینکه بسیاری از خوانندگان مجله رنگارنگ این نشریه را متعلق به خودشان می‌دانند و حق مسلم آنان است که هر سوالی در مورد هر آنچه در این نشریه چاپ می‌شود بپرسند و آگاه شوند ولی عده انگشت شماری نیز هستند که حیوانات انسان‌نمایی می‌باشند که در پستوهای بدبختی و ذلت و کوچکی خود قایم می‌شوند و با نامه‌ای بی‌امضاء و آدرس یا تلفنی شماره بسته زبونی و حقارت خود را در پس این حرکات احمقانه و قدیمی شده پنهان می‌سازند. آنچه وظیفه ما بود توضیح دادن درباره این آگهی بود چون ما مانند سایر نشریات نمی‌گوییم که مرده شور هستیم و تعهدی درباره آگهی‌ها نداریم!

مهسا رضوان، مالاگا - اسپانیا

هنوز باورم نمی‌شود که ایرانیان مجله‌ای با این کیفیت و محتوا داشته باشند. شماره نوزده رنگارنگ را با افتخار و غرور به دوستان اسپانیایی و همسر کم او نیز اسپانیایی می‌باشد نشان می‌دهم.

هزاران آفرین بر شما که چنین کار ارزنده و بزرگی می‌کنید. مطلب نوروزی شما که به زبان اسپانیایی بود به فرزند نام دادم و خواندند. و گویی گمشده‌ای از هویت مادری خود را یافتند. فقط می‌توانم بگویم هزاران درود و آفرین بر شرافت و همت بلندتان.

جواد احمدپور فرانکفورت - آلمان

من به عنوان یک خواننده هوادار مجله رنگارنگ که چند سال است آن را هر ماهه با اشتیاق می‌خوانم و به سایرین پیشنهاد می‌کنم که آن را بخوانند پیشنهادی به آقای سرابی دارم که چنانچه تمایل داشته باشند، من و چند تن از دوستانم در ایالت‌های

از میان نامه‌ها، ایمیل‌ها، فکس و تلفن‌های شما

سخنی با فرستندگان نامه‌های

در این صفحه بخشی از نامه یکی از خوانندگان مجله رنگارنگ را ملاحظه می‌کنید. آنچه مسلم است این نامه حاوی ۲ پیام، سیاه و سفید است. سیاه از آن جهت که بوی عقده‌ها و حسادتهای شخصی را می‌توان در آن دید ولی آنچه از درون این سیاهی بیرون آمده که ما آن را سفید می‌نامیم، روشن کردن تکلیف افرادی است که فکر می‌کنند باید همیشه از دیگران سوءاستفاده کرد.

اینکه جمشید رضایی به جشن نمایندگان رژیم جنایتکار آخوندی می‌رود و برای لحظه‌ای خودنمایی حاضر به قبول چنین... می‌شود، بحثی است که حتماً ما به آن خواهیم پرداخت. چون همین شخص

ادعای مبارزه با رژیم ملایان را دارد و بارها و بارها در جلسات اتحادیه مبارزان آزادی ایران در دفتر مجله رنگارنگ شرکت داشته و بسیاری آن را گواهی می‌نمایند که این خود جای سؤالات فراوان می‌گذارد؟!...

اینکه هرکس در مسیر خود ویراز میدهد، ارتباطی به ما ندارد.

پس از ۲۰ و چند سال اگر ما به دنبال پول بودیم که از امثال جمشید رضایی‌ها نمی‌گرفتیم که بلکه از صاحبان برنامه‌های نوروزی رضایی‌ها می‌گرفتیم که مبالغش بالاتر از چند صد هزار پوند بود.

چند شاهد زنده حضور دارند که ما به آن پولهای

دزدیده شده از جیب ملت کشورمان تف کردیم و کسی را که چنین پیامی آورده بود با خفت و خواری از دفترمان بیرون کردیم.

ولی اینکه رضایی می‌رود در حضور امثال حداد عادل و سفیر رژیم و غلامان دربار ولایت فقیه می‌خواند مسئله‌ای است که خود او باید پاسخگو باشد.

اما آنچه مربوط به ما است وظیفه خود را دانسته و نیاز به تحریک نیست!!

به عنوان رسانه ای مردمی وقتی آگاه شویم وظیفه خود می‌دانیم دیگران را نیز آگاه کنیم کما اینکه بیست و اندی سال است با سرشناسان هنر و فرهنگ و ادب و سیاست کرده‌ایم. بنده خدا رضایی که دیگر جای خود دارد.



به مناسبت فرا رسیدن عید سعید نوروز و میلاد پیامبر گرامی اسلام و امام صادق صلوات‌الله‌علیهما و در آستانه سالروز فراراندن جمهوری اسلامی ایران در ۱۲ فروردین ماه، مراسم جشنی از سوی رابزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی در لندن برگزار شد.

پس از اعلام برنامه از سوی مجری، ابتدا آقای موحیدیان سفیر ایران در بریتانیا، ضمن تبریک و آرزوی موفقیت و سربلندی برای همه ایرانیان در سال جدید اظهار داشت:

سپس، دکتر غلامعلی حدادعادل رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی که مهمان ویژه این مراسم بود

سروده دکتر حداد عادل، گروه موسیقی سنتی نغمه به سرپرستی جمشید رضایی به صحنه آمد و با اجرای قطعاتی دلنشین از موسیقی ایرانی پرداخت که آواز جمشید رضایی خواننده مقیم لندن با استقبال حاضرین روبرو شد. پس از اجرای گروه نغمه، دکتر علی محمد حاتمیان از هنرمندان

می‌کند هر سال دو - سه بار گروههای کرد و ترک و یونانی و... بی‌خبر را به دام می‌اندازد و در کنار برنامه آنها که طرفداران و مشتریان فراوان دارد، یک کنسرت هم برای خودش می‌گذارد. بلیط مجانی برای چهارصد پانصد خانواده می‌فرستد و بعد از برنامه هم پر شدن سالن را به حساب خودش می‌گذارد و پول چاپ خبر و رپرتاژ را هم به امثال تو می‌دهد تا... این چرخه پول در گردش جمهوری اسلامی همچنان بچرخد و به تو ختم شود. روزنامه رژیم را ببین و خجالت بکش.

زندگی خوک‌وارش می‌گذرد و لقمه‌ای هم مانند سگ در دهان شما که ادعایان گوش فلک را کر کرده، می‌اندازد تا خفه خون مرگ بکیرد و از او و امثال او تعریف و تمجید کنید. البته دم خروس و پول و پول از زیر عبای آگهی‌های مجله رنگارنگ کثیفتان همیشه بیرون است. یکی همین جمشید رضایی با پولهایی که به شما می‌پردازد

هر کس به تو پول بدهد مجیزش را می‌گویی و تبلیغش را می‌کنی. نمونه‌اش همین خیک پر از چربی که نام خواننده بر او گذاشته‌ای و او با پول کلانی که صرف

شرم بر شما و همپالکی‌هایتان باد. این به اصطلاح هنرمند شهر شما چندین هزار پوند از سفارت جمهوری اسلامی می‌گیرد تا با انکراالاصوات خود گوش مردم را بخراند و شما هم چندصد پوند از پول او را می‌گیرید تا برایش تبلیغ کنید. مصاحبه کنید، گفتگو کنید و او را به عنوان خواننده شهر ما لندن به مردم حقه کنید. غافل از این که بسیاری از ساکنان لندن می‌دانند که این بی‌استعداد عاشق شهرت و محبوبیت با پولهایی که در دوران همکاری‌اش با وزارت کشاورزی و سایر جاها دزدیده و به خارج آورده است مالک چندین آپارتمان است که از اجاره کلان آنها بدون اینکه کار کند،

اگر به فکر بازگشت به کشورتان هستید ما می توانیم کمک کنیم

اگر بعنوان پناهندگی سیاسی هستید و یا بصورت غیرقانونی به کشور انگلستان آمده اید
و یا از اعتبار ویزای شما گذشته است

ما می توانیم برخی از نیازهای شما را در کشور خودتان فراهم نماییم

ما می توانیم هزینه تهیه بلیط شما را پرداخت نماییم

هزینه رفت و آمد به فرودگاه در انگلستان و کشورتان را پرداخت نماییم

در زمینه تهیه برگه خروج مشاور شما باشیم

با مراجعه به فرودگاه کمک حالتان باشیم

کلیه خدمات ما
رایگان است

تلفن رایگان 0800 783 2332

IOM سازمانی بین المللی بوده و به دولت انگلستان وابسته نمی باشد

Thinking about returning to your home country?

If you are an asylum seeker, call IOM free
for an individual or a family return plan.

0800 783 2332



IOM International Organization for Migration

IOM is an international organization.

IOM is **not** part of the UK Government.

IOM will help you to return home only if you wish to do so.

www.iomuk.org

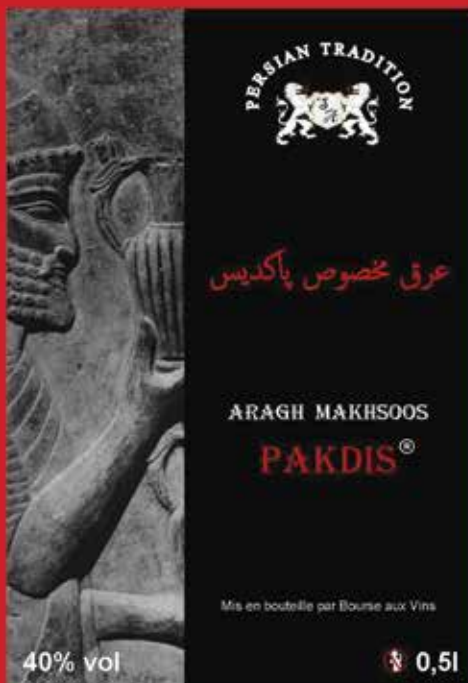
Small Business Start Up
Travel Arrangements
Flight Ticket
Relocation Grant
Baggage Allowance
Short-Term Accommodation
Job Training
Work Placements
Education



Actions co-financed
by Community Funds

21 Westminster Palace Gardens, Artillery Row, London SW1P 1RR

IOM also has offices in Birmingham, Bristol, Glasgow, Leeds, Liverpool and Manchester



عرق مخصوص پاکدیس

ما با 15 سال تولیدات درخشان در بخش شراب و ودکا محصول جدید خود را به شما عرضه می داریم از 15 ماه می میتوانید از مراکز پخش این شرکت در سراسر اروپا دریافت دارید

صد در صد تولید شده از کشمش

Bestellen Sie jetzt/ Order now

Germany: 069 92919956

- Belgien: 032 131434

- Holland: 020 6841196

Spain: 0951 295935

- France: 06 84184625

- England: 020 76044266

Bourse aux Vins

- Fon: 0049 (0)173 6009540

- info@france-weine.com

پیام تبلیغاتی خود را با **مجله رنگارنگ** در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

بدی نگیرید . واسه فنده س

به یارو می گن : شما آشغالون رو تو چی می ریزید ؟
می گه : لای نون
می گن : لای نون ؟
می گه : نمی دونم ، لای نون یا نای لون

یارو می ره دزدی تفنگو می ذاره پشت گردن طرف می گه : تکون بخوری با لگد می زنم تو سرت !!!

یارو دو تا خیار می گیره دستش و می ره توی سوپر به مغازه داره می گه : آقا خیار شور داری ؟
مغازه داره می گه : بله که داریم
می گه : پس بی زحمت این دوتا رو هم بشور !

مامانه به بچه هه می گه : می دونم شیطان گولت زد موهای خواهرتو کشیدی !
بچه هه می گه : آره ولی لگدی که زدم تو شیکمش ابتکار خودم بود

غضنفر پسرش کور به دنیا میاد اسمشو می ذاره حیدرمریم زاده !

به غضنفر می گن : اذون بگو...
می گه : والا چی بگم همه چی از یه نگاه شروع شد !

پرایده داشته از بغل فلکس قورباغه ایه رد می شده ، ازش می پرسه : داداش، چشمت چرا زده از حدقه بیرون ؟!
فلکسه می گه : آگه موتور تورم درمی آوردن می چپوندن ... تو هم چشمت می زد از حدقه بیرون

یه روز مدیر مهد کودک به یکی از بچه ها می گه : تو مامان داری ؟ می گه نه !
می گه بابا داری ؟ می گه نه !
مرده می گه پس چی داری ؟ می گه جیش دارم !!!!

آخونده می ره ساندویچ hotdog سفارش می ده ببینه چه جوریه . وقتی ساندویچش آماده می شه بازش می کنه می گه : لامصب بین کجای سگه به ما رسید

به پشه می گن : چرا زمستون پیداتون نیست ؟؟؟
می گه : نه اینکه تابستونا خیلی برخوردتون خوبه

وقتی اومدم چنان حالتو می گیرم ،
که نفست بند بیاد
از ترس پاهات بلرزه
همچین آبروتو می برم که سرتو بالا نکنی
سوسول من قبض موبایلم !

به یارو می گن : U.S.A مخفف چیه ؟
می گه : یونجه صادراتی اردبیل !

دوست یابی



هدف از چاپ پیام های دوست یابی کمک به کسانی است که در غربت زندگی می کنند و به دلایلی امکان ارتباط به مکانهای عمومی ایرانی را ندارند و تنهایی و یافتن هم زبانی می تواند کمکی در جهت بهبود و شرایط سخت تنهایی آنان باشد

مجله رنگارنگ هیچ گونه مسئولیتی در قبال چاپ پیام های دوستیابی ندارد و طریقه این ارتباط تنها از راه ارسال نامه به آدرس مجله است و مسئول این بخش نامه های رسیده را در اختیار کدهای اعلام شده قرار خواهد داد ارسال مشخصات غیر حقیقی یا هر گونه سوء استفاده از این کانال بعهده متقاضی تماس با نامه های دریافتی است که مطمئن باشد انتخاب صحیح را انجام داده است

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

آدرس ارسال برای بخش دوست یابی

مینو ۳۶ ساله مدت ۱۴ سال است در آلمان زندگی می کنم یک بار ازدواج کرده ام و یک دختر ۸ ساله دارم در یک فروشگاه بزرگ کار می کنم علاقه مند به سیاست و فعالیتهای اجتماعی هستم به دنبال دوستی و آشنایی به قصد ازدواج با آقای با میانگین سنی ۳۸-۴۵ ساله هستم

کد ۷۴۷

محمد رضا ۴۹ ساله ساکن پاریس ۲۰ سال است در فرانسه زندگی می کنم همسر فرانسوی داشته ام ولی متارکه کرده ام فرزندی ندارم صاحب شغلی بسیار خوب هستم به دنبال خانمی تحصیل کرده و جدی جهت زندگی مشترک می باشم.

کد ۸۵۱

شقایق هستم ۳۲ سال دارم مدت ۱۲ سال است در انگلستان در شهر نیوکاسل زندگی می کنم در یک فروشگاه مشغول بکار هستم عاشق موزیک ، سینما و ورزش هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقای با میانگین سنی ۳۵-۵۰ سال هستم .

کد ۸۵۰

نیلوفر ۴۱ ساله هستم در شهر بیرمنگام زندگی می کنم قبلاً ۱۵ سال لندن بودم صاحب خانه و شغل خوبی هستم دو دختر از ازدواج قبلی دارم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقای با شخصیت ، تحصیل کرده و خانواده دوست هستم با میانگین سنی ۴۵-۵۵

کد ۸۵۲

است به انگلستان آمده ام جواب مثبت دارم در یک رستوران انگلیسی شبها کار می کنم علاقه مند به موزیک و سینمای ایرانی می باشم به دنبال دوستی و آشنایی با دختر خانمی ایرانی با میانگین سنی ۲۰-۳۰ ساله هستم

کد ۸۴۵

مرجان ساکن برایتون مدت ۷ سال است به انگلستان آمده ام یک بار ازدواج کرده ام و جدا شده ام فرزندی ندارم اقامت دائم دارم به دنبال دوستی و آشنایی با آقای ایرانی در کشور آلمان هستم و علاقه مندم که در آلمان زندگی کنم علاقه مند به ورزش و همچنین مذهب کاتولیک هستم

کد ۸۴۶

شهریار ۲۲ ساله ساکن شهر کلن در آلمان ۱۱ سال پیش با خانواده ام به آلمان آمدم دوره تخصصی کامپیوتر را می گذرانم عاشق کامپیوتر؛ موزیک و ورزش می باشم به دنبال دوستی با دختر خانمی ایرانی می باشم.

کد ۸۴۸

المیرا ۲۸ ساله ساکن لندن ۸ سال است در این کشور زندگی می کنم اقامت دائم دارم رشته آرایش و زیبایی را تمام کرده ام در حال حاضر فول تایم مشغول به کار هستم عاشق موزیک؛ رقص و ورزش می باشم به دنبال آشنایی با آقای ایرانی با شخصیت ؛ مهربان و راستگو می باشم

کد ۸۴۰

رویا ۵۴ ساله ساکن فرانسه به دنبال دوستی به قصد ازدواج با آقای ایرانی با میانگین سنی ۶۵-۵۵ که علاقه مند به ادبیات و موسیقی باشد هستم.

کد ۴۳

سوسن ۳۸ ساله در آمستردام زندگی می کنم از ازدواج اولم یک پسر و یک دختر ۱۸ و ۱۵ ساله دارم شغل مناسب با درآمد کافی دارم به دنبال آشنایی با آقای ایرانی با میانگین سنی ۴۰-۵۰ ساله می باشم تفریحات مورد علاقه من سینما ورزش و موزیک می باشد

کد ۵۴۳

امید ۳۱ ساله ساکن لندن ۱۱ سال است به انگلستان آمده ام اقامت دائم دارم به کارهای ساختمانی مشغول هستم ازدواج نکرده ام و تجربه دوستی و آشنایی با دختر خانمهای ایرانی را ندارم عاشق صفا ؛ محبت و روراستی هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با خانمی ایرانی با میانگین سنی ۲۰-۳۰ ساله هستم

کد ۷۴۳

رها ۲۵ ساله ساکن اسپانیا در شهر ساحلی مالاگا زندگی می کنم ۷ سال است به اسپانیا آمده ام سال دوم دانشگاه علاقه مند به فرهنگ و سیاست و ورزش می باشم به دنبال آشنایی با جوانی ایرانی با میانگین سنی ۲۵-۳۰ سال می باشم

کد ۸۴۴

علی ساکن لیدز انگلستان ۲۹ سال دارم ۴ سال

نان های همیشه نصفه

خرید نان برای خانه های ما از جمله وظایف ما بچه های محل بود که معمولاً از یکی از نانوایی های محله نان می خریدیم البته بسیاری از پدران ما با نانوایان قرار و مدارهای هفتگی یا ماهیانه هم داشتند که وقتی ما نان می گرفتیم شاطر آقا تکه چوبی را که به آن چوب خط می گفتند به تعداد نانهای گرفته شده با چاقو علامت می زد که نشان می داد چند نان داده شده است چنین نانوایی در حله ما وجود داشت نان بربری، نان لواش، نان سنگک، نان تافتون و نان خراسانی ولی نکته جالب این نان گرفتن ها زمانی بود که وقتی ما از نانوایی خارج می شدیم و به هر آشنایی می رسیدیم تعارف می زدیم و می گفتیم بفرما، نان تازه که معمولاً هم دوستان محبت داشتند و تکه ای هر چند کوچک از نان را می کردند ولی چون تعداد بفرما نان تازه خورها زیاد بود با تمام ملاحظه ای هم که می کردند همیشه نانها از میانه قطع نخاع شده بود و چون جگر زلیخا نصفه نیمه بود

باران های سرگرم کننده و درآمد ساز

در میدان فوزیه که امروز به آن میدان امام حسین می گویند هر چند فوزیه و حسین هر دو عرب تبار هستند ولی آن کجا و این کجا! وقتی باران زیاد می آمد قسمتهایی از خیابانهای منشعب به میدان پر از آب میشد که گاهی این بالا آمدن آبهای بارانی تا به زیر زانو هم می رسید و عبور و مرور را برای مردم بخصوص زنان و مردان سالند و بچه ها و حتی افرادی که سر و وضعی مرتب داشتند مشکل می کرد در چنین مواقعی چند نفری کفش ها را کنده و پاچه های شلوار را بالا زده و نقش تاکسی باربری انسانی را پیدا می کردند و با گرفتن یک تا دو قران «یک تا دو ریال» افراد را کول می گرفتند و از آن سو خیابان به آن سو می بردند نکته جالب برای بچه های محله این بود در صف کولی دهندگان حاضر شوند ولی بیشتر به دنبال سوار کردن دختر محله یا سایر دخترهای همسن و سال خود باشند و پس از کولی دادن به جای پول گرفتن به تعارف کردن و قابلی ندارد و گفتن خوش و بش های شیطننت آمیز جوانی ختم گردد و چه بسا به دوستیهایی در همان اندازه های متعارف های آن زمان ولی در این سواری کشی انسانی گاهی هم بچه ها شیطننت های خاصی می کردند و وقتی کسی را کول می گرفتند که از خود راضی و به قول بچه ها از خود متشکر بود در وسط خیابان که بیشترین آب جمع شده بود به بهانه اینکه به پایشان چیزی رفته و زخم شده دو لا می شدند که دستی به پایشان بزنند و آن قدر خم می شدند که کت و باسن مسافر خوش نشین به آب می رسید و خیس می شد و چنانچه غرولند و اعتراض می کرد و ادا در می آورد به او می گفتند خیلی ناراحتی همین جا بذارمت پایین!

بی خبر از همه جا هم گونی را کول می کرد و به طرف سر کوچه به راه می افتاد و جند متری نرفته بود که یکی از بچه ها زنگ خانه صاحب گونی را می زد و خبر می داد کسی یک گونی پر از منزل آنان برده است که بعد از آن صحنه پایانی ماجرا بود که صاحبخانه سراسیمه و پرخاش گر به دنبال فرد گونی بدوش می دوید و فریاد می زد آئی دزد، آئی دزد قیافه هراسان و متعجب عمل گونی بدوش در برابر قیافه عصبانی و معترض صاحبخانه دیدنی بود

امضاء گرفتن

یکی از قرار داد های مهم و ارزشمند میان بچه های نظام آباد زمانهای مسابقه فوتبال بود وقتی محله ای با محله دیگر مسابقه می داد در پایان بازی کاپیتان تیم بازنده باید کاغذی را امضاء میکرد که اعتراف به شکست کند و برنده این مدرک مهم و غرور را با افتخار حفظ می کردند ولی بسیار اتفاق می افتاد که در پایان بازی بازنده ها پا به فرار می گذاشتند و برندگان آنان را دنبال می کردند و چنانچه دستشان به یکی از بازیکنان فراری می رسید هم امضاء می گرفتند و هم حسابی از خجالت او به جای سایرین هم در می آمدند



کاربیت هوا کردن

بچه ها از مغازه هایی که مصالح فروشی بودند با کمترین پول آزمون مثلاً چند قران تکه هایی مانند ذغال سنگ به نام کاربیت می خریدند سپس در محله در جاهایی که خرابه مانند بود چاله هایی به عمق بیست ، سی متر می کردند و مقداری آب درون چاله ریخته میشد و تکه ای کاربیت درون چاله و آب می انداختند و یک قوطی کوچک به قطر ده، پانزده سانتیمتر و به بلندی حدود سی سانت را که قسمت پایین آن کاملاً باز بود را داخل گودال کوچک قرار می دادند و دور آن را با خاک می پوشاندند در بالای قوطی سوراخی به اندازه قطر یک میخ قرار داشت کاربیت در آب گازی بسیار قوی تولید می کرد و گاز در قوطی و ایجاد حریق میان آتش و گاز قوطی مورد نظر با صدایی انفجاری به هوا پرتاب می شد و گاهی تا ارتفاع دو تا چهار متر به بال می رفت و احساس خوشحالی و شادمانی در بچه های بازیگوش محله ایجاد می کرد



قصه های نظام آباد

مجموعه قصه های نظام آباد که در هر شماره مجله رنگارنگ به چاپ خواهد رسید روایتی ساده از زندگی همه کسانی است که به میانسالی رسیده اند و در دفتر خاطرات ایام زندگی شان در محله های مختلفی که زندگی می کرده اند ملو از این حکایت های تلخ و شیرین است شما هم می توانید بیانگر قصه های محله های زندگی دوران گذشته خود باشید

عمله کشون

در محله ما واقع در سه را عظیمیه که در نظام آباد قرار داشت یکی از سرگرمیهایی بیکاری برای بچه های شیطان و مردم آزار «عمله کشون» بود قصه بدین ترتیب بود که: در بعضی منازل ، اهالی خانه بعضی از مایحتاج یا وسایل خود را پس از در ورودی زیر پله ها قرار می دادند این وسیله می توانست کونی های ذغال یا خاکه ذغال برای زمستان باشد بسته ها یا گونی ها برنج یا حبوبات یا وسایل دیگر باشد کار ما این بود که سر کوچه می رفتیم و بنده خدایی را که تشخیص می دادیم دنبال کاری است که اندک پولی به دست بیاورد صدا می کردیم و به او می گفتیم آیا حاضر است مثلاً یک گونی را تا سر کوچه بیاورد و مبلغی بگیرد و او هم قبول می کرد و هر مبلغی می گفت ما چانه نمی زدیم و قبول می کردیم که البته دستمزد را پس از انجام کار پیردازیم بعد این بنده خدا را به در یکی از منازل می بردیم که اکثر این خانه ها همیشه درهانشان باز بود و گونی مورد نظر را نشان او می دادیم و عمله

فال ماه شما



فروردین



در همین روزها یکی از دوستان تان نقش مهمی را در زندگی تان بازی خواهد کرد که باید قدر دان او باشید و حتماً نشان دهید که متوجه محبت او شده اید. به دنبال فرصتی برای نشان دادن شایستگی های خود هستید، اما باید مراقب باشید که دست به کارهای خطرناک نکنید. در یک کار گروهی شرکت کرده اید و نگران آینده این کار هستید، باید بدانید که در دراز مدت جواب دلخواه را خواهید گرفت و فعلاً باید صبور باشید.

اردیبهشت



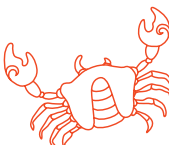
آدم بلند پروازی هستید و ریسک کردن به صلاح شما نیست. پس توصیه می شود که زیاد در روپا به سر نبرید و تصمیمات خیالی نگیرید. اتفاقاتی برای تان رخ می دهد که هیجان را در شما تشدید می کند، بنابراین سعی کنید بر خود مسلط باشید. در خرید و معامله باید مراقب همه چیز باشید و ریسک نکنید که به ضررتان تمام می شود. در این روزها خبر بسیار خوبی راجع به برخی از نزدیکان می شنوید که شما را به وجد می آورد.

خرداد



شاهد حوادث تازه ای در زندگی تان خواهید بود که البته ختم به خیر می شود مدتی است حرفی در دل دارید که اینک بهترین زمان برای آن است. گذشت زمان را جدی بگیرید و زمان حال را دریابید. می خواهید راجع به موضوعی واکنش نشان بدهید، اما باید به عواقب آن هم بیندیشید و بیشتر بر اعصاب تان مسلط باشید. شانس به شما لبخند خواهد زد تا برخی از موانع از سر راهتان برداشته شود و به هدف خودتان نزدیکتر بشوید.

تیر



لازم است قبل از سال جدید طرحها و برنامه های خودتان را به مرحله اجراء در بیاورید، زیرا تاخیر در این امر برای تان گران تمام می شود. خبرهای بسیار جالب و تازه ای در ارتباط با امور شغلی تان خواهید شنید. برای شرکت در یک کار خیر از شما دعوت به عمل می آید که خوب است آن را بپذیرید. نگران ادامه راهی که انتخاب کرده اید نباشید، زیرا از حمایت و کمک های مادی و معنوی عزیزی برخوردار خواهید شد که اصلاً انتظارش را نداشتید.

مرداد



تا حدودی با وظایف و مسوولیت های جدیدی مواجه خواهید شد پس با توکل به خدا هراس به دل راه ندهید چرا که مثل همیشه موفق خواهید شد با شرکت در امور خیریه با فردی آشنا می شوید که به لحاظ فکری و ذهنی شباهت های زیادی با هم دارید و این آغاز یک دوستی با دوام خواهد بود. سفری در پیش رو دارید که شاید پر هزینه به نظر بیاید اما اصلاً چنین نیست با خیالی آسوده سفر کنید.

شهریور



در مورد کاری که خانواده بر آن اصرار دارند، مطمئن باشید که صلاح شما را می خواهند پس پیشنهاد خودتان را با نظرهای آنها ادغام کنید آنگاه به یک نتیجه قاطع دست خواهید یافت. در طالع شما شرکت در یک آزمون مهم نشان داده شده است. و اینکه در آزمون مذکور در سایه تلاش و پشتکار مداوم موفقیت شما حتمی است اگر چه در دنبال کردن هدف خود قدری خسته شده اید اما بدانید که به زودی به پایان راه می رسید و نتیجه مطلوب حاصل خواهد شد.

مهر



در حال حاضر برای پیشبرد هدف مورد نظرتان نیاز به حمایت اقتصادی دارید. اصلاً نگران نباشید با توکل به خدا این مشکل حل خواهد شد. در محیط کاری یا تحصیلات تان به یک موفقیت تازه دست پیدا می کنید. به فکر تغییر در کارتان نباشید چرا که با درایت و پشتکار به زودی شاهد پیشرفت و موفقیت خواهید بود. به دنبال یک اتفاق خوب شادی زاید الوصفی نصیب شما می شود.

آبان

ناخواسته گاهی اوقات قولی را که می دهید از یاد می برید فراموش نکنید که با خوش قولی و انجام آن ، احترام و اعتماد دیگران را به سوی خود جلب می کنید. زحمات زیادی را در راه هدفی متحمل شده اید که به زودی نتیجه مطلوبی را کسب می کنید . یک فرصت در زمینه نقل و انتقال برای تان فراهم می شود که اگر نظرتان مثبت است نباید در این زمینه تعلل کنید. ایده شما در مورد یک امر مهم مورد تایید دیگران قرار می گیرد و مورد تشویق نیز قرار می گیرید



آذر

عقاید طرحهای درخشان و سرنوشت سازی در ارتباط با امور کاری یا تحصیلی تان به ذهنتان خطور خواهند کرد که باید برای اجرای آنها با طمأنینه و حساب شده عمل کنید. به زودی خبر جالبی می شنوید که مدتها شادی میهمان قلبتان خواهد شد. پیشنهاد جالبی برای شرکت در یک کار اقتصادی دریافت می کنید اما باید با افراد خبره در این زمینه مشورت کنید و بعد تصمیم بگیرید



دی

شخصی که اصلاً فکرش را نمی کردید بار بزرگی از روی دوش شما بر می دارد تازه آن وقت است که پی به بزرگواری آن فرد می برید . طرحی که به اتفاق چند تن از دوستان تان پی ریزی کرده اید حالا باید به کار بگیرید ، چرا که زمان مناسب برای اجرای آن فرا رسیده است پس فرصت را از دست ندهید . یکی از آشنایان تان که وضعیت چندان مناسبی ندارد نیازمند کمک و همراهی امثال شما است اما طبع بلند او اجازه نمی دهد اشاره ای به این موضوع داشته باشد بهتر است همراه سایر آشنایان به کمک او بشتابید



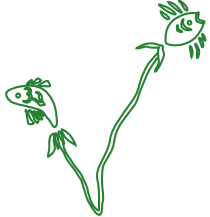
بهمن

تغییر و تحولات زیادی را در زندگی تجربه خواهید کرد که روحیه تان را در جهت مثبت دگرگون می کند. مدتها به دنبال چنین روزهایی بوده اید ، پس حالا که چنین فرصتی به دست آمده ، حداکثر استفاده را ببرید. اتفاق مهمی نیز در این روزها رخ خواهد داد که نقطه عطفی در زندگی تان است . اکثر برنامه های شما مطابق معمول پیش خواهد رفت . ارتباطات عاطفی چالب و تازه ای را شاهد خواهید بود



اسفند

نگرش تازه ای نسبت به برنامه ها و امور جاری زندگی تان خواهید داشت که شما را وادار می دارد با ایجاد تغییرات مثبت گامی موثر در جهت پیشرفت و تعالی بر دارید و لازم است گامهای بعدی را نیز با اعتماد به نفس بردارید و از شکست اصلاً نهراسید . با بهره گیری از مهارت های شخصی تان کار نیمه تمام تان به پایان خواهید رساند در محیط خانه تان با تغییری بسیار خوشایند و مثبت مواجه خواهید شد که روحیه شما را برای غلبه بر مشکلات دو چندان می کند



دعوت به همکاری «استخدام» در مجله رنگارنگ

مجله رنگارنگ جهت تکمیل کادر خود در کشورهای آلمان، فرانسه، اسپانیا و

انگلستان افراد ذیل را به همکاری دعوت می نماید.

1- خبرنگار در زمینه های هنری، فرهنگی، ورزش، سیاسی

2 - بازاریاب جهت فروش آگهی

3 - طراح «صفحه بند»

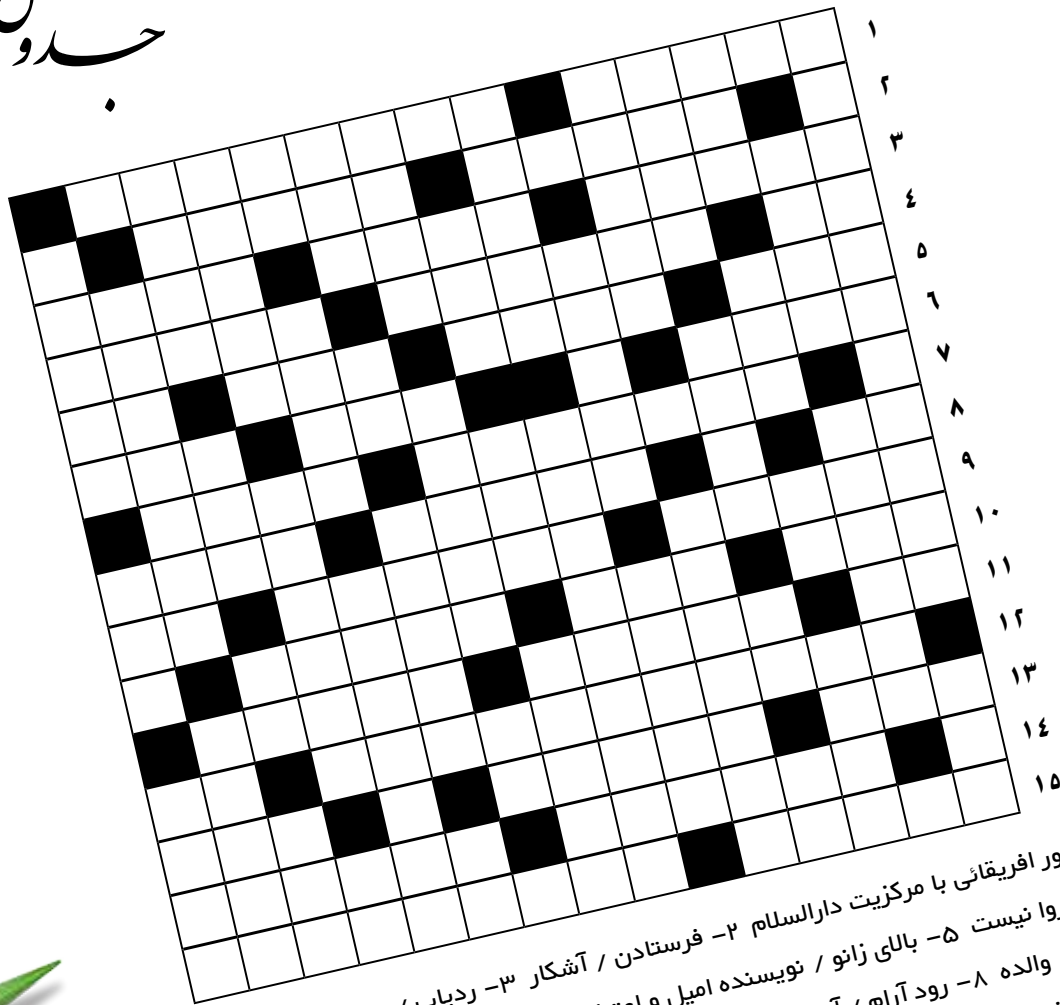
4 - تکمیل وب سایت

علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می توانند با دفتر مرکزی مجله رنگارنگ در لندن تماس حاصل نمایند.

از انگلستان 02087319333

از کشورهای دیگر 0044 208731933

جدول کلمات



افقی :

- ۱- زاهد و متقی / کشور افریقائی با مرکزیت دارالسلام ۲- فرستادن / آشکار ۳- ردیاب / هلاک / گرفتاران ۴- درخت انگور / نام دیگر رازیانه / در آن خیانت روا نیست ۵- بالای زانو / نویسنده امیل و اعترافات / توده مردم / شعله آتش ۶- واژه افسوس / پاسخ مثبت / عقیده ۷- تسهیلات / والده ۸- رود آرام / آتش برافروخته / ماندگار نیست ۹- از توابع کاشان / نوشته ها / ره آورد اصفهان ۱۰- مبارکی و شگون / بدرد نخور / سنجش زلزله ۱۱- واحد سطح / دارای ثمر بسیار / نمایندگی ۱۲- سوار / کشور صنعتی اروپا / جوی خون ۱۳- کمک کننده / هلال / واحد آدم ۱۴- حشره ای از نوع ملخ / نوازنده فقید تنبک ۱۵- آرامگاه بوعلی سینا / مکان پذیرائی میهمان.

عمودی :

- ۱- اثر همینگوی / قمر ۲- سقف فرو ریخته / محروم ۳- جوانمرد / جد / درخت زبان گنجشک / درستی ۴- تشنه فریب بیابان / اندوهگین / رودی در ایتالیا / واژه همراهی ۵- رموز / تاخیر کردن ۶- سرگیجه / ظاهر ساختن ۷- پنهان کردن حقیقت / آتش انار / ویران و خراب ۸- یک حرف و سه حرف / نومید / پاردم ۹- مخفی / زرشک / نوعی حلوا ۱۰- توانائی / تلخ عرب / گاز اطراف خورشید / موضوع ۱۱- کلمه ندا / دردناک / تصاویر ۱۲- پشیمانی / فتنه انگیزدن / رود اروپائی ۱۳- قانون چنگیزی / لباس بلند / نقش هنرپیشه / از پسوندها ۱۴- گوناگون / حيله ۱۵- دستگاه خزانه برق / شهر و استان کویری / با ندبه و زاری می آید



	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱													۱
۲													۲
۳													۳
۴													۴
۵													۵
۶													۶
۷													۷
۸													۸
۹													۹
۱۰													۱۰
۱۱													۱۱
۱۲													۱۲
۱۳													۱۳

:: عمودی :

۱- نوعی سرم گلبولین که در پاسخ محرکهای پادگن بوسیله بافتهای لنفی تولید میشود - ماده مرکب از دو یا چند عنصر شیمیائی با نسبت وزنی معین ۲- بخشی از ریاضیات که بیشتر از کمینتهای متغیر بهره میگیرد - دورسنج ۳- شش عربی - تباهی - فضای میان تهی ۴- حالت کسی یا چیزی در آینده - واحد عملی مقدار حرارت برابر ۱۰۰۰ کیلو کالری - مسیحی ۵- گاو در عربی - از نامهای پسرانه ۱ از حبوبات ۶- جسم جامد بلوری سرخ رنگ نامحلول در آب که به عنوان معرف کاربرد آزمایشگاهی دارد - مردم قرآنی - قدم یکپا ۷- جمع لائمه - نوعی بیماری چشمی ۸- بزرگ و کلان - پائین - دو فلزی که در ساختن آلیاژ بکار میروند ۹- ناله و فریاد - مشهور از آلات موسیقی ۱۰- جمع رکیک - نسب شناس - زرع ۱۱- بیماری با شدت ناگهانی و دوره کوتاه - سخن چین - ضمیر مخاطب انگلیسی ۱۲- کرم خوراک - د رفیزیک غلتیدن قطره های مایع بر سطح بسیار داغ و بخار شدن آنها بدون جوشیدن ۱۳- ار آحاد کوچک اندازه گیری طول در فیزیک تغییر برخی از مشخصه های یک موج بر حسب موج دیگر در مخابرات بی سیم (مدولاسیون)

:: افقی :

۱- در روان شناسی ، فعالیت غده یا اندام زیستمند نسبت به وضعی که با آن روبروست - در ریاضی ، رشته ای از دستورها برای انجام عملیاتی به صورت سلسله مراتب که حل همه مساله های شمابه را میسر میکند ۲- گونه ای از دارو های شیمیائی که باکتریها را نابود میکند - زادگاه حکیم رازی ۳- بیماری د ر عربی - کاغذ سفت و ضخیم نام مادر حضرت یوسف ۴- هلاک شدن - صدای رعد - اهل کاشان ۵ نابود - سمت راست - نوعی آبیاری مزارع ۶ گریه کنان قسمتی از پا - الفبای موسیقی ۷- مخفف دامن - سالخورده ۸ واحد تنیس - ذره باردار - رستاخیز ۹- از آفات مزارع دانه گیاهی که در طب قیم برای معالجه رعشه و صرع بکار میرفته - در زمین شناسی اندازه و ترتیب قرار گرفتن کانیها در ک سنگ ۱۰- زمان دادن - تندی - از اعمال وضو ۱۱- گله گله - مرکز استان مرکزی - دریا ۱۲- تن پوش مردانه - فاصله دو عبور ظاهری پیاپی خورشید از نقطه اعتدال ربیعی ۱۳- شاخه ای از علم شیمی که به مطالعه عمل متقابل انرژی شیمیائی و برقی میپردازد - معبر اتومبیل در شکاف کوه

به آنان که دوستشان دارید و می خواهید همیشه با یاد شما باشند مجله و دی وی دی رنگارنگ را هدیه کنید

فرم اشتراک

نام و نام فامیل

آدرس کامل

میزان حق اشتراک : در انگلستان یک ساله ۴۰ پوند در اروپا یک ساله ۶۰ یورو در امریکا یک ساله ۱۰۰ دلار
لطفا چک خود را به نام M.Sarbi صادر نمایید

M. Sarabi P.O.Box 2821 LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 7624 1306

Email: rangarang_London@hotmail.com



مشاورین املاک کلید طلایی (GOLDEN KEY)

شاید تا سالهای آینده چنین فرصت طلایی پیش نیاید

شما میتوانید با کمترین سرمایه در بهترین مناطق زیبای اسپانیا صاحب خانه شوید

ما برای شما ویزای شینگن از ایران و سایر کشورها تهیه خواهیم کرد

کافی است که خانه خود را انتخاب کنید . ما کلیه هزینه های هواپیما ، هتل، ایاب وذهاب و اقامت شما را پرداخت خواهیم کرد



دفتر مرکزی اسپانیا

0034 951 29 59 35

0034 637 98 7009

انگلستان

0044 755 44 27 425

goldenkeyspain@googlemail.com



BENAL MADENA

رستوران تنور



رستوران تنور با منوی اختصاصی خود خوشمزه ترین غذاها و پیتزها را بشما تقدیم میکند

**رستوران تنور با فضایی جذاب در مجاورت ساحل زیبای شهر
بنال مدینا (اسپانیا) دور نمایی خاطره انگیز را برایتان به ارمغان می آورد**



Nueva Torrequebrada
Centro Comercial Torrenueva, Local 14
Benalmadena costa

Telf: 952 57 51 81



Cancer : Don't over-react with something someone does or says. If you feel unsettled about a situation, think about it for a longer period of time before making a hasty move.

In diesen Tagen pulsiert das Blut in Ihren Adern etwas heftiger als sonst. Die konkreten Auswirkungen können von kraftvollen Auseinandersetzungen bis zu einem künstlerisch-kreativen Erguss, von einem unbedachten Liebesabenteuer bis zu erfüllender Sexualität alles beinhalten. Liebe fordert jetzt vermehrt konkreten, physischen Ausdruck



Leo : If you hear some interesting information that can help you in some way, take note and start putting action to thoughts. A brainwave is something that can change your life, literally

Sie müssen heute nichts Spezielles tun, doch wenn Sie handeln, werden Sie feststellen, daß Sie über erstaunlich viel Tatkraft verfügen. Sie können sich selbst von einer neuen, aktiveren und durchsetzungsfähigeren Seite kennenlernen



Virgo: You are a highly intellectual person, but if you can learn to trust your instincts more, it will be an invaluable tool to draw upon. Be honest with yourself at a heart level, to know what's going on

Das Bedürfnis, mit einem anderen Menschen in naher Beziehung zu stehen, erhält jetzt gewaltigen Aufwind. Es lässt Sie nach einem geeigneten Partner Ausschau halten oder eine bestehende Beziehung intensivieren.



Libra: The height of passion and intimacy can rise and fall, but friendship is always there. There is nothing more sacred than having a trustworthy and comfortable companionship.

In Belangen, die Sie persönlich ansprechen, sind Sie aktiv, beispielsweise indem Sie eine Kaffeepause auch wirklich einhalten, wenn Sie diese brauchen. Geben Sie Ihren Bedürfnissen und Ihrer Gefühlswelt in Taten Ausdruck! Aber Achtung: Sie reagieren unbeschwerter und unüberlegter als sonst.



Scorpio: One thing seems to be true for everyone; your attitude can dictate how you feel. Even when things feel stagnant in your life, stay positive. A surprise call of good news is headed your way.

Sie handeln heute Nachmittag eher spontan aus dem Bauch, als daß Sie sorgfältig überlegen. Die Wahrscheinlichkeit, daß es Ärger gibt, ist vor allem in der zweiten Tageshälfte relativ groß



Sagittarius: It's the people who help you through the bad times and are there to celebrate the good times that are precious, look after them

Kommunikation ist in diesen Tagen besonders wichtig. Kontakte aufbauen, mit Kollegen diskutieren, Verwandte oder Nachbarn besuchen oder auf Reisen gehen sind Beispiele, wie die innere, eventuell an Nervosität grenzende Angeregtheit Ausdruck finden kann. Geistig rege vermögen Sie jetzt relativ hohe Anforderungen an Logik und Objektivität zu erfüllen.



Capricorn: Keep in mind that if the decisions you make also affect the lives of others, you may need to consider their situation as well. But in the end, you should keep control over your own business.

Eine objektive und sachliche Sichtweise ist in diesen Tagen für Sie eine Selbstverständlichkeit. Sie sind geistig hellwach und bringen fast jede Kommunikation in Fluss. Wenn es Streit gibt, dann, weil Sie zu wenig Stellung beziehen. Vorsicht auch vor neugierigen Fragen!

Horoscope Horoskop



☆ **Aquarius:** Be patient! Once everything is signed, sealed and delivered, the real work can take place. As an Aquarian, no doubt you will have considered all of the options to do with a certain situation.

Alles Sanfte, Weibliche, Passive sagt Ihnen heute besonders zu, und Sie sind offen für entsprechende Begegnungen mit Frauen. Auch selbst sind Sie vermutlich bereit, eine sanfte, friedvolle, eventuell auch passive Stimmung zu verbreiten und würden den Tag wohl gerne zusammen mit einem netten Menschen genießen



☆ **Pisces :** A lot of time can be spent on the things you love to do that don't make any money. Finances are important. Having enough cash in the bank to cover contingency plans can give you a feeling of security

Das Gefühl ist heute überall mit dabei. Sie können Gesprächen eine persönliche Note geben, indem Sie von Ihren Wünschen und Gefühlen sprechen und auf die Anliegen der anderen eingehen.



☆ **Aries:** Relationships, whether they are personal or professional are built on a level of trust. If it makes you feel uncomfortable or vulnerable to reveal private and personal details, it makes sense to hold back.

Was würden Sie heute Vormittag am liebsten tun? Wohl kaum das, was Sie sich vorgenommen haben. Für ein paar Stunden stehen Sie unter einer inneren Spannung, die Sie beim geringsten Anlaß emotional reagieren läßt.



☆ **Taurus:** If someone seems to be missing the common sense gene, don't let it upset your total week. Having to repeat yourself and explain in detail can be annoying, but it's probably not worth losing your cool over.

Eine harmonische und vertraute Umgebung ist die beste Voraussetzung, dass Sie sich heute wohl fühlen. Sie verstehen es, Ihre Umgebung mit viel Liebe und Geschmack einzurichten. Heute sollten Sie nicht zögern, von Ihrer Fähigkeit Gebrauch zu machen. Ein Blumenstrauss, Musik oder ein gutes Essen geben dem Leben die nötige Schönheit.



☆ **Gemini:** Most people have done things they wish they could take back of be able to rewrite their personal history book, but some people do learn from their mistakes.

Es drängt Sie hinaus aus den eigenen vier Wänden und unter Menschen. Beziehungen lassen persönliche Wünsche verblassen. Zeigen Sie sich mit dem Partner oder mit Freunden an der Öffentlichkeit! Im Beruf sind Sie auf Mitmenschen bezogen, freundlich und kooperativ, aber wenig durchsetzungsfähig

FUSSBALL: DIE NEUE RELIGION



Millionen von Menschen in dieser Welt haben verschiedene Religionen und praktizieren diese auf verschiedene Weisen. Diese Menschen sind entweder fanatisch oder unachtsam was ihre Religion betrifft. Wie auch immer, die Mehrheit dieser Milliarden Menschen teilen eine öffentliche, internationale Leidenschaft und das ist Fußball.

Fußball, das grüne, quadratische Wunder; bringt heute mehr Menschen zusammen als alle Kirchen, Moscheen, Synagogen und Tempel. Die Religion des Fußballs hat sehr viele Anhänger und Fans. Fußball in der heutigen Zeit gibt den Menschen Stolz, Anerkennung und Ruhm. Die Anhänger der Fußball Religion erreichen mystische Gefühle und spirituelle Erleuchtungen welches sie bis an die Spitze des Stolzes bringt. Fußball ist nicht nur ein einfacher Sport. Fußballstadien sind bekannter als alle Kirchen, Moscheen, Synagogen und Tempel. Die Anzahl der Menschen, die ihr Sportteam unterstützen steht in keinem Vergleich mit der Menge die man an religiösen Orten findet.

Fußball, ebenso wie andere Religionen, hat Propheten, die von den Anhängern bewundert und angebetet werden. Die eigene Nationale Geschichte des Landes spiegelt sich in den Gesichtern der Fußballspieler und ihren Favoriten wieder.

Früher fand man den nationalen Stolz in Kriegen und damit Menschen zu töten, die Sieger rühmten sich mit der Machtübernahme des feindlichen Landes und den anschließenden Massakern. Sogar bei den Kreuzzügen wurden einzelne Personen, die von den Gegnern überwältigt wurden vor die Wahl gestellt zwischen dem Tod oder der einzigen wahren Religion zu wählen.

Wie dem auch sei, beim Fußball und in seiner attraktiven Welt, gibt es keine Absichten zu töten. Die Verlierer sind irgendwann vergessen, die Gewinner aber gehen in die Geschichte ein. Fußball ist die wichtigste Erfindung aller Zeiten und ebenso die meist praktizierende Religion der Menschheit.



FOOTBALL: THE NEW RELIGION

Milliards of people living all over the world have different religions and practises. These people either are fanatics or disregardful towards their religions. However, the majority of these milliards of people share one public and international passion in common and this is Football.

Football, the green square miracle, today gathers together more people than most of the Churches, Mosques, Synagogues and Temples and in a way, the religion of Football has lots of fans and followers. Because Football in modern day after victory, gives people and Countries pride, credit, honour and glory. The followers of the Football religion reach mystical, emotion and spiritual enlightenment taking them to highest peak of pride. Football is not a simple or common sport. Football stadiums are better known than all the Churches, Temples, Mosques and Synagogues. The number of people who go to support their teams cannot be compared to the Religious places of worship. Football, like a religion, has its own Prophets who the people worship and adore. People see their national fables in the faces of their Football Champions and favourite players. In the past, National Pride was found in War and killing people and the victorious countries found their glory and pride by taking over other countries and massacring the people. Even in Crusades, individuals, when captured by their opponents, were given the choice between death and changing their religion. However, in Football and in its attractive world, there isn't a sight or mention of killing. Those who lose are forgotten but Winners are written in history. Football is the most important invention of the last two centuries by humans in the world and it can be called the most practiced religion by humans.



EL FUTBOL: LA NUEVA RELIGIÓN

Billones de personas por el mundo tienen diferentes religiones y creencias. Estas personas pueden incluso ser fanáticas en la aplicación de sus costumbres. Pero sin embargo, la mayoría de estos billones de personas comparten una afición común que es la del futbol.

El futbol, el césped de todas las maravillas, hoy en día atrae mas personas que todas las iglesias, mezquitas, sinagogas o templos. Se puede hablar de la religión del futbol visto la cantidad de seguidores. Hoy en día, una victoria futbolística ofrece al país mucho prestigio, honor y gloria. Los seguidores de esta religión alcanzan un alto nivel de espiritualismo que les lleva al mas alto nivel de orgullo. El futbol no es solo un simple deporte. Se conocen mas los estadios de futbol que todas las iglesias, templos, mezquitas y sinagogas. La cantidad de personas que van a ver a su equipo no se puede comparar con la cantidad de aficionados religiosos. El futbol, como las religiones, tiene sus profetas que la gente adora. Los aficionados ven la fe que tienen en su país a través de su equipo nacional y de sus jugadores. En el pasado, el orgullo nacional se construía en las guerras, matando poblaciones, y los victoriosos conquistaban territorios masacrando sus habitantes. Durante las cruzadas, los captivos tenían que elegir entre la muerte o la conversión. En el futbol, se puede decir que es mas atractivo ya que las reglas no mencionan que haya que matar. Los perdedores se olvidan y los ganadores escriben historia. El futbol es el mejor invento mas importante del mundo de estos dos últimos centenares y se puede considerar la religión mas seguida por humanos.

RANGARANG OFFICES IN EUROPE

GERMANY : 0049 173 600 95 40 (MR. ASEFI)

SPAIN:0034 63 79 87 009 (MISS HANNAH)

FRANCE:0033 64754 88 16 (MR. MOTAGHIAN)

ENGLAND (MAIN OFFICE):0044 8731 93 33

POBOX 2821, LONDON NW2 1DS UNITED KINGDOM



besetzt.

Iranische Professoren unterrichten an vielen Eliteuniversitäten dieser Welt. Ebenso findet man heute bereits Iraner im Europäischen Parlament.

Auch in der Welt der Mode haben sich die iranischen Designer und Models einen beeindruckenden Platz gesichert. Viele iranische Sportler belegen die vorderen Plätze für das Land für das sie antreten. In Frankreich zum Beispiel, hat 'Monshipour', der in der Mittelklasse unter der Flagge Frankreichs boxt, sein Ziel erreicht. Ebenso ein Vorzeigebispiel für Frankreich ist 'Arghaban Rezai' der sich im internationalen Tennis einen Namen gemacht hat. In Spanien spielen 'Javad Nikoonam' and 'Massoud Shojai' für das Team 'Oosa Soona'.

Weltbekannt ist auch der Tennisspieler Andre Aggasi, dessen Vater bei nationalen, iranischen Boxwettkämpfen bekannt wurde.

Bijan, ein sehr bekannter iranischer Designer, der schon Kleidung für Präsidenten entworfen hat, ist ebenfalls ein Begriff. Erinnern wir uns an die Führer und Könige aus verschiedenen Ländern. Nicht zu vergessen die vielen Berühmtheiten aus der Musik und Film Branche.



Professor 'Majid Samii' war der erste Gehirnochirurg der Welt, der eine mikroskopische Operationen durchführte und sich bis ins innerste des menschlichen Schädels wagte. Hierfür gewann er mehr als 60 internationale Preise von den wichtigsten Medizinischen Zentren. Von Professor 'Alireza Toorani Rad', einer der besten Professoren der Auckland Universität/ Neuseeland erhielt er für seine Theorie der Investition in die Wirtschaft den größten Preis in der Kategorie Weltwirtschaft.

Das Magazin Rangarang stellt als einziges Magazin seit 21 Jahren berühmte und erfolgreiche Iraner aus der ganzen Welt vor und wird auch in der Zukunft immer wieder bekannte Persönlichkeiten ins Rampenlicht stellen wird.

IRANÍS CON ÉXITO EN EL MUNDO



Por primera vez en 1000 años, por culpa de los Mullah, iranís fueron obligados a inmigrar en diferentes países. Durante estos últimos 30 años, estos inmigrantes tuvieron éxito tanto en los estudios como en el trabajo, que sea al nivel científico, económico, artístico, deportivo u otros. Hoy en día la mayoría de los encargados de la NASA son iranís. Los profesores iranís enseñan en las universidades mas prestigiosas del mundo. Incluso obtuvieron puestos en los parlamentos europeos. En el mundo de la moda, diseñadores iranís y modelos se volvieron famosos y muy reconocidos. En los deportes, muchos atletas iranís obtuvieron los puestos mas altos del país donde viven. Por ejemplo en Francia boxeador medio peso "Monshipour" consiguió du objetivo. Igual para "Arghaban Rezai" que participo bajo bandera francesa a competiciones internacionales de tenis. En España los futbolistas "Javad Nikoonam" y "Massoud Shojai" juegan para el Osasuna. Sin olvidar "André Agassi", el jugador de tanis cuyo padre estaba en el equipo nacional iraní de boxeo.

"Bijan", el famoso diseñador iraní, diseño ropa para presidentes y otros líderes y reyes del mundo. Y eso sin hablar de los famosos de la música y del cine.

El profesor "Majid Samii", fue el primer cirujano microscópico del cerebro del mundo; invento la cirugía al nivel mas profundo del cerebro y gano por aquello mas de 60 premios internacionales. No se puede olvidar también del profesor "Alireza Toorani Rad", unos de los mas brillantes de la universidad de Auckland (Nueva Zelandia), que obtuvo la mayor recompensa del mundo de la economía por sus teorías de la inversión.

La revista Rangaran, en los últimos 21 años, siempre fue la primera en presentar iranís con éxito en el mundo y sigue haciéndolo!



SUCCESSFUL IRANIANS IN THE WORLD



Iranians, for the first time in the last 1000 years of history, because of the Mullahs were forced to immigrate to different countries. During the last 30 years of this immigration were exiled for 30 years and became successful in many different areas of study and work. Some of these areas include, Science, Research, Economy, Arts, Sport and many others. Today in the space organisation of NASA, most of the managers are Iranian. Iranian professors teach in the most prestigious universities in the world. In the European Parliaments, Iranians have been able to become MPs. In the fashion world, Iranian designers and models have become very famous and well known. In Sport, most of the Iranian athletes have reached the highest standards in the countries they are living in. For example, In France, 'Monshipour', the mid-weight boxing champion, under the French flag, reached his goal. Another example being, 'Arghavan Rezai', who also under the French flag, participated in international Tennis. In Spain, two Iranian football players, 'Javad Nikoonam' and 'Massoud Shojai' currently play in the team, 'Oosa Soona.' Others include, 'Andre Agasi' who is a tennis player. His father was in the National Iranian Boxing team.

'Bijan' is the famous well known Iranian designer who has designed clothes for Presidents, Leaders and Kings from different countries. Not to mention Celebrities, Music and Film Stars.

Or Professor 'Majid Samii', was the first Microscopic brain surgeon in the world and invented surgery on the lowest part of the human Skull and has won more than 60 International Awards from important Medicine Centres or Professor 'Alireza Toorani Rad', one of the best Professors in Auckland University, New Zealand who by presenting his theories of investing in Economy, was able to receive the biggest award in World Economy.

Rangarang Magazine, in the last 21 years, has always been the first magazine to introduce successful Iranians in the world and is still trying to find and introduce the successful and important people.

ERFOLGREICHE IRANER IN DER GANZEN WELT



Während ihrer 1000-jährigen Geschichte wurde das iranische Volk erstmals durch die Mullahs gezwungen ihr Land zu verlassen und sich in anderen Ländern der Erde eine Heimat zu suchen. Seit dreißig Jahren gehen die Iraner nun ins Exil, immigrieren in alle Länder dieser Welt. Viele von Ihnen wurden sehr erfolgreich, egal ob mit Studium oder durch Arbeit. Die besonderen Fähigkeiten finden sich in der Wissenschaft, Forschung, Wirtschaft, Kunst, Sport und vielen anderen Gebieten wieder.

Bei der NASA sind die meisten leitenden Positionen heute von Iranern





First Word

Hello dear friends. Those who own your own businesses and these days are probably worried about the economic crisis; I will present with a Golden Key so that you can open the doors to new opportunities and find hundreds of thousands of Farsi speaking customers such as Iranians, Afghans and Tajiks.

Because Rangarang magazine has been at work for more than 20 years, and with having contents of high and professional quality in World and Press standards, it's the Golden Key to your European marketing success where we can help and introduce you to thousands of new customers. Rangarang magazine, as the only Farsi publication in all of Europe that can take you to the homes of tens of thousands of Farsi speaking people and is the readers favourite and most trustworthy magazine.

I advise you, to send your commercial message to the important markets over Europe through Rangarang magazine and test to see the fantastic results. In the world of Trading and Business, the most important and vital thing in order to continue trading, is the 'customer' and Rangarang Magazine is the important channel to connect you with thousands of new customers. Only try it. Contact our Agents in the countries you are living in to receive more information to publish your advert.

Editor: M.Sarabi



Liebe Freunde,

ich richte mich hier an alle, die ein eigenes Unternehmen/ Firma haben und sich in Zeiten der wirtschaftlichen Krise um ihre Existenz sorgen. Ich präsentiere Ihnen den „Goldenen Schlüssel“ zum öffnen der Tore, zu neuen Möglichkeiten und dazu tausende persisch sprechende Iraner, Afghanen und Tajiks zu finden, die bald zu Ihrem Kundenkreis gehören können.

Das Magazin Rangarang wird seit über 20 Jahren publiziert. Mit seinen hohen, professionellen Inhalten, angelehnt an den Standard der internationalen Presse, ist dies der Goldene Schlüssel zum wirtschaftlichen Erfolg. Durch uns kommen Sie in Kontakt zu tausenden neuen Kunden. Das Magazin Rangarang ist das einzige Persische Magazin welches in ganz Europa verteilt wird. Es ist das Lieblingsmagazin vieler Haushalte und beeindruckt durch seine Vertrauenswürdigkeit.

Ich empfehle Ihnen, ihre Werbung durch das Magazin Rangarang an die wichtigsten Märkte Europas zu richten. Überzeugen Sie sich selbst was eine gute Werbung bewirkt. In der Welt des Handels und der Wirtschaft und damit dieser weiter läuft, ist das wichtigste der Kunde. Das Magazin Rangarang ist ein erfolgreiches Sprachrohr um tausende Haushalte europaweit zu erreichen. Probieren Sie es aus. Setzen Sie sich mit den Vertretern ihres Landes in Verbindung. Wir machen Ihnen gerne ein Angebot wie sie in Zukunft ihre Werbung gestalten können.



Para empezar...

Queridos amigos. Los que dirigen un negocio propio en estos días deben ser preocupados por la crisis económica. Hare la presentación con una llave de oro para que podáis abrir las puertas a nuevas oportunidades y encontrar cientos de miles de consumidores que hablan Farsi tanto en iranís como afganos o Tayikos. Como la revista Rangaran trabaja desde hace 20 años y porque tiene un conocimiento profesional de calidad del mundo de la prensa, esta llave de oro será la llave del éxito en el mercado europeo y sus miles de nuevos clientes. Como única publicación en Farsi de Europa, la revista Rangaran podrá llegar hasta la casa de miles de lectores en idioma Farsi, siendo su revista favorita mas fiable.

Les recomendó que mande sus mensajes comerciales a Europa a través de la revista Rangaran y compruebe sus resultados fantásticos. En el mundo de los negocios, la cosa mas importante y vital para seguir en el negocio son los clientes y la revista Rangaran es el mejor camino para llegar a estos miles de clientes. Pruébalo. Contacte con nuestros agentes de su país para recibir mas información sobre la publicación de su anuncio.

P.O.Box 2821

LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Web: www.rangarang.co.uk

Email: rangarang_London@hotmail.com



Rangarang has been published for 21 years and is the only Iranian magazine that has been widely dispersed throughout Europe

H
A
I
R
D
R
E
S
S
I
N
G



ROBERT CALVIN

International Art Director

NEW HAIRDRESSING SALON

Robert's passion, charisma and creativity has attracted internationally acclaimed star clientele. He works in the USA, England and is now taking appointments in Marbella.

HAIR EXTENSION SPECIALISTS

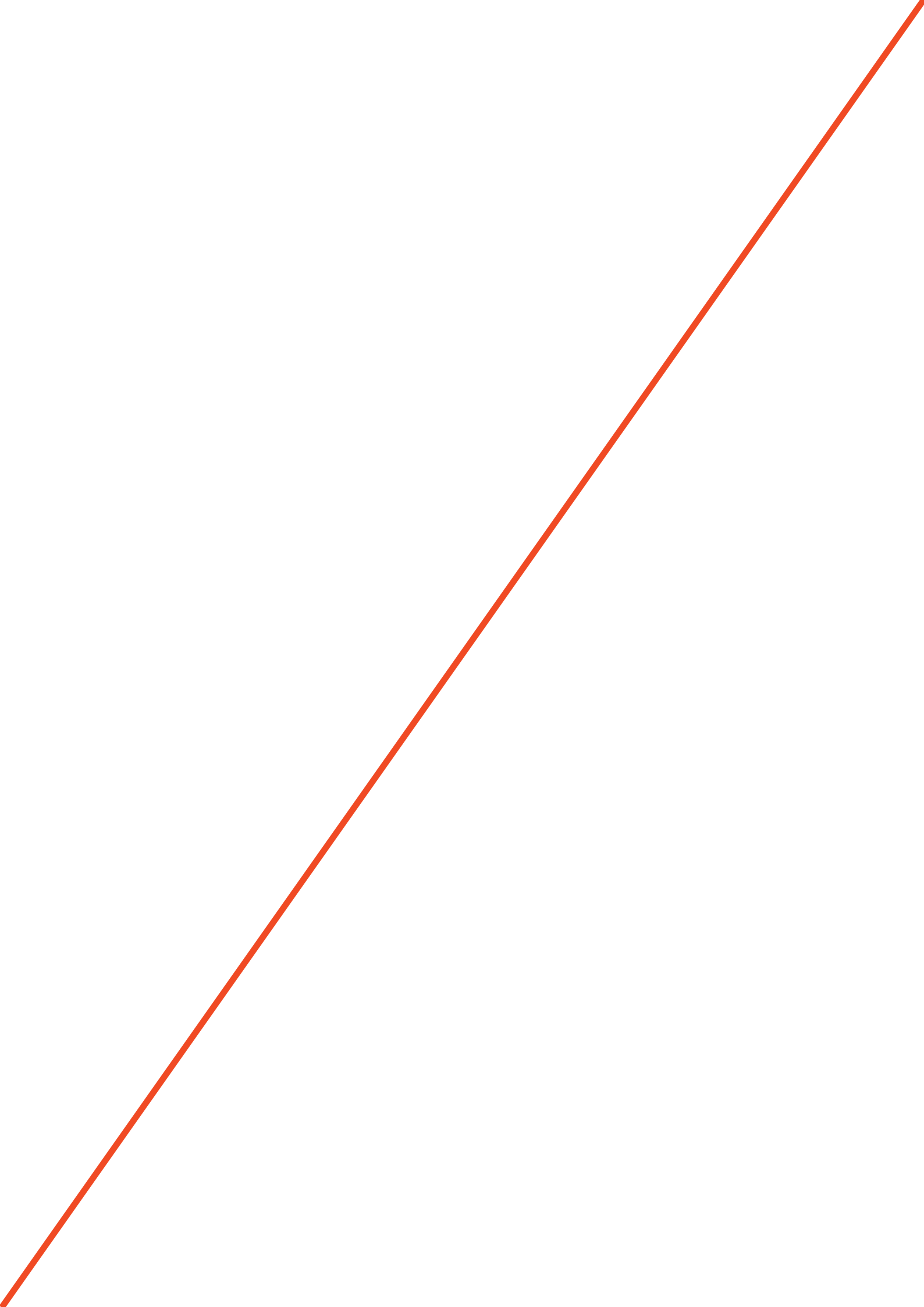
- **FULL HEAD HAIR EXTENSIONS €595** (inc hair and cut and finish)
 - **€20 off CUT & BLOW DRY**
 - **€40 off CUT, HIGHLIGHTS OR COLOR & FINISH**

INTERNATIONAL HAIRDRESSER

For more information and promotional offers:

952 810 355 / 677 684 599

www.robertcalvin.com



بهترین قیمت‌های
گارانتی شده به
تهران و ایران



Qatar Airways
To Tehran
£335
Including Tax and Charges

Qatar Airways
To Mashad
£335
Including Tax and Charges

bmi
To Tehran
£415
Including Tax and Charges

Emirates
To Tehran
£365
Including Tax and Charges

Turkish Airlines
To Tehran &
Tabriz
£395
Including Tax and Charges

Iran Air
To Tehran
£466
Including Tax and Charges

Gulf Air
To Shiraz
£365
Including Tax and Charges

Gulf Air
To Tehran
£365
Including Tax and Charges

Business Class
To Tehran
fr £989
Including Tax and Charges

با تماس تلفنی خود یا از طریق اینترنت از قیمت‌های ارزان ما با خبر شوید

www.YouShouldTravel.com

Tel: 0207 724 8455

Open Monday to Saturday 9.30am till 6.00pm

Dubai.....£250	Erbil.....£765
Beirut.....£400	Sanaa.....£385
Damascus.....£315	Khartoum.....£395
Cairo.....£290	Nairobi.....£350
Amman.....£460	Darussalam.....£465
Muscat.....£255	Addis Ababa.....£495
Istanbul.....£155	Lagos.....£460
Casablanca.....£208	Kuwait.....£335

IKB Travel & Tours, 230 Edgware Road, London, W2 1DW E-mail: Travelinfo@IKBtravel.co.uk

All Prices are from & subject to availability and change.



We Want You

Urgently seeking staff member to join our team.

Must be GDS trained Please contact

Abir on 0207 725 2277 or Abir@ikbplc.com

STAFF REQUIRED



RANGARANG

Est:1988

Issue No: 1041 April 2009

MONTHLY MAGAZINE



FOOTBALL: THE NEW RELIGION
FUSSBALL: DIE NEUE RELIGION
EL FUTBOL: LA NUEVA RELIGIÓN
SUCCESSFUL IRANIANS IN THE WORLD
ERFOLGREICHE IRANER IN DER GANZEN WELT
IRANÍS CON ÉXITO EN EL MUNDO

